



پوهنتون اسلام
پوهنځی شرعیات، قانون
پروگرام ماسټری لکه وفتون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معدیت امور علمی

پېررسی احکام احتکار از منظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان

رساله ماسټری

محصله: رابعه حینری

استاد رهڼما: نوډتور نجیب الله صالح

سال: ۱۳۹۸ هـ ش



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

بررسی احکام احتکار از منظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان

رساله ماستری

محصله: رابعه حیدری
استاد رهنما: دوکتور نجیب الله صالح

سال: ۱۳۹۸ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دبپارتمنت فقه و قانون

بورډ ماستری

تصدیق نامه

محترمه رابعه بنت مرزا شاه: ID: 418-97-MSF-SH محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: بررسی احکام احتکار از منظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان به روز پنجشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۳۰ هـ ش موفقته دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیات	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۳	دکتور نجیب الله صالح	استاد رهنما و رئیس جلسه	

..... معاون علمی

..... امر بورډ ماستری

سپاس گذاری

سپاس و ستایش مر خدای ۷ را که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار درفشان، آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان بنده ضعیف خویش را در طریق عام و معرفت بیازماید.

سپاسگذاری مزید می‌نمایم از وزارت تحصیلات عالی، پوهنتون سلام و بخش اداره ماستری علی الخصوص از اساتید بزرگوار دبیراتمنت فقه و قانون جهت زحمات بی پایان ایشان که برای موفقیت طلاب در مسیر علوم شرعی انجام می‌دهند.

تشکر خاص و ابراز امتنان می‌نمایم از استاد راهنمایم محترم دوکتور نجیب الله صالح حفظه الله تعالی جهت عزت بخشیدن به بنده و اشراف این رساله، استدعا مینمایم الله متعال جزاء خیر نصیب ایشان نموده و بر علم و عمر ایشان بیافزاید.

این پایان نامه ارشد را ضمن تشکر و سپاس پیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم مینمایم به محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه تلاشهای محبت آمیزی که در دوران مختلف زندگی ام انجام داده اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموختند و به همسر مهربانم که در تمام طول تحصیل همراه و همگام من بوده است؛ و به استادان فرزانه و فرهیخته‌ی که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نموده اند؛ و به آنانی که در راه کسب دانش راهنمایم بودند؛ و به آنانی که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه راهم بود.

در اخیر قابل ذکر است آنچه که در این رساله خوب و ثواب است از جانب الله متعال، و آنچه که در آن از لغزندگی و خطاست از آن بنده و شیطان می‌باشد، واستغفرالله تعالی من کل ذنب، و صلی الله علی نبیه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین.

من لم یشکر الناس لم یشکر الله

خلاصه بحث

پایان نامه حاضر که تحت عنوان بررسی احکام احتکار از منظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان است، در آن به چگونگی دیدگاه ها در رابطه به شناخت احتکار، شخص محتکر، مواردیکه روی آن احتکار صورت می گیرد و در نهایت پیش بینی مجازات برای فرد محتکر در فقه و قوانین افغانستان پرداخته شده است. درین تحقیق سه سوال اصلی وجود داشت که از مجرای تجزیه و تحلیل کتب و اطلاعات در پاسخ به هریک از سوالات چنین به دست آمد: در پاسخ به سوال اول که احتکار چیست و با محتکر چی برخورد می شود، یافته های تحقیق نشان داد که احتکار به معنی انبار کردن مواد به امید فروش در زمان گرانی و با فرد محتکر مطابق قانون و فقه جزا پیش بینی شده است.

در پاسخ به سوال دوم، حکم اسلام در مورد احتکار چیست و آیا احتکار جرم است، نشان داد که اسلام بر حرمت احتکار تاکید داشته و آنرا جرم پنداشته است.

در پاسخ به سوال سوم که انبار کردن چه چیزهای احتکار محسوب می شود و احتکار در چی مواردی است، یافته ها نشان داد که نظریات دانشمندان اکثر در رابطه به مواد غذایی بوده و این مواد از یک سرزمین تا سرزمین دیگر فرق می نماید.

یافته های فوق از مجرای قرآن کریم، احادیث نبوی، کتب مجلات و مقالات علمی به دست آمده است که از منظر روش شناسی تحقیق از جمله تحقیق های کتابخانه یی می باشد.

اصطلاحات کلیدی: احتکار، محتکر، قانون، فقه

فهرست موضوعات

1	مقدمه
5	سوال های اصلی تحقیق:
5	پیشینه تحقیق:
7	پلان تفصیلی بحث

فصل اول، مبانی نظری مبحث اول

9	مطلب اول - بررسی لغوی احتکار
10	مطلب دوم - بررسی اصطلاحی احتکار
10	1- احتکار در مذهب احناف
11	2- احتکار از نظر مالکی ها
12	3- احتکار در مذهب شافعی ها
12	4- احتکار از نظر حنابله
14	مطلب سوم - احتکار به اصطلاح حقوق دانان
15	مطلب چهارم - احتکار از نظر اقتصاددانان معاصر
15	مطلب پنجم - بررسی احتکار در قانون

مبحث دوم سیر تاریخی احتکار

18	مطلب اول - تاریخچه احتکار
19	مطلب دوم - علل بوجود آوردن احتکار
20	فرع اول - علل احتکار:
22	فرع دوم - اغراض و اهداف سیاسی:
22	فرع سوم - ضعف اعتقادی:
23	مطلب سوم - عوامل مهم در جذب اشخاص به سمت احتکار
23	مطلب چهارم - آثار احتکار
23	1- آثار اجتماعی احتکار:
25	2- آثار اقتصادی انحصار:
26	3- آثار اخلاقی احتکار:

مبحث سوم بررسی نصوص وارده پیرامون احتکار

29	مطلب اول - احتکار از منظر قرآن کریم
33	مطلب دوم - احتکار از منظر احادیث نبوی

فصل دوم؛ حکم احتکار و بررسی موادیکه در آن احتکار میشود

37	مبحث اول - حکم احتکار
37	مطلب اول - حکم احتکار در مذاهب
37	1- مذهب احناف
39	2- مذهب شافعی
39	۳ - مذهب مالکی
40	۴ - مذهب حنبلی
41	مطلب دوم: حکمت نهی از احتکار
42	مطلب سوم: آیا احتکار حرام است
44	مطلب چهارم - التزام مذاهب شافعی و حنبلی (رح) در فروش و قیمت گذاری اجناس احتکار شده:
45	مطلب پنجم - مجازات فقهی و دنیوی محتکر در مذاهب اسلامی:
47	مطلب ششم - مجازات دنیایی محتکر در مذاهب اسلامی:
47	۱ - مذهب احناف
47	۲ - مذهب مالکی:
48	۳ - مذهب شافعی:
48	۴ - مذهب حنبلی:
48	۵ - در مذهب زیدیه:
49	مطلب هفتم: راه های جلوگیری از احتکار در فقه
50	مطلب هشتم: وظایف حکومت در برابر محتکر

مبحث دوم

فلسفه و دلایل احتکار

59	مطلب اول - فلسفه و دلایل تحریم احتکار
61	مطلب دوم: دلایل تحریم احتکار
61	1-احتکار در قرآن کریم:
62	2-احتکار از منظر سنت
64	مطلب سوم - احتکار چه وقت و چگونه تحقق میپذیرد؟
65	مطلب چهارم - ریشه و انگیزه های احتکار:
65	الف - در اختیار گرفتن قیمت ها:
66	ب: انحصار طلبی دولت در بازار (احتکار دولتی)
66	مطلب پنجم - دلایل ایجاد انحصار

مبحث سوم

بررسی موادیکه در آن احتکار میشود

71	مطلب اول - احتکار در مذاهب اسلامی
71	مطلب دوم - احتکار در مذاهب اهل سنت

- 71 1- مذهب احناف
- 73 2- مذهب مالکی
- 74 3- احتکار در مذهب شافعی
- 74 4- احتکار در مذهب حنبلی
- 74 مطلب سوم - احتکار در مذهب ظاهریه
- 75 مطلب چهارم - احتکار در مذهب امامیه:
- 76 مطلب پنجم - احتکار در مذهب زیدیه
- 76 مطلب ششم - آیا حرمت احتکار مختص به مواد غذایی هستند؟
- 78 مطلب هفتم - آیا در صورت حرمت احتکار، محتکر ملزم به فروش نرخ تعیین شده است؟
- 79 مطلب هشتم: آیا موضوع احتکار منوط (وابسته) به خریدن است؟

مبحث چهارم شرایط احتکار

- 81 مطلب اول: شرایط احتکار:
- 82 مطلب دوم: انواع احتکار:

مبحث پنجم

نگهداشت مواد برای تنظیم جریانات اقتصادی احتکار پنداشته میشود یا خیر؟

- 86 مطلب اول - انبار داری
- 86 مطلب دوم - فرق و انگیزه احتکار و انبارداری

فصل سوم

فصل سوم؛ بررسی اضرار و جوانب تطبیقی آن و مجازات آن در جامعه افغانی

مبحث اول

- 91 مطلب اول - مروری بر مسله ای احتکار در نظام های اقتصادی مختلف
- 91 مطلب دوم - نظام سرمایه داری (نظام احتکار و طبقاتی)
- 92 1- مالکیت شخصی
- 92 2- عامل منافع شخصی
- 92 3- عدم دخالت دولت در امور اقتصادی
- 94 مطلب سوم - نظام کمونیسم (سیستم انحصاری احتکاری دولتی)
- 94 مطلب چهارم - نظام اقتصادی اسلام
- 96 مطلب پنجم - نفی احتکار در اقتصاد اسلامی
- 97 مطلب ششم - نفی احتکار در معاملات
- 98 مطلب هفتم - کسب حرام و مذمت آن از نظر دین مبین اسلام
- 99 مطلب هشتم - کسب حلال و فضیلت آن از دیدگاه شریعت
- 101 مطلب نهم - پاداش و اهمیت تجارت حلال

مبحث دوم

نمونه های از اختکار در افغانستان

- 105 مطلب اول - اختکار گاز
- 106 مطلب دوم - اختکار مواد غذایی
- 107 مطلب سوم: راه های مقابله با اختکار

مبحث سوم

سیر اختکار در قوانین افغانستان

- 110 مطلب اول - مواد قانونی:
- 111 مطلب دوم - عناصر تشکیل دهنده جرم اختکار:
- 111 الف - عنصر قانونی جرم اختکار:
- 111 ب - عنصر مادی جرم اختکار:
- 113 ج - عنصر معنوی جرم اختکار:
- 113 مطلب سوم - شروع به جرم اختکار:

مبحث چهارم

مجازات محترک در قانون ضد اختکار افغانستان:

- 116 مطلب اول - تشدید مجازات:
- 117 مطلب دوم - محکمه صالح رسیدگی به جرم اختکار:
- 118 مطلب سوم - انتشار حکم قطعی در جرایم:
- 118 مطلب چهارم: نتایج جلوگیری از اختکار
- 121 نتیجه گیری
- 123 پیشنهادات
- 124 فهرست آیات قرآنی
- 124 فهرست احادیث نبوی
- 125 فهرست اعلام
- 128 فهرست مصادر و مراجع

مقدمه

الحمد لله الذي انزل الكتاب بالحق والميزان واصلى واسلم على من بعث بالسيف لاطهار الاسلام على ساير الاديان و على اله و صحبه و من تبعهم الاستقامه و الا حسان اللهم ارنا الحق حقا وارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه؛

اما بعد: یکی از موضوعات مهمی که در عصر کنونی توانسته اقتصاد کشور مان را با چالش های جدی مواجه نماید احتکار می باشد. احتکار یکی از موضوعات است که خداوند متعال، رسول الله اکرم صلی الله علیه وسلم و نیز جمیع علماء آن را به شدت مورد انتقاد قرار داده اند و با آن به مبارزه پرداخته اند. همانگونه که از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: "من غشنا فلیس منا"¹. همچنان در حدیث دیگری از عمر رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: " الجالب المرزوق، والمحتكر الملعون"²

چرا احتکار حرام است؟ زیرا در صورت رونق یافتن این فعالیت، اقتصاد کشور فلج و باعث از بین رفتن تعادل اقتصادی می شود. دلیل عمده روی آوردن به این عمل را میتوان ضعف ایمان و اعتقاد افراد به خدا و فراموش نمودن این باور که همه روزی در مقابل خداوند متعال مسول اند، دانست. احتکار در واقع نوعی کاهش یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط عده ای از افراد جامعه با توجه به وضع بازار و به خصوص تقاضای تحریک شده خریداران به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می گیرد که سر انجام موجب افزایش تقاضا بر عرضه و منجر به پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت ها می گردد. از آنجا که موجب آشفتگی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه می باشد می توان آن را جرم حساب نمود. به همین منظور رسول الله اکرم صلی الله علیه وسلم با جملات کوبنده، محتکرین را از احتکار نهی فرموده است. زیرا پدیده ای احتکار، یکی از مصادیق بارز تجاوز به حقوق اجتماعی است که پیامد های زیانبار و آثار مخرب به همراه دارد و نظام حکومتی نباید در برابر آن بی تفاوت باشد. بنابراین حاکم اسلامی باید در دو عرصه اقتصادی و حقوقی در برابر محتکر وارد عمل شود، این مسئله از مصادیق تعارض های حقوقی می باشد زیرا از یک سو مالک کالا حق دارد در اموال خود تصرفات مالکانه داشته باشد و از سوی دیگر جامعه نباید در مضیقه و فشار معیشتی قرار گیرد. با روی دست گرفتن ترتیب بحثی تحت عنوان (بررسی احکام احتکار از منظر فقه اسلامی و قوانین افغانستان) در قالب تیزس یا پایان نامه

1- نیشابوری، نیشاپوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی، بیروت بدون تاریخ، ۱۴۶، ص ۳۱۹

2- قزوینی، محمد با یزید ابو عبدالله، سنن ابن ماجه، نشر دار المعرفه بیروت، سال نشر 2002م ج 2 ص 728. این حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ضعیف خوانده است. (البانی، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ج 2 ص 183)

ارشد تحصیلی ام، توانسته باشم وجبیه دینی خود را منحیث یک دعوتگر، ایفاء نمایم. و با چیدن خوشه از خرمن آموزه های اسلامی در راه خدمت به فرهیخته گان علم و دانش یک قدم جلو گام نهم در آرزوی توفیق تجارت پیشگان کشور ما و جهان اسلام و به امید تحقیق ریشه کن شدن احتکار در جامعه.

با توکل به خداوند متعال، و با توفیق و استعانت ذات اقدس اش، نظر بر رهنمود های استاد رهنمایم، دوکتور صاحب صالح الله نجیب حفظه الله کار تحقیق و مطالب تیزس یا پایان نامه ارشد تحصیلی خویش را در سه فصل و چندین مباحث و مطالب به پایه اکمال رسانیدم: و نشان دادن شیوه های تجارت و کسب درآمد حلال و پسندیده در پرتو دین، و نظر فقهای اسلام در مورد احتکار و آنچه در آن احتکار صورت می‌گیرد؛ در اخیر، با یک نتیجه گیری این پایان نامه ارشد را اختتام بخشیده ام.

اهمیت موضوع:

در اسلام قبح این پدیده زشت و مبارزه با آن بسیار مورد توجه واقع شده است و در بیان آن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: فرد محتکر به عنوان فرد خطا کار و مجرم یاد شده است. و همچنان میفرماید: " لا یحتکر الا خاطی" ¹ ترجمه: جز خطا کاران احتکار نمی کنند.

حضرت علی رضی الله عنه، انجام این عمل را از خصلت های ابلهان دانسته میفرماید: "من طبائع الغمار اتعاب النفوس فی الاحتکار" ² ترجمه: به رنج افگندن خود برای احتکار از خصلت های ابلهان است. در برخی از احادیث نیز از احتکار به عنوان عامل محرومیت و ایجاد بحران یاد شده است.³

حضرت علی رضی الله عنه در یکی از فرامین زمامداری خود در مصر به مالک اشتر میفرماید: " با این همه، بدان که بسیاری از آنان - تجار و صاحبان صنعت در داد و ستد پیش از اندازه سخت گیرند و بخل ورزی ناپسند دارند و به منظور سود بیشتر کالا را احتکار میکنند و به دلخواه نرخ می بندند و این کار برای توده مردم زیان بار و برای حکمرانان عیب و ننگ است. بنا بر این از احتکار جلوگیری کن، زیرا که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) از آن منع فرموده است. لذا این مسئله از منظر دینی هم مورد توجه بسیار قرار گرفته است و علاوه بر تقبیح این عمل از سوی دین مبین اسلام، حکومت اسلامی از همان ابتداء به دنبال رفع این مشکل بوده است.⁴

در مراجعه با یک مسئله، یکی از مهمترین امور شناخت موضوع و شناسایی عواملی میباشد که موجب شکل گیری آن میگردد. در مورد پدیده ای مانند احتکار هم به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی، شناخت

1 - نیشاپوری، صحیح مسلم شماره حدیث ۱۶۰۸.

2 - طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کنیر بن غالب الاملی ابو جعفر؛ (جامع البیان فی تاریل القرآن) ج ۲ ص ۶۹.

3 - غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 474

4 - مرجع سابق، ج 1، ص 475

احتکار و عوامل موثر در شکل گیری آن از مهم ترین عوامل در حل این معضل اجتماعی می باشد. سیاست گذار اجتماعی برای کاهش آثار منفی احتکار نیازمند شناخت احتکار و عوامل موثر بر آن و رتبه بندی آن ها می باشد تا بهتر بتواند به کنترل قیمت ها، ثبات و امنیت عرضه کالا در جامعه کمک کند. لذا در این بحث در پی آنیم تا به وسیله شناسایی احتکار، موارد احتکار، شرایط احتکار، احکام احتکار از منظر دین و قانون و همچنان مجازات محترک در فقه اسلامی و قانون کشور بپردازیم.

با بررسی دلایل و علل شکل گیری احتکار می توان در اقتصاد، از سویی زمینه کاهش آسیب به نظام تولید داخلی و حمایت از تولید کننده گان را فراهم نمود و از سوی دیگر به وسیله کنترل بهتر قیمت کالا های اساسی، موجب بهبود رفاه جامعه شد. این امر خود مقدم کارگذاران اقتصادی نظام اسلامی بوده و میزان اعتماد مردم را به حکومت افزایش می دهد و افزایش در اعتماد، خود سرمایه اجتماعی را افزایش می دهد.

سبب اختیار موضوع:

هر چند کتب، مقالات و بحث های زیاد در رابطه به چگونگی احتکار و اثرات آن از سوی محققین صورت گرفته است و از منظر قرآن کریم، سنت و فقه به مسایل مرتبط احتکار پرداخته اند. اما تا اکنون بحثی که به صورت اخص روی احکام احتکار و بررسی آن در قوانین نافذ کشور پرداخته شده باشد به نظر نمی خورد، لذا نظر به اسباب ذیل بر آن شدیم تا موضوع مورد بحث را انتخاب نمائیم:

1- بررسی دقیق تر متون موجوده از مجرای قرآن کریم، احادیث نبوی و نظریات فقها در رابطه به احکام احتکار در اسلام.

2- بررسی احتکار را در قوانین نافذ کشور به منظور شناخت کامل از احکام احتکار در قوانین نافذ کشور.

3- شناسایی شرایط احتکار، اثرات منفی احتکار و همچنان مواردیکه بالای آن احتکار صورت می گیرد.

4- شناسایی مجازات محترک از منظر احادیث نبوی، فقهاء و قوانین نافذ کشور در رابطه به شخص محترک، از جمله مواردی بوده که سبب شده اند تا بحث روی موضوع مورد نظر صورت گیرد.

اهداف موضوع:

اهداف تحقیق در واقع معلوم کردن مجهول است که در ذهن باحث شروع می شود، که برای حل آن مسئله و یافتن پاسخ مناسب برای مسئله به وجود آمده بکار برده می شود. اهداف اساسی در تحقیق حاضر به شکل فشرده قرار ذیل است:

1- بررسی متون موجوده در رابطه به تبیین احکام کراهت و حرمت احتکار از نظر منابع چهارگانه

2- بررسی چگونگی مجازات محکومین در فقه اسلامی و قانون افغانستان.

3- شناسایی موارد احتکار، شرایط احتکار و مدت زمان آن از نظر فقه اسلامی و قانون افغانستان.

از جمله اهداف اساسی برای این بحث بوده که در طی تحقیق کنونی به صورت مفصل آن پرداخته خواهد شد تا اهداف فوق در تحقیق حاضر به دست آید.

طرح مسئله:

احتکار مصدر باب افتعال از (حکر) به معنی جمع و امساک (گردآوردن و نگهداشتن) و یا به مفهوم (گردآوری مواد خوراکی و انبار کردن آن به منظور گران شدن) است.

فقها نیز در کتب فقهی این تعریف را ملاک قرار داده اند و با توجه به تعریف یاد شده و استفاده از ادله فقهی در معیارشناسی احتکار تحقق سه شرط را لازم دانسته اند.

1- گردآوری مواد خوراکی به منظور بالا رفتن قیمت باشد.

2- مواد خوراکی انبار شد مورد نیاز جامعه باشد.

3- عرض کننده دیگری که با عرضه او نیاز مردم برطرف گردد وجود نداشته باشد.

بدون شک پدیده احتکار در ظرف شرایط یاد شده از عوامل بسیار مخرب اقتصاد اجتماعی و مصداق روشن ظلم و اجحاف به مردم است که از منظر عقل و شرح محکوم و مورد تقبیح قرار گرفته است. یکی از معضلات اقتصادی و جرائم علیه اموال و ملکیت، که در بیشتر حوزه های تولیدی رخنه کرده و باعث بحران اقتصادی در جهان گردیده است و با رشد روز افزون جوامع و صنعتی شدن آن ها در دو قرن اخیر آثار و عواقب دیگری به همراه داشته است، احتکار می باشد. در این تحقیق بر آنیم تا دیدگاه مذاهب، به خصوص مذهب حنفی که مذهب رایج در افغانستان است و نیز قوانین ضد احتکار افغانستان را که به احتمال زیاد از قانون ضد احتکار مصر اقتباس شده است را هم در این مسئله به بررسی بگیریم. به همین جهت با این رویکرد که احکام شرعی بر پایه مصالح و مفاسد واقعی استوار شده است اکثریت قریب به اتفاق فقها به حرمت احتکار فتوا داده اند.

هرچند برخی از آنان به کراهت موضوع اشاره دارند لیکن با توجه به شرایط سه گانه که در حقیقت قوام احتکار به آنهاست و با دقت در کلمات فقهای که قایل به کراهت احتکار شده اند سرانجام به این نتیجه می رسیم که حکم به کراهت در صورت فقدان شرایط سه گانه مورد نظر آنان بوده است. بنابراین حکم به حرمت احتکار در موارد تحقق شرایط یاده شده نزد جمهور فقها پذیرفته است. نکته مهم این است که احتکار یکی از مصادیق رودررویی و تعارض بین حقوق فرد و حقوق جامعه است زیرا مالک کالا به موجب حق

فردی خود می تواند در مال خود به هرگونه خواهد تصرف کند ولی از سوی دیگر حفظ حقوق جامعه آنجا که پدیده احتکار موجب وارد شدن ضرر و فشار اقتصادی به جامعه می باشد و حیات مردم را در معرض تهدید قرار می دهد لازم است حق مالکیت فرد محدود شده و تصرفات او در اموال احتکار شده تحت کنترل و نظارت هیات حاکم قرار گیرد.

در این پایان نامه تلاش نموده ام تا آیات و احادیث نبوی را بررسی تطبیقی نموده و دیدگاههای فقهای اسلامی و قوانین افغانستان را مورد بحث و کنکاش قرار دهم.

سوال های اصلی تحقیق:

هرچند پیرامون احتکار و مسائل مربوط به آن صدها چگونه و چرا ها را با خود دارد اما به شکل فشرده به برخی از آنها می پردازیم و آنها را در ذیل قرار می دهیم:

- ۱- احتکار چیست و با محتکر چه برخورد میشود؟
- ۲- دیدگاه اسلام در مورد احتکار چیست؟ آیا احتکار جرم پنداشته میشود؟
- ۳- انبار کردن چه چیزهای احتکار محسوب میشود؟ و یا آنکه احتکار در چه مواردی صورت میگیرد؟

پیشینه تحقیق:

در بحث احتکار، دلایل شکل گیری آن و اثرات آن پژوهش های انجام گرفته است که در ادامه تعدادی از آنان را ذکر خواهیم نمود فائزی در " تجارت و احتکار در بازار مسلمین " ضمن بیان یک بحث اخلاقی پیرامون احتکار، ارشادات رسول الله صلی الله علیه وسلم را پیرامون بازار مسلمین مسائل مربوط به احتکار را بیان نموده است و محقق داماد در کتاب " تحلیل و بررسی احتکار از نظر گاه فقه اسلام " به بررسی اجمالی دیدگاه مکاتب فلسفی به انسان پرداخته است و در ادامه با بیان رابط اسلام و آزادی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث، نظر اسلام را پیرامون آزادی اقتصادی بیان کرده است.

صدر در کتاب " احتکار از دیدگاه فقه و احتکار ضمن بیان مفهوم و مصادیق احتکار " به استخراج و بررسی احادیث موجود در این زمینه پرداخته و در نهایت نتایج بدست آمده و کار کرد آن ها را برای بازار مسلمین بیان نموده است.

در پژوهش دیگر اصغری در کتاب " بررسی حقوقی و فقهی دو مسئله رشوه و احتکار در پرتو دو مقوله حقوق و اخلاق، فرد و جامعه " به شرح زمینه های اصلی و ریشه ای احتکار پرداخته است، پس از آن با بیان مطالعاتی تطبیقی در فقه و حقوق اقدام به بیان پیوستگی و ارتباط زیاد بین استنتاجات اقتصادی و مفاهیم (فرد و جامعه) و (حقوق و اخلاق) نموده است.

شمس الدین در کتاب "احتکار در اسلام" مسئله احتکار را از دیدگاه تمام مذاهب اسلامی حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، اعم از شیعه اثنی عشری و زیدی بررسی نموده است و با بیان موارد مختلف احتکار و احکام آن به نحوه پیشگیری از احتکار در سطح دولت و شرکت های داخلی و خارجی پرداخته است. سبحانی نیز در مقاله ای "بررسی عناصری از مناهای اقتصادی در احکام اسلامی" تلاش نموده تا با استفاده از تئوری ها هزینه های معاملاتی، تفسیری اقتصادی از امهات اجرایی شدن نهی عمده اسراف ضرر و زیان احتکار ارائه نمایند.

در زمینه مقالات نوشته شده در این موضوع به زبان لاتین نیز کارهای زیادی انجام شده است که در موضوعات مختلفی از قبیل احتکار کالاها، احتکار پول، احتکار نیروی کار و... میباشد؛ و البته تمرکز این مقاله صرفاً بروی احتکار مواد غذایی و مواد ضروری میباشد. در ادامه برخی از مقالات مرتبط با موضوع این تحقیق را ارائه مینمایم. از سوی دیگر تعداد زیادی از کتب فقهی که در این مورد به بحث پرداخته اند به زبان عربی بوده نیاز جدی به نگارش و تحقیق لازم دارد.

با بررسی های انجام گرفته در این موضوع مشخص شد که دانشمندان جهان غیر اسلام در موضوع این پژوهش، مطالعات خاصی صورت نگرفته است. همانطور که از بررسی پژوهش های صورت گرفته مستفاد میگردد، غالب پژوهش های انجام شده در داخل کشور که عمدتاً در قالب کتبیبه تحریر گردیده اند؛ ناظر به بحث فقهی احتکار و احکام آن میباشند. در پژوهش های بین المللی هم بیشتر بروی مواردی از قبیل احتکار پول و نیروی کار تمرکز دارند و علی رغم اهمیت بحث شناسایی عوامل شکل دهنده احتکار جهت کمک به سیاست گزاران، پژوهشی از عوامل شکل دهنده احتکار در هیچ یک از منابع داخلی و خارجی یافت نشده است. لذا این پژوهش می تواند زمینه را برای اولویت بندی بهینه منابع از سوی سیاست گذار در جهت رفع این مشکل در جامعه فراهم آورد.

مواد و روش تحقیق:

موارد بکار رفته در این بحث از مجرای، قرآن کریم، احادیث نبوی، احکام و نظریات فقها، کتب، مجلات و بحثهای بوده که درین مورد نگاشته شده است. روش تحقیق بکار رفته درین بحث عبارت از روش تحقیق کتابخانه ای با رویکرد توصیفی می باشد که با استفاده از این روش، باحث به متون موجوده در زمینه پرداخته و بعد از تجزیه و تحلیل نظریات بیان شده، در زمینه به بحث می پردازد.

پلان تفصیلی بحث

قبل از آنکه به پلان کلی این اثر پردازم باید نوشت که شیوه نگارش این پایان نامه با استناد از آیه های قرآنی، احادیث نبوی، نقل قول از فقهاء با در نظر داشت نگرش فقهی، ماده های قانونی قوانین نافذ کشور، تعریف و تشریح واژه های پیچیده از کتب معتبر لغات، تخریح احادیث با در نظر داشت حکم بر حدیث، دیدگاه کلی راجع به موضوع در صورت نیاز، ابراز نظر شخصی پیرامون بساء از مسائلیکه نیاز به توضیح و تبیین دارد. اما شیوه نگارش تحقیق بطور کل قرار ذیل است:

این رساله شامل مقدمه - سه فصل - خاتمه و فهرس میباشد.

مقدمه شامل: طرح مسئله، سوالهای اصلی تحقیق، اهمیت موضوع، پیشینه تحقیق، و خطه البحث می باشد.

1. فصل اول: در مبحث اول این فصل به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی احتکار، از دیدگاه فقهاء و قوانین پرداخته شده است. متعاقبا در فصل دوم به سیر تاریخی احتکار، علل به وجود آمدن احتکار و اهداف آن صحبت شده است. بالآخره در مبحث سوم به احتکار از منظر قرآن کریم و احادیث نبوی تحقیق کامل صورت گرفته است.

2. فصل دوم: در مبحث اول فصل دوم روی حکم احتکار از نظرا مذاهب فقهاء، مجازات اخروی و دنیوی محتکر، مسئولیت حکومت در قبال محتکر صحبت شده است، سپس در مبحث دوم پیرامون فلسفه احتکار در اسلام همگام با انگیزه محتکر با علت از دیداد احتکار صحبت شده است، متعاقبا در مبحث سوم در مورد بررسی موادی که در آن احتکار میشود از دیدگاه مذاهب اسلامی تحقیق شد، در مبحث چهارم روی شرایط احتکار تحقیق کلی صورت گرفته است و بالآخره در مبحث پنجم پیرامون آثار احتکار و مسائل متعلق به آن صحبت شده است.

3. فصل سوم: در مبحث اول این فصل بررسی اضرار و جوانب تطبیقی احتکار در افغانستان، بررسی مسائله احتکار در نظام های اقتصادی مختلف، همگام با ثمره و پیامد کسب حلال و حرام صحبت شده است. در مبحث دوم پیرامون نمونه های از احتکار در افغانستان نیز صحبت شد، سپس در مبحث سوم: سیر احتکار در قوانین افغانستان، همراه با عناصر احتکار از دیدگاه قانونی پرداخته شد، و مبحث چهارم: مجازات محتکر در قانون ضد احتکار افغانستان متعاقبا این اثر با خاتمه که در بر گیرنده نتایج و توضیحات حاصل شده از خلال همین بحث می باشد پایان یافته است.

فصل اول

بررسی معنای احتکار

احتکار آنست که چیزی را بخرند و آن را پنهان کنند و از مردم منع کنند، تا آن چیز در میان مردم کمیاب گردد و در نتیجه قیمت آن گران شود، و بالا رود و از اینراه مردم متضررگردند. در شریعت اسلامی احتکار (انبار و ذخیره کردن اموال و اجناس و نفروختن آنها) در صورتی که ضررش متوجه عموم مردم بشود جایز نیست. دولت نمی تواند برای اموال و اجناس مردم نرخ و قیمت تعیین کند، مگر زمانی که تورم و گرانی بالا رود و بازار سیاه درست شود، آن گاه نرخگذاری برای دولت جایز است و مجازات متخلفین هم طبق قوانین اسلامی صحیح است.

تعداد بخاطر بالا بردن قیمت کالاها را پنهان می کنند و خودبخود، پنهان کردن کالاها، موجب بالا رفتن قیمت آنها بزیان و ضرر فقیران و بینوایان است، که نمی توانند آنها را بخرند، درحالیکه ثروتمندان برای خریدن آنها، از بازار مخفی و آزاد، قوی و نیرومند می شوند. و در نتیجه زیان کلی و غبن فاحش، پیش می آید و هردوی فقیر و ثروتمند درمضیقه و عسر و حرج واقع می شوند، و مصالح و منافع هیچکدام تحقق نمی پذیرد- ثروتمند گران می خرد و فقیر هم محروم می شود، پس ایجاب میکند که احتکار را حرام گفت و بخاطر جلوگیری از آن اقدام نمود، در این فصل روی مسائل کلی احتکار خواهیم خواند:

مبحث اول معنای احتکار

مطلب اول - بررسی لغوی احتکار

احتکار در لغت: احتکار از ماده "حکر" است، و حکر به معنای ذخیره کردن طعام به امید و انتظار چیزی است. به کسی که این عمل را انجام می دهد "محتکر" گفته می شود. به نظر برخی از لغت شناسان، احتکار به معنای جمع آوری و نگهداری طعام و آنچه که خورده می شود (ارزاق)، به امید گران شدنش؛ است.¹ و حکر به معنای احتکار کننده است و حکره به معنای انبارداری است و احتکار به معنای نگاه داشتن غله است تا در زمان گرانی بفروشد.²

واژه شناسان و فرهنگ های لغت، احتکار و حکر و حکره را به ظلم، ستم، بد رفتاری سوء معاشرت، اجحاف و استبداد، ایجاد مشقت و گرفتاری برای دیگران نقص، لجاج آب اندک، و راکد همچنین جمع و حبس و انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم به هدف کمبود و افزایش قیمت معنی و تفسیر کرده اند. آنچه در مجموع از کتب لغت³ برداشت و مستفاد میشود این است که:

1. احتکار، ظلم، ستم، بد رفتاری، و تحمیل مشقت و زحمت بر دیگران است.
 2. انبار کردن ما یحتاج جامعه هم در حقیقت ایجاد ناراحتی و یکی از مصادیق ستم به مردم و اختلال امور مجتمع و حیات جامعه است.
 3. احتکار صرفاً جمع و انبار کردن ارزاق یا طعام نیست بلکه همان طوریکه لسان العرب و برخی دیگر از فرهنگ نویسان نوشته اند، شامل دیگر مایحتاج مردم نیز میشود.
- احتکار در لغت: به گرد آوردن چیزی پیش از اندازه نیاز گفته میشود.⁴ یعنی نگهداری طعام به انتظار گران شدن و جهت بدست آوردن منافع بیشتر. جوهری در صحاح گفته: "الاحتکار" جمع الطعام و حبسه یَتَرَبِّصُ به الغلاء؛ جمع کردن و انبار کردن طعام به انتظار گران شدن.⁵
- از کلمات اهل لغت این مفهوم بر می آید که معنای احتکار بر حسب ریشه و وضع اولیه عبارت است جمع و نگهداری هر چیزی که مورد نیاز مردم می باشد و در انحصار در آوردن و امساک کردن و مردم را

۱- ابن منظور، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقي، لسان العرب، محمد بن مکرم بن علی، ناشر دار صادر - بیروت سال نشر 1414 هـ ج 4 ص 208

۲- صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب، چاپ دوم، تهران، ج ۱، ص ۲۴۲

۳- فیروز آبادی، القاموس المحيط ناشر: دارالکتب العلمیه - بیروت، ص ۱۲ - ۲۰، ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۰۸.

۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید (ج ۱ ص ۱۰۶)

۵- جوهری، أبو نصر إسماعیل بن حماد الجوهري الفارابي، صحاح اللغه، ناشر: دار الفکر - بیروت، سال نشر: 1999م، ج 2، ص 635

از مصرف آن ممنوع کردن است.¹ همچنین گفته اند که احتکار عبارت است از اینکه، کسی یا موسسه ای کالا و مواد مورد نیاز جامعه را به قصد گران کردن، انبار و مهار سازد. برای تحقق احتکار باید سه ویژگی مورد توجه باشد:

1. مورد احتکار مواد خوراکی باشد.
2. مورد نیاز و احتیاج مردم باشد.
3. کسی دیگر هم برای عرضه آن به قدر کافی وجود نداشته باشد.²

مطلب دوم - بررسی اصطلاحی احتکار

1. احتکار در مذهب احناف

احناف رحمهم الله شرعاً، احتکار را به حبس ارزاق و مواد غذایی و حیاتی بخاطر کمین گیری برای بالا رفتن قیمت در وقت قحطی و تنگ دستی مردم الی چهل روز تعریف کرده اند.³ یا اینکه که احتکار از نظر شرعی خرید خوراک و امثال آن و نگه داشتن به قصد گران شدن به مدت چهل روز است.⁴ زیرا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: (من احتکر علی المسلمین اربعین یوما ضربه الله بالجزام و الافلاس).⁵ یعنی: هر کس به زیان مسلمین چهل روز احتکار کند، خداوند (جل جلاله) او را به مرض جزام و تنگدستی و مفلسی دچار میسازد.

بدین منظور گفته اند: این مدت یکماه و یا بیشتر از یکماه میباشد. محمد بن علی "حصفکی" توضیح داده که تعیین مدت برای مجازات کردن محکر در دنیا که اگر کمتر از مدت مذکور، اشیای مورد نیاز را نگهداری کرده باشد، مستحق مجازات دنیوی نیست، و الا از نظر عملی که محکر انجام داده و گنجهار میباشد، هر چند در حاشیه شرنبلایی نظر ابوحنیفه (رحمة الله علیه) و شاگردش محمد (رحمة الله علیه) احتکار را چنین تعریف نموده است:

1- منتظری، حسین علی، احتکار و قیمت گذاری، مترجم، محمد مهدی گیلانی، ج1، ص ۱۰ - ۱۴.

2- صادقی اردستانی، احمد، توازن ثروت در حکومت اسلامی، ج1 ص 62

3- محمد بن علی بن محمد علاءالدین حصفکی در سال ۱۰۲۵ هـ مطابق ۱۶۱۶ در دمشق تولد شده در قریه بنام حصن کیفا و در ترکیه بود و از این رو به حصفکی مشهور شد. سال ۱۰۸۸ هـ مطابق ۱۶۷۷ به عمر ۶۳ سالگی در دمشق وفات نموده است و معروف ترین کتابش الدر المختار فی شرح تنویر الابصار میباشد. (بغدادی، اسماعیل بن محمد امین بن میر سلیم البلبانی البغدادی، هدیة العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين ناشر: دار إحياء التراث العربي بیروت - لبنان، سال نشر: 1951م، ج۲، ستون ۲۹۵)

4- قزوینی، سنن ابن ماجه، ج2 ص 729، این حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، ضعیف خوانده است. (البانی، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ج5، ص 155)

5- زحیلی، وهبه مصطفی زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ناشر: دار الکفر، - دمشق، بدون تاریخ، ج3 ص 1873- الدر المننقی علی متن المننقی بهامش مجمع الانهر ج۲، ص ۵۴۷.

احتکار عبارت است از (حبس طعام به قصد گران شدن مقید گردیده است بر قوت انسان و چهارپایان). امام ابو یوسف شاگرد ابوحنیفه (رحمهما الله) میفرماید (کل ما اضر بالعامه حبسه فهو احتکار و ان كان ذهب او فضه او ثوب) ترجمه: هر آنچه که نگهداری آن به عموم مردم ضرر برساند، احتکار است. خواه طلا، نقره و یا هم لباس باشد.¹

و کاسانی² احتکار را چنین تعریف میکند: خریدن مواد خوراکی از مصر و یا از مکانی که موادش به مصر صادر گردیده و ذخیره نمودن آن تا بلند رفتن قیمت آن، به شرط آنکه آنجا مصر بوده و ذخیره کننده انتظار بلند رفتن قیمت را داشته باشد.³

2. احتکار از نظر مالکی ها

امام باجی⁴ رحمه الله از احتکار چنین تعریف نموده است: احتکار عبارت از ذخیره کردن برای فروش و طلب نمودن فایده در تقلب (کلاه برداری) ساختن بازار است. اما اگر ذخیره به قصد آذوقه باشد، احتکار محسوب نمی‌شود. این تعریف مالکی ها است.⁵

پیروان امام مالک بن انس (رضی الله عنه) در روایتی از امام مالک (رحمة الله علیه) چنین نقل میکنند که او در مورد احتکار چنین فرموده است، احتکار در هر چیزی است که در بازار می‌باشد از قبیل طعام، روغن، کتان پشم و تمام اشیاء (هر چیزی که به بازار زیان برساند، هر جنس و موادی را که محتکر جمع کند، ممنوع است) فتوای حضرت امام مالک (رحمة الله علیه) مطابق فتوای امام ابویوسف (رحمة الله علیه) شاگرد امام اعظم (رحمة الله علیه) می باشد که فتوی داده است، حبس هر چیزی احتکار پنداشته میشود.⁶ بناء تفاوت اندکی میان وی و احناف در نظر است.

1. موصلي، عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي البلدحي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي، الاختيار لتعليل المختار، ناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة، سال نشر: 1937م ج4 ص 162.

2- ابوبکر علاءالدين بن مسعود بن احمد حنفي كاشاني ملقب به ملك العلماء است محل تولد مشخص نیست در حلب سکنی گزید و همانجا از دنیا رفت از آثارش: بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، در شرح تحفه الفقها، استادش علاءالدين محمد سمرقندی در چند مجلد، در فقه؛ السلطان المبين فی اصول الدين. در پاره ای از منابع از وی بعنوان کسانى و منسوب به کاسان، شهری در ترکستان و رای نهر جیحون و شاش، یاد کرده اند. (عبد القادر بن محمد بن نصر الله القرشي، أبو محمد، محيي الدين الحنفي، الجواهر المضيه فی طبقات الحنفية، ناشر: مير محمد کتب خانه - کراتشي، بدون تاریخ، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۶)

3 — کاسانی، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ناشر: دار الکتب العلمیة، سال نشر: 1986ه، ج ۵، ص ۱۲۹.

4- اندلسی، ابوالولید سلیمان بن خلف، متکلم و ادیب برجسته اندلسی در سده پنجم. در ۴۰۳ در خانواده ای که از بطلیوس به باجه مهاجرت کرده بودند متولد شد. باجی در سال ۴۷۴ در المریه درگذشت تالیفات بسیاری از او به جا مانده یکی از آن شرحی است بر موطا مالک ملخص آن موسوم به المنتقى است از آثار دیگر او جواب رساله الراهیومن افرنسه، رساله فی الحدود،... میباشد. (عروطج، فلاند العقیان، ج ۱، ص ۲۱۵)

5 — اندلسی، أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي القرطبي الباجي الأندلسي، المنتقى شرح الموطا ۵/۱۵، ناشر: مطبعة السعادة- مصر، سال نشر: 1332ه ج5 ص 15

6 - مرجع سابق ج ۵ ص ۱۸.

3. احتکار در مذهب شافعی ها

امام رملی¹ (رحمة الله عليه) که پیرو مذهب شافعی (رحمة الله عليه) است می باشد، گفته است: احتکار عبارت از خریدن قوت (غذا) در وقت گرانی، برای اینکه بعدا آن را به قیمت بیشتر بفروشد و از این طریق برای مردم تنگدستی ایجاد کند.² مطابق فتوای رملی، اگر کسی در وقت ارزانی قوت مردم را خریداری کند و بعد انبار نماید وقتی که گران شد بفروشد، محتکر نیست در صورتی که قصدش فروش گزاف نباشد.

احتکار در مذهب شافعی (رحمة الله عليه) ، قید و بند نمودن مایحتاج مردم را که به قصد قیمت شدن آن در وقت تنگدستی و قحطی خریداری نمایند و بعد از مدتی در حالت سختی و رنج مردم به قیمت گزاف به فروش رساند، احتکار گفته میشود، و نیز به قول شافعی (رحمة الله عليه) مواد و ارزاق و آذوقه که به قصد رفع ضرورت بخاطر خوراک خود و خانواده خود ذخیره کند، احتکار گفته نمیشود.

4. احتکار از نظر حنابله

بهوتی³ (رحمة الله عليه) در کشف القناع چنین تعریف میکند: مواد خوراکی که جهت تجارت بوده طوری آنرا ذخیره نموده است تا قلت گردیده و قیمت آن بلند برود.⁴ ابن قدامه⁵ (رحمة الله عليه) که حنبلی مذهب است در کتاب المغنی گفته است: احتکار در صورتی حرام است که دارای شرایط ذیل باشد:⁶

7 - رملی، محمد بن احمد بن حمزه ، ملقب به شمس الدین بن شهاب الدین الرملی المصری ، معروف به شافعی صغیر . به قول بعضی از علماء استاد استادان و یکی از اکابر احیاکنندگان سنت بود. وی به سال ۹۱۹ هجری قمری متولد شد و فقه و تفسیر و نحو و صرف و معانی بیان و تاریخ را از پدرش خویش آموخت و از تلمذ دیگران بی نیاز گشت و پس از وفات پدر به تدریس پرداخت و منصب افتاء شافعی را به عهده گرفت و بسال ۱۰۰۴ هجری قمری در گذشت. از آثار او غایت البیان فی شرح زبد ابن ارسلان در فقه شافعی ، نهایت المحتاج الی شرح المنهاج در فقه شافعی ، فتاوی العلامه شمس الدین الرملی در فقه شافعی میباشد.

1- رملی، نهایه المتاج الی شرح المنهاج ، ناشر: دارالکتب العلمیه - بیروت سال نشر: ۱۹۹۳م، ج ۳ ، ص ۴۵۶
2- بهوتی، منصور بن یونس، فقیه حنبلی قرن یازدهم است. در بهوت واقع در غرب مصر به دنیا آمد. وی را خاتم فقهای مذهب حنبلی در مصر میدانند که در تدریس و ترویج فقه حنبلی کوشش بسیار کرده است. بهوتی در تصنیف فقه حنبلی موفقیت بسیار کسب کرد و آثار مهم از خود به جای گذاشت برخی آثار وی عبارت از: الروض المربع در شرح زادالمستقنع، کشف القناع عن الاقناع، که در چهار جلد است در فروع فقه حنبلی است. دقائق اولی النهی، که شرحی است بر منتهی الارادات تقی الدین فتوحی و در حاشیه کشف القناع به طبع رسیده؛ عمده الطالب لنیل المآرب در فقه حنبلی میباشد. (عامری، محمد کمال الدین بن محمد الغزالی العامری، النعت الاکمل لأصحاب الإمام أحمد بن حنبل، نشر: دار الفکر، دمشق - سوریا، سال نشر: 1982م، ج 1 ص 211)

3 — بهوتی، منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی الحنبلی، کشف القناع علی متن الاقناع ، ناشر: دار الکتب العلمیه ، سال نشر: 2002م، ج ۲ ص ۳۵.

4- ابن قدامه، موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه بن مقدم، العدوی، القرشی، المقدسی، الجماعلی، در سال ۵۴۱ هجری در جماعیل نابلس تولد شد. و در سال ۶۲۰ هجری در دمشق وفات یافت از محدث و فقیه حنبلی میباشد. آثار زیهد بجا مانده است عبارت از المقنع، الاعتقاد، ذم التاویل، ذم الوسواس، القدر، البرهان فی مساله القران، المغنی، مناسک الحج، التبیین فی انساب القرشیین، فضائل العشر...و غیره میباشد. (یعلی، أبو الحسین ابن أبي یعلی، محمد بن محمد ، طبقات الحنابله، ناشر: دار المعرفة - بیروت ، سال نشر: 2004م ج ۲، ص ۱۳۳)

5- ابن قدامه، المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی، عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی ابو محمد، دار الفکر ، بیروت 1405، ج ۴، ص ۷۸.

الف: اینکه خریداری شود، در صورتی که از طریق خریداری باشد نه از راه جلب نظر، همانگونه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در حدیثی عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) فرموده است: عن عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) : الجالب المرزوق، والمحتكر الملعون. 1 ترجمه: کسی که کالاها را بیزار جلب می کند از روزی حلال بهره مند است و کسی که آنها را احتکار می کند و محتکر است، ملعون و از رحمت خداوند رانده شده است. جالب کسی است که کالاها را به بازار می آورد و با سود اندک آنها را می فروشد. که در این روایت رسول الله ص انسان محتکر را در ردیف کفار محسوب نموده و ملعون می داند.

ب: شر دوم آنکه مواد احتکار شده قوت باشد، در صورتی که خریداری " محتکر " آذوقه و مواد ما یحتاج حیاتی را که مردم بدان امرار حیات مینمایند احتکار نماید.

ج: شرط سوم با خرید آن بر مردم تنگی شود، یعنی کشور یا شهر کوچک باشد که با خریداری ارزاق و اشیاء احساس قلت و احتیاج محسوس شود و به اهل آن ضرر رسد. اگر شهر یا کشور بزرگ باشد، صادرات بیشتر و کشور خود کفاباشد، هر نوع احتکار مواد تاثیر بالای قیمت ها نداشته باشد در آن صورت بر علاوه که حرام نیست، احتکار گفته نمیشود، اما بر عکس، اگر چه شهر بزرگ باشد در صورتی که با خریداری و انبار کردن آن، قحطی و تنگدستی واقع شود، و قیمت جنس به مراتب بالا برود در آن صورت احتکار است و حکم به تحریم آن ارایه شده است. 2

با بررسی تعاریف چهارگانه می بینیم که تعریف احتکار در نزد فقها بسیار به یکدیگر نزدیک هستند و تفاوتی چندانی بین آنها وجود ندارد، یکی از وجوه اشتراک در تعریف احتکار در نزد فقهاء تاکید آنها بر انبار کردن و نگهداری مواد غذایی و عدم اشاره به نگهداری سایر کالا ها و اجناس است که البته با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی و محدودیت نیاز های ضروری آن روزگار، امری طبیعی است. با این حال و به رغم شباهت که در معنای لغوی و اصطلاحی احتکار در نزد فقهای کرام وجود دارد؛ اول اینکه، که طبق معنای لغوی، احتکار به ذخیره کردن هر گونه طعام گفته میشود، در حالی که در اصطلاح فقهی، فقط به ذخیره کردن مواد خوراکی و ضروری مردم میباشد. و دوم اینکه، بنا بر نظر اکثر فقها شرط تحقق احتکار در اصطلاح فقهی، نیاز مردم به آن کالا (مواد غذایی) است، ولی در معنای لغوی این قید وجود ندارد.

1- قزوینی، سنن ابن ماجه، ج2 ص 728. این حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ضعیف خوانده است. (البانی، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ج2 ص 183)

2 — بخاری؛ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (الجامع المسند الصحیح المسند من اموری رسول الله) ناشر: دار الفکر بیروت سال نشر 1999م ج 4 ص 2691.

ذکر این نکته ضروری است که از نظر فقهی، سه شرط برای تشخیص احتکار وجود دارد؛ اول نیاز مردم به کالای (مواد غذایی) احتکار شده است، دوم اینکه فروشنده و عرضه کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند و سوم شرط زمانی است. البته چون در برخی روایات، مدت احتکار را برای زمانی که کالا فراوان است چهل روز و برای زمانی که سختی و قحطی است سه روز قرار داده اند، برخی گمان کرده اند کمتر از این مدت، احتکار محسوب نمی‌شود.

با بررسی تعاریف میتوانیم تعریف جامع تر آنرا از میان تعاریف مختلف چنین بیان کرد: ذخیره نمودن احتیاجات مردم را به هدف بلند رفتن قیمت آن احتکار می‌نامند.¹

قول راجح در این مسئله نظر احناف در مورد احتکار است، چون دلیل احناف با استناد به دلایل قویتر است و احناف دلیل میاورند، حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند: (من احتکر علی مسلمین اربعین یوما ضربه الله بالجزام و الافلاس)² ترجمه: هر کس به زیان مسلمین چهل روز احتکار کند، خداوند (جل جلاله) او را به مرض جزام و تنگدستی و مفلسی دچار میسازد. دلیل قوی بودن نظر احناف با استناد از احادیث قولی و فعلی رسول الله صلی الله علیه وسلم همگام با نیازمندی های جامعه انسانی است.

مطلب سوم: احتکار به اصطلاح حقوق دانان

احتکار آنست که شخصی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته باشد، برای جلوگیری از فروش، به دولت یا مردم پنهان کند، احتکار در مفهوم عمومی آن، عبارت از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توضیح مواد ضروری که توسط همه یا برخی از فروشنده گان بطور موقت صورت میگیرد چنانچه محتکر بتواند با کم کردن یا متوقف ساختن توزیع کالا به منظور خود برسد؛ یعنی تقاضای مصرف کننده گان را افزایش دهد و جریان توزیع را در کمترین حجم خود نگه دارد.³

میزان احتکار و مدت آن، بستگی به وضع بازار و تقاضای مشتریان برای کالا دارد، تا وقتی که زمینه ذهن مصرف کننده گان آکنده از نگرانی و بی اطمینانی نسبت به آینده باشد، و کم شدن موقتی کالا را کم شدن دائم آن تصور کنند، به خرید کالا به مقدار بیش از اندازه مورد نیاز و به منظور ذخیره سازی شتاب می‌آورند. در این وضعیت کردار احتکاری فروشنده، ثمر بخش بوده و در صدد تکرار بر خواهد آمد. سود آوری این اقدام به زودی سایر فروشندگان را تحریک خواهد کرد که از محتکران نخستین پیروی نمایند،

1 - قاسم، یوسف قاسم، التعامل التجاری فی میزان الشریعه ج1، ص 3.

2 - زحیلی؛ الفقه الاسلامی و ادلته، ج3 ص 1875

3 - جعفری ترمینولوژی حقوق، ج1، ص 15.

این کردار در صورت عدم دخالت مقامات مسئول، تا جایی که خریداران تقاضای خویش را برای خرید کالا ابراز می‌دارند، همچنان ادامه خواهد داشت.

مطلب چهارم: احتکار از نظر اقتصاددانان معاصر

احتکار آنست که شخص و یا سازمانی به تولید جنس و یا خدمت مخصوص که در خواست آن عظیم المرونت باشد، مرونت در خواست در اجناس عبارت است از نسبت تغییر نسبی در کمیت مورد ضرورت، تغییر نسبی بر قیمت اجناس وارد می‌گردد.¹

یعنی مرونت در خواست در اجناس موثر اساسیت که بر توانمندی مشتریان جهت استمرار در خواست اجناس و یا ازدیاد آنها نسبت به قیمت اجناس دلالت میکند.

چون زمانیکه مرونت درخواست صفر باشد معنای آن را میدهد که اجناس برای مشتریان نهایت ضروری بوده که از آن صرف نظر کرده نمیتوانند به هر اندازه که قیمت آن تغییر کرده باشد باز هم مشتریان نیاز شان را توسط آن مرفوع میسازند مثلاً ضرورت مردم به دواء به هر اندازه که مرونت در خواست تقلیل باید معنای آن را میدهد که به اجناس بیشتری ضرورت میرود تا آنکه به درجه برسد که مردم از آن صرف نظر کرده نمیتوانند.

زمانیکه یک شخص و یا یک سازمان به تولید جنس منفرد گردد میتوانند طبق در خواست خودش قیمت آن را تعیین نماید به صرف نظر از احتیاج مردم و ضرورت استمرار زندگی آنها چون اقتصاد وضعی هدف دارد تا مفاد مادی در نتیجه فعالیت های اقتصادی اضافه تر گردیده برابریست که نسبت به مستهلک یا تولید کننده و یا تاجر باشد.

به همین گونه احتکار خودش در اقتصاد وضعی و اسلامی چیز نیست که غنی (مالدار) توسط اموالش بر فقراء حکمرانی کرده و به طور خلاصه گفته میتوانیم که: ذخیره کردن اجناس مورد ضرورت انسانها را به قصد بلند رفتن قیمت آن و بدست آوردن مقدار بزرگ را احتکار گویند.²

مطلب پنجم: بررسی احتکار در قانون

تعریف احتکار در قانون ضد احتکار کنونی افغانستان مصوبه 1368: مطابق ماده اول این قانون، احتکار عبارت است از ذخیره، پنهان کردن و حصر مواد ارتزاقی وسایر مواد اولیه مورد نیاز عامه بیش از

1 - حمدی، مبادی الاقتصاد التعلیل، ج1، ص 287.

2 - یوسف قاسم، التعامل التجاری فی میزان الشریعه، ج1، ص 53.

احتیاج عادی شخص و عدم عرضه آن به مستهلکین به مقصد بلند فروختن مواد مذکور به طور غیر عادی.¹ و در مواد بعدی فهرست مواد موضوع جرم احتکار را به تفصیل بیان نموده است. مطابق این قانون برای مقابله با جرم احتکار کمیسیونی تشکیل می شود در کشور و ولایات که صلاحیت های متعددی برای مبارزه با جرم احتکار برای آن پیش بینی شده است که در موارد ذیل است: مطابق ماده سوم این قانون:

1- شورای وزیران برای جلوگیری از احتکار در ولایت ها و کمیسیونی هایی را مرکب از والی ها، ولسوال ها بحیث رئیس و نماینده گان سارنوالی، وزارت های داخله، امنیت دولتی تجارت، ترانسپورت و شاروالی بحیث اعضا ایجاد می نماید.

2- در شهر کابل کمیسیون مرکب از نماینده گان با صلاحیت لوی سارنوالی وزارت های داخله امنیت دولتی، تجارت ترانسپورت و شهرداری تحت اثر یکی از معاونین صدر اعظم (در همان وقت) تشکیل می گردد.

مطابق ماده چهارم این قانون این کمیسیون دارای صلاحیت های ذیل است: کمیسیون دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

- 1- تشکیل کمیته های محلی و ناحیوی جهت جلوگیری از احتکار.
- 2- کسب معلومات از اشخاص راجع به مواد ارتزاقی و سایر مواد اولیه مورد نیاز عامه که آنها در تصرف خود دارند. اشخاص مکلف اند معمولات موثق را به کمیسیون ارائه نمایند.
- 3- کنترل محلات عرضه مواد ارتزاقی و سایر مواد اولیه مورد نیاز عامه.
- 4- تفتیش محلاتی که مواد ارتزاقی یا سایر مواد اولیه مورد نیاز عامه به مقصد احتکار در آن ذخیره شده باشد. در صورت تفتیش مسکن کمیسیون مکلف است طبق احکام قانون اجازه محکمه را اخذ نماید.

مطابق ماده ششم این قانون این کمیسیون مقدار ذخیره قانونی مواد موضوع جرم احتکار را تعیین و به اطلاع عموم مردم می رساند. مقدار ذخیره مواد به منظور استفاده سالانه کارکنان دهقانان، قرار دادی ها و سایر اتباع کشور نظر به اوضاع و احوال از طرف کمیسیون مندرج ماده سوم این قانون توسط لویایح جداگانه تعیین می گردد.²

1. وزارت عدلیه، قانون احتکار افغانستان، ماده: 1

1 - وزارت عدلیه، قانون احتکار افغانستان، ماده: 6

تعریف فوق از نظر ماهیت با تعریف فقها همخوانی داشته طوریکه مرحوم شیخ انصاری، به پیروی از بسیاری از فقهای پیشین، مسئله را اصولاً تحت عنوان “احتکار الطعام” مطرح نموده و تعریف آن را از اهل لغت بدین گونه نقل می‌کند: “احتکار الطعام و هو جمع الطعام و حبسه یتربص به الغلاء” یعنی احتکار طعام جمع کردن و یا حبس کردن آن به منظور گران شدن است¹.

پس از تعریف های بالا به خوبی دانسته شد که فقها در یک مورد همه متفق النظر هستند که احتکار حرام، و احتکار کننده که باعث گران فروشی و بالا رفتن نرخ و نوا میشود موجب پیگرد قانونی بوده و مرتکب جرم بزرگ در جامعه اسلامی شده است.

1 - سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظر گاه فقه اسلام، ناشر: اندیشه‌های نو در اسلام- تهران، سال نشر 1362 هـ ص 236

مبحث دوم

سیر تاریخی احتکار

بدون شک احتکار، گرانفروشی، فریب و نیرنگ در معامله تجارتي از زمان های بسیار دیرین تا امروز ادامه داشته و تا قیام قیامت پاینده خواهد بود، ولی شریعت اسلامی از همان روز نخست در برابر بی عدالتی و حق تلفی مبارزه نموده و جهت دلگرمی مردم بسا از قوانین را مطرح نموده است که باید مطابق آن کار صورت بگیرد. همانگونه که قبلاً گروهی بسیار از فقها برآن هستند، که وقتی احتکار حرام است، که شرایط سه گانه زیر را داشته باشد:

1 - جنس احتکار شده، مازاد بر احتیاجات سالیانه خود و افراد تحت تکفل او باشد، چون جایز است که هر فردی باندازه کفایت هزینه سالیانه خود و خانواده اش را، ذخیره کند، همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین می کرده است.

2 - شخص محتکر آن اجناس احتکاری را بانظار زمانی نگه داشته باشد، که قیمت کالاها گران شود، تا آنوقت با بهای بسیارگران بفروش برساند، و از نیازشدید مردم بدان سوء استفاده کند و جنس خود را بقیمت گران بفروش برساند.

3 - احتکار در زمانی صورت می گیرد که مردم بدان مواد احتکار شده از قبیل مواد خوراکی و پوشاکی و غیر آن نیازمند باشند. اگر آن مواد در نزد برخی از تجار وجود داشته باشد و مردم بدان نیازی نداشته باشند - بعبارت دیگر آن مواد و کالاها در بازار موجود باشد، - نگه داشتن آنها احتکار محسوب نمی شود، چون در این صورت ضرر و زیانی بمردم نمی رسد.¹

مطلب اول - تاریخچه احتکار

از آنجایی که احتکار موجب برهم زدن نظم اقتصادی جامعه می گردد، از دیر باز مورد توجه دولتمردان بوده و به منظور مقابله با آن مقررات شدیدی را پیش بینی کرده اند. قدامت احتکار به زمانی می رسد که بشر اولین جوامع کوچک را تشکیل داد و زندگی جدیدی را در قالب اجتماعات شروع کرد. در این مرحله احتکار در پاره ای موارد عینیت یافت و در مراحل بعدی که جامعه بافت پیچیده تری به خود گرفت و تلویحا تقسیم کار و انتخاب آزاد حرفه معمول گشت، احتکار آشکارا به عنوان معضلی مهم در مقابل مصالح و نظام جامعه قرار گرفت. با گذر بر تاریخ، نمونه هایی از آن را در روم و یونان باستان می توان مشاهده کرد در مکتوبات مورخین روم باستان، به موضوع احتکار اشاراتی شده است، بدین ترتیب که در هنگام

1. سید سابق، فقه السنه، مترجم، محمد ابراهیم ج 6 ص 141.

جنگهای روم باستان هیچکس حق انبار کردن اجناس و نیاز های خوراکی را نداشته است و در صورت ارتکاب چنین عمل حتی به مجازات مرگ محکوم می گشت و در شرایط عادی هم اگر ذخیره سازی و انبار کردن موجب بروز قحطی می شد علاوه بر مجازات بدنی، محکوم کالاهای انبار شده توقیف می گردید. بدین منظور آنان جهت جلوگیری احتکار کارهای را انجام داده اند.

اگر تاریخ جامعه بشری مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد، ملاحظه می شود که جوامع مختلف با این معضل همواره مواجه بوده اند و راهکارهای مختلفی برای برخورد با آن ارایه نموده اند. در واقع احتکار نه تنها نوعی پایمال کردن حق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، یا وسیله مبادله کالا در دست مردم یا نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، باعث ایجاد تورم که از بیماریهای بسیار خطرناک و ناهنجار معنوی است نیز خواهد شد، و در نهایت در زنجیره نظام جامعه ای بیمار گونه خواهد ساخت.

احتکار پیش از اسلام نیز به شدت رواج داشته است، برخی از ثروتمندان عصر جاهلیت به بازارها رفته و آنچه از مواد غذایی و مایحتاج ضروری مردم را که در آن سودی می دیدند، خریداری کرده، سپس انبار می نمودند و در هنگامی که بازار فروش مناسب بود یا در هنگام قحطی و یا کمبود کالا با قیمتی بسیار بالا اقدام به فروش می کردند، بدون توجه به گرانی و زیانی که بر مردم وارد می شد. احتکار اغلب در مورد مواد غذایی و ارزاق عمومی صورت می گرفته و کسانی که اقدام به احتکار این قبیل اقلام می نمودند دچار عاقبتی شوم می شدند.

ابن خلدون درخصوص اینکه به چه علت محکومین ارزاق عمومی دچار نفرین و بدفرجامی می شدند، می نویسد: از مسائلی که در نزد خداوندان بینش و تجربه در شهرها شهرت یافته، این است که احتکار محصولات زراعتی برای فروختن در اوقات گرانی، عمل شوم و بدفرجام است و سود آن به تلف شدن و زیان باز می گردد و سبب آن این است و خدا دانایتر است که مردم به علت نیازی که به ارزاق دارند مجبورند از روی ناچاری اموال خود را در راه خریداری آنها صرف کنند و در نتیجه نفوس بدین معنا تعلق می پذیرد.¹

مطلب دوم - علل بوجود آوردن احتکار

احتکار یک پدیده شوم و زیان بار جامعه است در واقع شکل یک بیماری حاد اجتماعی و اقتصادی می باشد. اگر درمان و پی گیری نگردد، طبقه فقیر و قشر مظلوم را از پا در می آورد. زیرا محکومان همواره بازار را آشفته می خواهند و از فقدان نظم و قانون حاکم بر نظام، سود می برند، یکی از مهمترین زمینه

1- محمد مهدی شمس الدین، احتکار در اسلام، مترجم مرتضی آیت الله زاده شیرازی، ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی- تهران، سال نشر: ۱۳۸۳ ه
ج ۱ ص 83.

های ایجاد و توسعه احتکار در جامعه، همانا فقدان یک بازار منسجم و متکی بر مجموعه تولید کننده گان، عمده فروشان و خرده فروشان حرفه ای و قانون است. علاوه بر این، فقدان یک بازار مالی کارا، فراگیر در جامعه نیز ایجاد زمینه لازم را برای فعالیت و سلطه گرایی محتکران کمک میکند.

فرع اول - علل احتکار:

عوامل متعددی باعث بروز این تخلف میشوند، که ذیلا به بررسی پاره ای از این موارد می پردازیم.

1- کاهش تولید و عدم موازنه عرضه و تقاضا: کاهش تولید و عدم تعادل نسبت عرضه و تقاضا در رابطه با کالا های مصرفی، به ویژه کالا های اساسی یکی از عوامل ایجاد کننده احتکار است. افزایش تقاضا نسبت میزان به عرضه موجب می گردد که محتکرین قیمت ها را بالا برده و با انبار نمودن غیر ضروری کالا و یا عدم عرضه آن، موجبات بالا بردن قیمت را فراهم آوردند. در این حالت مصرف کننده گان نیز اقدام به تهیه کالا ها به میزان پیش از نیاز خود و انبار نمودن آن نموده و خود عاملی در جهت تشدید به عملکرد محتکرین میگردند.

2- فقدان سیستم هماهنگ و صحیح توزیع: وجود یک سیستم صحیح توزیع و نظارت دقیق بر آن، توأم با تسهیل امکانات توزیع عامل مثبت و موثری در جهت ایجاد تعادل در بخش عرضه است، تا ضمن تاثیر و مساعدت در امر برنامه ریزی، از کمبودی های ساختگی ناشی از احتکار نیز ممانعت به عمل آورد.

اختلال در سیستم توزیع، موجب می گردد که دلالت و واسطه ها و محتکرین نسبت به انباشتن کالا ها، اعم از مواد اولیه که برای ساختن کالا های مورد نیاز است و نیز کالا های تولید شده اقدام نموده و با ایجاد کمبودهای مصنوعی به افزایش هزینه تولید و قیمت کالا ها دست زنند و کالا های مورد احتکار خود را به چندین برابر قیمت به فروش رسانند.

3- فقدان یا ضعف نظارت: علت مزبور از اهم عوامل موثر در مبارزه با احتکار تلقی میگردد، زیرا اگر چه عدم تکافوی تولید و نارسایی توزیع موجب پیدایش و تشویق سود جویانه میگردد که وارد جریان توزیع کالا های مورد نیاز مردم گردیده و ضمن در اختیار گرفتن تولیدات کارخانه ها، به متزلزل نمودن جریان عرضه میپردازند، ولی نظارت کنترل قاطعانه دولت در هر مرحله ای میتواند از احتکار محتکرین ممانعت به عمل آورد.

ضمنا دولت علاوه بر اعمال مجازات های شدید، میتواند به اقدامات پیشگیرانه نیز متوسل گردد. این کنترل و نظارت میتواند از طریق قیمت گذاری کالا های مصرفی و اساسی مردم و نظارت بر توزیع و مصرف

آن انجام پذیرد تا ضمن ایجاد اطمینان از توان تهیه و تامین کالاها و ارزاق مورد نیاز مردم، به تثبیت قیمت‌ها نیز کمک میکند.¹

4- سود جویی و منفعت طلبی: گروهی از محکمرین به انگیزه ایجاد بازار سیاه و نایاب کردن کالا و انتظار برای فرصت‌های مناسب برای فروش کالا به قیمت گزاف میباشند و به این وسیله صرفاً به دنبال ثروت اندوزی و تامین منافع اقتصادی خود هستند.

5- عدم آگاهی کسبه از مقررات: یکی از مشکلات اساسی و عمده که از دیرباز در کشورها به دلیل ضعف سازماندهی اصناف همیشه مطرح است، عدم آگاهی اصناف از مقررات و قوانین تجاری است. بر همین اساس بسیاری از اصناف مرتکب اعمال خلاف مقررات عرضه و فروش کالا میشوند که بعضاً به دلیل عدم آشنایی با مقررات است.²

6- فرهنگ جامعه: ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی از جمله احتکار و گران‌فروشی را بایستی در فرهنگ حاکم بر جامعه جستجو کرد. اثر اعتقادات دینی و اتکا به مبانی معنوی در پیشگیری از وقوع اینگونه تخلفات غیر قابل انکار است. هنگامیکه فرهنگ مصرفی (مصرف‌گرایی) بریک جامعه حاکم شد، اهداف مادی هدف‌نهایی یک جامعه میشود و برای رسیدن به این اهداف، افراد دست به انجام هر عملی خواهند زد.³

انگیزه‌ها و عوامل پدیده احتکار را باید در موارد زیر جستجو کرد:

1- سود جویی و منفعت طلبی

2- اغراض و اهداف سیاسی

3- عدم آشنایی کسبه کاران با مقررات

4- مسایل اقتصادی سود جویی و منفعت طلبی

بدانگونه که در بند متصدیان (کارفرمایان) احتکار آمد، گروهی از محکمرین به انگیزه ایجاد بازار سیاه و نایاب کردن کالا و انتظار برای فرصت‌های مناسب برای فروش کالا به قیمت گزاف می‌باشند و بدین وسیله قصد ثروت اندوزی دارند این گروه صرفاً در صدد تامین منافع اقتصادی خود هستند و اهداف سیاسی را دنبال نمی‌کنند.⁴

1 - ماهنامه، پیرامون احتکار و گران‌فروشی، مجموعه بررسی‌های اقتصادی اجتماعی، واحد اقتصادی اجتماعی، حزب جمهوری اسلامی، ش ۶، ج ۲۰-۱۳.

2 - ماهنامه، محمد کرم، "احتکار" ماهنامه دادگستر، شماره نهم و دهم، ۱۳۸۳.

3 - قاسمی حامد، دکتر عباس و خالدی، پری؛ پیش‌گیری از ورودی خسارت به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری، مجله تحقیقات حقوقی، دو فصلنامه پژوهشی، شماره ۵۱، بهار - تابستان ۱۳۸۹.

4 - سید مصطفی؛ تحلیل و بررسی احتکار از نظر گاه فقه اسلام، ج 1، ص 45.

فرع دوم - اغراض و اهداف سياسي:

گروهي با هرج و مرج سازي در نظام اقتصادي در پي پياده کردن اغراض سياسي و رسيدن به اهداف شوم خود مي باشند و معمولاً دخالت آشکار دولتهاي قدرتمند دنيا و شرکتهای اقتصادي مربوط به آنان که همواره به دنبال تامين منافع سياسي و اقتصادي خود هستند، ديده ميشود.

عدم آگاهي کسبه کاران با مقررات: يکي از مشکلات عمده و اساسي که از دير باز در کشور ما به دليل ضعف سازماندهي اصناف هميشه مطرح بوده، عدم آگاهي اصناف با مقررات و قوانين تجاري است. برهمن اساس بسياري از اصناف مرتکب اعمالی خلاف مقررات عرضه و فروش کالا مي شوند. در نظر سنجي هايي که به عمل آمده است، قريب 76% از کسبه کاران، تجارت را فقط در خريد و فروش و تصحيل سود مي دانند و مقررات را در پرداخت ماليات و اخذ پروانه کسب خلاصه کرده اند و همين عدم آشنايي به مقررات بعضاً منجر به احتکار و حبس کالا و ناياب شدن آن و ايجاد بازار سياه شده است.

فرع سوم - ضعف اعتقادي:

اثر اعتقادات ديني و اتکا به مباني معنوي در پيشگيري از وقوع جرم غير قابل انکار است و اصولاً مکاتب جرم شناسي نوين، در جهت اتصال به يك اجتماع خالي از بزه، مهمترين موضوع را ايجاد فضاي معنوي در جامعه و ارتقاي سطح اعتقادات مذهبي مردم مي دانند. بديهي است وقتي افراد جامعه اطمينان نموده که فراتر از عالم طبيعت، عوامل ديگري نيز وجود دارد و انسان موجودی لايتهای است که هر مقدار در مسير کمالات روحي قدم بر دارد، سعادت مند تر است و اجر عمل خود را دريافت مي نمايد و بالعکس چنانچه در طريق تباهي فساد و ظلم نيز حرکت کند، نتيجه عمل خود را خواهد ديد و عذاب اخروي را نصيب خود خواهد شد، طبيعتاً از ارتکاب معاصی و جرايم خود داري مي نمايد.

فراتر از اين، مکتب انسان ساز اسلام امر مي نمايد که همه مردم يکديگر را برادر و خواهر خود بدانند و مومنان به مثابه يك روح واحد در کالبد هاي متفاوت و پراکنده اند. واضح است وقتي همه مکلف باشند ساير مومنين را همچون خود دوست بدانند، والا مومن نخواهند بود و به دوزخ خواهند رفت، از وقوع جرايم در جامعه کاسته خواهد شد و هيچکس بات توسل و تشبيب به گناهانی چون گرانفروشی و احتکار به دنبال مال اندوزی و ايراد صدمه به پيکر جامعه نخواهد رفت و مدینه فاضله ايجاد خواهد شد. هرچند اين سه مورد نشانه بارز احتکار در جامعه انسانی عنوان شده است، ولی علل و عواملی ديگري نيز وجود دارد که احتکار را در جامعه گسترش ميدهد.

مطلب سوم: عوامل مهم در جذب اشخاص به سمت احتکار

در واقع مهم ترین ملاک ها و معیارهایی که در ایجاد انگیزه‌ی لازم برای احتکار موثرند، همانا نرخ سود برای سرمایه گذاری (خریدن کالا و انبار کردن آن) و نرخ انفلاسیون در جامعه میباشد. در عین حال عوامل دیگری نیز وجود دارند که سبب جذب اشخاص به سمت احتکار میشوند. به عنوان مثال از آنجا که احتکار کار کم زحمتی است و در مقایسه با تولید ریسک کمتری دارد لذا بسیاری از دارندگان، پس اندازهای سرگردان و سوداگران را میتواند به سوی خود بکشاند. اگر چه هزینه نگهداری کالا و کرایه انبار هم به نوبه خود در تصمیم گیری محتکران نقش نسبتاً مهمی دارد و لیکن آن چه که بیش از هر چیز این گونه اشخاص را به انبار کردن طولانی کالا تشویق و تحریص میکند همان نرخ سود سپرده ها (یا اعتبارات بانکی) و مقایسه آن با نرخ تورم است. به عبارت دیگر در شرایطی که نرخ سود واقعی (نرخ بهره واقعی) در کشوری منفی باشد زمینه و بستر لازم برای احتکار فراهم شده و عده ای از سوداگران به جای سرمایه گذاری در تولید که به طور نسبی کار پر زحمتی است سرمایه و امکانات مالی خود را در جهت احتکار کالا و واسطه گری به کار خواهند انداخت.¹

مطلب چهارم: آثار احتکار

در واقع احتکار اثرات متفاوتی منفی را در قبال مسائل اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی دارا بوده که ذیلاً به آن برخی از نقاط مهم آن اشاره می نمایم:

1. آثار اجتماعی احتکار:

یکی از اثراتی که احتکار موجب می شود، گسترش فساد در جامعه است، زیرا موجب ضعف توانایی خرید در افراد جامعه می شود. به طوری که برخی از افراد برای بدست آوردن پول از هر طریق ممکن است دست به اقدامات ناعادلانه بزنند، و این مسئله موجب قبول کردن مفسدات ذیل توسط افراد ضعیف جامعه می گردد:

رشوه خواری، جعل و تزویر و تقلب، کلاه برداری و غیره که خود احتکار دلیل بر انجام چنین اقدامات ناعادلانه در جامعه می شود تا جائیکه کارمندان از موقف خود به منظور دریافت رشوه سو استفاده می نمایند و به دریافت آن متوسل می شوند. تجاران نیز غش و فریبکاری می نمایند و میزان و توازن را کاهش می دهند، بنابراین جامعه را از پاک بودن به سوی فساد می کشانند.

1- سید مصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، ج 1، ص ۳۲،

طوری که خداوند به فساد کشانیدن زمین را بعد از اصلاح آن منع کرده است و جهت نکوهش آنان در آیتی می فرماید: (وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)¹ اعراف 85. ترجمه: در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است.

از سوی دیگر شریعت اسلامی خوردن مال مردم را به شیوه غیر قانونی حرام دانسته و جهت مصونیت آن توصیه های تفصیلی در قرآن و احادیث نبوی نیز داشته است من جمله پروردگار در آیه دیگری می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)² نساء 29. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است.

به همان پیمانانه احادیث نبوی نیز گفتنی های گهربار در باب منع احتکار دارد، که هر کدام به اهمیت عدالت گستری و ممنوعیت احتکار و گرانفروشی میکند به طور نموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیثی به روایت حضرت ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: (لعن الله على الراشي و المرتشي في الحكم)³. ترجمه: لعنت خدا بر رشوه دهند و رشوه گیرنده است. "همانگونه که در حدیث دیگری در این باب قیس بن ابی عزره چشم دیدش را پیرامون عملکرد پیامبر اسلام در این راستا تقدیم میدارد، وی گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روزی از کنار مردی که طعام را می فروخت عبور کرد و گفت: (من غشنا فليس منا)⁴ ترجمه: هرکسی در فروش خود غش کند از ما نیست.

یعنی هر آنکه به دیگران به وسیله فریب و نیرنگ فائق آید از ما نیست، پس دیده شد که احتکار موجب فساد و شقاوت در میان جامعه شده که آثار زیان باری را در پی داشته است و به همین ملحوظ دین مقدس اسلام آنرا به طور اشد نهی کرده است، زیرا احتکار بزرگترین حیله و نیرنگ شیطانی را باخود دارد که به ناحق زمینه بلعیدن مال مردم را مهیا میدارد، و زندگی را بر مردم تنگ می ساخته و مردم را نسبت به یکدیگر در جامعه اسلامی بی باور میسازد، حال آنکه دعوت همه پیامبران عدالت گستری و خیر اندیشی نسبت به هم نوع خویش در جامعه اسلامی بوده است، تا همگان در کنار یکدیگر احساس آرامش نمایند.

1. سوره اعراف 85

2. سوره نساء 29

3. الترمذی، محمد بن عیسی بن سؤره بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی، ناشر مصطفى البابی الحلبی - مصر سال نشر 1975م، ج3 ص 614، این حدیث را شیخ البانی از طریق ابو هریره حدیث حسن صحیح خوانده است. (صحیح و ضعیف سنن الترمذی، ج3 ص 336)

4. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج1 ص 99.

2. آثار اقتصادی انحصار:

در مورد آثار احتکار نیز از بهم ریختن تعادل عرضه و تقاضا صحبت شده است و نظر بر آن است که به همین دلیل، احتکار موجب نوعی رکود در نیروی فعال تولیدی، موجب بالا رفتن قیمت کالاهای احتکار شده، صعود قیمت سایر کالاها بخاطر افزایش قیمت کالای احتکار شده، وارد شدن عرضه کننده گان بیشتر به بازار احتکاری در کوتاه مدت بخاطر افزایش قیمت آن در حالیکه نیازی به این ورود نباشد و بالاخره توزیع نامساعد اقتصادی دانسته شده است.¹

همچنین نوعی از رکود سرمایه، ضربه به تولید و بیکاری نیروهای مولد به ویژه کارگران، بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا و ایجاد شکافهای عمیق تر طبقاتی و تمرکز ثروت، از طریق افزایش ثروت محتکر به عنوان آثار سوء دیگر اقتصادی احتکار نام برده شده است. پس از ناحیه احتکار سوء تخصیص های در اقتصاد واقع میشود که موجب خروج از شرایط رقابت کامل و نتایج مرتبط بر آن میگردد و موجب ایجاد و افزایش هزینه های معاملاتی را فراهم میکند. در حقیقت نهی احتکار جلوگیری از بروز اینگونه تخصیص منابع است.

در این ارتباط، این تذکره داده شده است که در اثر مداخله دولت در اقتصاد هم خطر احتکار مطرح میشوند یعنی محدود کردن احتمالی قیمت کالا موجب پیش آمدن بازار سیاه میشود که امری طبیعی است و بازار سیاه کالا در واقع حاکی از احتکار کالا است برای فروختن آن به قیمت تعیین شده، و البته اگر مداخله دولت سنجیده صورت گیرد موجب حفظ و تعادل و ممانعت از نوسانات شدید نرخ ها میشود اما چنانچه شرایط غیر عادی در بازار حاکم نباشد و دولت صرفا به جهت جلوگیری از بالا رفتن نرخ ها اقدام به تثبیت قیمت ها کند، این مداخله چندان ثمر بخش نبوده، و باعث میشود کمبود کالا مشاهده شود و منجر بر احتکار گردد.²

در هر حال، در صورت اعمال مداخله سنجیده نتایج ذیل حاصل میشود:

1- عادی گشتن توزیع کالا و از بین رفتن اختلالات و نارسایی های دستگاه توزیع و بالا رفتن کارایی آن.

2- کاهش قیمت کالا و افزایش در آمد مشتریان و افزایش خرسندی مصرف کننده گان.

1 - حریری، محمد یوسف، اسلام و نظام اقتصادی، ج1، ص ۲۲۹

2 - مرجع سابق، ج1 ص ۴۳

3- جلوگیری از صرفه جویی در مصرف کالا های غیر ضروری (تعمیرات خانه ، تهیه و کیفیت بهتر و با دوامتر اجناس مورد نیاز، انفاق و کمک به نیازمندان) و مخارجی در باره تعلیم و تربیت و بهداشت.

4- جلوگیری از تلف شدن کالایی که به امید بالا رفتن قیمت آن، بیش از اندازه دوام آنها نگهداری میشود و همچنین باعث کاهش کارایی انبار داری میشود.

5- کوتاه شدن دست واسطه ها و جانشین شدن تعاونی های توزیع کالا.

6- افزایش سرمایه گذاری ها.

7- جلوگیری از تورم قیمت ها و بی ثباتی آنها.

8- از بین رفتن فشار ناشی از تورم بر خانواده ها به ویژه آنهایی که دارای در آمد ثابت هستند.

3. آثار اخلاقی احتکار:

بشر خود سر و خود خواه بر اثر حب جاه و مال از میزان اعتدال و حقیقت تجاوز کرده و راه بغی و عناد را پیموده بدان سان که حق مسلم هم نوعان خود را پای مال کرده و برای اندوختن مال و زخارف دنیا به دیگران ستم میکند، انباشتن و احتکار ثروتهای کلان و منع کردن آنها را از بندگان خدا جزء کمال و شاهکارهای خود می پندارند تا آنجا که اکثر منابع ثروت و مواد غذایی در انحصار اقلیت اندکی قرار گرفته که همچون زالو خون توده های اجتماعات را می مکند. آمار و ارقامی که در این باره منتشر شده نشان میدهد که هشتاد در صد ثروت دنیا نزد بیست در صد از مردم گرد آمده و بقیه در تب و تاب گرسنگی و سختی معیشت می سوزند. از علامتهای مشخصه سرمایه داری های انحصار طلب تمایل به جمع ثروت و به دست آوردن بازار ها و کسب قدرت و کنترل تمام فعالیت های یک صنعت، یک حرفه و یک بازار میباشد.

مبارزه برای تسخیر فضای حیاتی به میان تراستهای یک کشور یا تراستهای کشور های مختلف که متناوباً به موفقیت، عدم موفقیت، و تفاهم موقتی یا رقابتی شدیدتر می انجامد منشا اصلی حوادث ملی و بین المللی در عصر ماست.

مردم جهان عملاً به دو گروه با ویژگیهای زیر تقسیم میشوند: گروه با مزدگران، مرگ و میر اندک، خدمات اجتماعی مرتب کفاف مواد غذایی (کم از کم سه از هر کالری در روز) در آمد سرانه بیش از سه هزار دالر در سال، آب و رنگی از دموکراسی با قوانین عادلانه زندگی میکنند.

و گروهی با مزد ارزان مرگ و میر فراوان، خدمات اجتماعی هیچ، فقر غذایی (دست بالا از هر کالری در روز) در آمد کمتر از پنجمد دالر در سال، بی خبر از دموکراسی با قوانین استعماری به سر میبرند. به عبارت واضح تر ضربان تکامل در یک سو بصورت تصاعدی و رکود، در یک سو رو به فرو کشی و در حال مردن می باشد. خلاصه تا روزیکه بهره کشی ها و استنثار کشور های بزرگ از کوچکتز وجود دارد، بطور مسلم وضع جمعیت از جنگ اتمی وحشتناک تر و مهیب تر خواهد بود.1

همین عوامل سود جو و دنیا دوست هستند که برای نفع مادی و جزئی خود بازاری را به آتش میکشانند و نیز همین عوامل هستند که در برخی از کشور های عقب مانده ده ها میلیون نفوس را بخاطر یک مشت برنج و در هند جان بیست میلیون انسان را از بین میبرند و نیز در دیگر کشور ها منابع ثروت و هستی مردم را به یغما میبرند.

آیا وقت آن فرا نرسیده که بشر بخود آید و بجانب اسلام و انسانیت بگراید و از ماده پرستی یک سو رود و از دین خدا پیروی نماید؟ این ثروت های فراوانی را که خداوند (جل جلاله) بر شما داده است تا آنرا در مواردی که دستور داده است (در راه رفاه بندگان) بکار اندازید و نداده که انباشته و احتکار کنید.

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دستور داد که برای رفاه و آسایش مردم آماری از مسلمانان تهیه کنند و از آنان سر شماری بعمل آید که از وضع آنان اطلاع در دست باشد. تا بدین وسیله حکومت اسلامی بتوانند نیازمندی های آنان را برطرف سازد از هزار و پنجمد نفر سر شماری بعمل آمد که در این اثناء رسول الله (صلی الله علیه وسلم) وفات یافت و کار بر انجام نرسید.

1- عشاوی، یاقوت عشاوی، الخطوط الكبرى للنظام الاقتصادي فی الاسلام، ناشر: دار القلم، - بیروت، سال نشر 2004م، ج1، ص 447

مبحث سوم

بررسی نصوص وارده پیرامون احتکار

با توجه به اوضاع نابسامان مالی و اقتصادی مسلمین زبینه است تا حکم اسلام را در باره سود جویی و بهره کشی و احتکار از دیدگاه شریعت اسلامی بیان نمائیم. شریعت اسلامی احتکار، بهره کشی و رشوه خوری را که باعث رکود رشد اقتصادی و بی اعتمادی میان مسلمانان میشد حرام قرار می دهد خداوند متعال می فرماید: {وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} (البقرة: 188)، ترجمه: و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی . . .) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده اید و مرتکب گناه شده اید).

از طرف دیگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در مورد آنانکه مال مردم را به ناحق میخورند چنین ارشاد فرمود: (من دخل في شيء من أسعار المسلمين ليغلبه عليهم كان حقا على الله تبارك وتعالى أن يقعه بعظم من النار يوم القيامة)¹ ترجمه: هرکس در قیمت گذاری و تعیین نرخ کالای مسلمین دخالت کند تا قیمت آنها را گران کند، شایسته است که خداوند متعال او را در روز قیامت در آتش بزرگ بنشاند.

گناهان به طور کل گوناگون و متفاوت اند، برخی از گناهان مربوط شک می شوند، مانند: خوردن و نوشیدن از آنچه خداوند حرام گردانیده از قبیل: خوردن گوشت خوک، نوشیدن شراب، استعمال مواد مخدر و دخانیات، و خوردن مال حرام از طریق ربا، قمار، خرید و فروش محرمات، احتکار، قبول رشوه و سایر آن از خوردن مال مردم به حرامی. تمام این گناهان حرام، و از معصیتهای واضح روشن می باشند که بعضی از آنها از جمله گناهان کبیره به شمار می آیند و تمام آنها در قسمت گناهان ظاهر، یا گناهان جوارح و یا گناهان آشکار قرار می گیرند و انسان مسلمان مکلف است که از تمامی گناهان ظاهر و باطن خودداری نماید² بناء در این مبحث روی نصوص وارده پیرامون موضع احتکار از دیدگاه قرآن و حدیث صحبت مفصل نموده تا در روشنی قرآن کریم و احادیث نبوی بطلان احتکار، و حقانیت تعادل و توازن به بررسی گرفته شود و آن هم قرار ذیل است:

1. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج 3 ص 425 - طبرانی، المعجم الکبیر، ج 20 ص 209

2. قرضاوی، دکتور یوسف قرضاوی، التوبه، ج 2 ص 209.

مطلب اول - احتکار از منظر قرآن کریم

در کل فقهاء و دانشمندان جهان اسلام به آیات عمومی که در باب تحریم ظلم و ضرر رسانیدن به بندگان خداوند وارد گردیده است استناد نموده اند که احتکار خود ظلم و ضرر رساندن به مردم شمرده میشود، من جمله به برخی از آیه های قرآنی که استدلال نموده اند قرار ذیل است:

1. پروردگار پیرامون به ناحق خوردن مال مردم چنین ارشاد می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ)¹. سوره توبه آیه 34 ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا باز می دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده"

ممکن است چنین استدلال کنیم که ذخیره کردن اموال به صورت طلا و نقره بطوریکه این اموال از دایره معاملات خارج شده و سیر عادی آن از نظر معاملاتی قطع گردد. مورد نفرت الهی است. زیرا رفاه جامعه که از نظر شرع مقدس اسلام از مهمات امور میباشد به خطر می افتد، و انباشتن اموال موجب اضرار و اختلال در نظام جامعه میگردد.

علامه طباطبایی² در شرح آیه فوق می نویسد: «آیه شریفه عموم احتکار کنندگان را به عذاب شدیدی تهدید می کند، و در جمله "و لَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ" کنز و احتکار را توضیح می دهد و می فهماند آن احتکاری مبعوض خدا است که مستلزم خودداری از انفاق در راه او باشد، و در مواردی که وظیفه انفاق آن مال در راه خدا است، انسان را از انجام آن منع کند. آری، اندوختن و احتکار پول، مساوی با لغویت ارزش اشیاء و بی اثر گذاردن پولی است که احتکار شده، چون اگر احتکار و حبس نمی شد بقدر وسعش در زنده نگاه داشتن و بگریان انداختن معاملات و گرم کردن بازار در اجتماع اثر می گذاشت، و بی اثر کردن آن با تعطیل کردن بازار برابر است، و معلوم است با رکود بازار حیات جامعه متوقف می شود. البته اشتباه نشود ما نمی خواهیم بگوئیم پول را در صندوق و یا بانک و یا مخازن دیگری که برای این کار درست شده نباید

1. سوره توبه 34

1- سید محمد حسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی در سال ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد، دو اثر شاخص دارد، که بیشتر از سایر آثار وی مورد توجه قرار گرفته است اول تفسیر المیزان است که در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تالیف شده، و اثر دیگر وی اصول فلسفه و روش رئالیسم است، و آثار دیگر کتاب توحید، کتاب انسان، رساله و سائط به زبان عربی، قرآن در اسلام، وحی یا شعور مرموز، اسلام و انسان معاصر، حکومت در اسلام، سنن النبوی، میباشد و پس از ۸۱ سال در ۱۸ محرم سال ۱۳۶۰ وفات نمود.

گذاشت، چون این حرف با عقل سلیم جور نمی‌آید، زیرا حفظ اموال قیمتی و نفیس و نگهداری آن از تلف شدن از واجباتی است که عقل آن را مستحسن شمرده و غریزه انسانی، آدمی را به آن راهنمایی می‌کند و آدمی را بر این وا می‌دارد وقتی که پول گردش خود را کرد و برگشت، تا جریان ثانوی آن را در بانک و یا مخازن دیگری حفظ کند، و آن را از دستبرد ایادی غصب، سرقت، غارت و خیانت نگهداری نماید.¹ بلکه مقصود ما این است که نباید پول را در گنجینه حبس کرد و از جریانش در مجرای معاملات و اصلاح گوشه‌ای از شؤون زندگی و رفع حوائج ضروری جامعه از قبیل سیر کردن گرسنگان و سیراب ساختن تشنگان و پوشاندن برهنگان و سود بردن کاسبان و کارگران و زیاد شدن خود آن سرمایه، و معالجه بیماران و آزاد ساختن اسیران و نجات دادن بدهکاران و رفع پریشانی بیچارگان و اجابت استغاثه مضطربان و دفاع از حوزه و حریم کشور، و اصلاح مفاسد اجتماعی دریغ ورزید.²

2. در آیه دیگری نیز پروردگار پیرامون احتکار و بندگان سیم و زر می‌فرماید: (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ) سوره همزه آیه 1-2 ترجمه: وای بر هر عیب جوی طعنه زن آنکه مالی جمع کرد و شماره اش کرد. صاحب تفسیر طبری در شرح آیه ی فوق می‌نویسد: "آنان که به جای انفاق مال، در فکر جمع و احتکار اموال هستند، منتظر عذاب خورد کننده قیامت باشند".³ با مراجعه به تفاسیر مختلف و معانی لغوی کلمات آیات معلوم میشود که مراد از این آیه شریفه هم نکوهش جمع آوری و روی هم انباشتن مال و تفاخر زیادی ثروت است لذا نمیتوان راجع به احکام احتکار نفیاً و اثباتاً استدلال کرد.

در تفسیر نور در باره آیت متذکره چنین تذکر رفته است: برخی افراد از شمارش اموال خود، به رخ کشیدن آن و سرگرم شدن به آن لذت می‌بردند و گمان می‌کنند این ثروت همیشگی است و آنها را برای همیشه در دنیا نگه می‌دارد و دیگر بیماری و مرگ به سراغ آنها نمی‌آید. قرآن این دیدگاه را مذمت کرده و می‌فرماید: این نگاه به دنیا، انسان را دوزخی می‌کند. وگرنه داشتن مال دنیا و بهره بردن از آن مذمتی ندارد.

3. برخی از فقهای حنفی، "الحاد" را در آیه (25) سوره حج به معنای احتکار دانسته اند.⁴ (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَافِيَّةِ فِيهِ وَالْبَدَا وَمَن يُرِدْ

1 - مهر تابان، بررسی های اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.

2 — طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ناشر: قم، دفتر ناشر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، 1417، ج ۹، ص ۳۵۹

4- طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ناشر مؤسسة الرسالة، سال نشر 2000م، ج 24 ص 546.

1 - عبدالله ابن مودود، الاختیار، به کوشش محمود ابو دقیقه، ناشر: قاهره، چاپ اول، 1370ق، ج 4، ص 160.

فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ تُذَفُّهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) سوره حج، آیه 25. ترجمه: کسانی که کافر شدند و مومنان را از راه خدا و از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم مساوی قرار دادیم. اعم از کسانی که در آن جا زندگی می کنند و یا از نقاط دور وارد می شوند، باز می دارند (مستحق عذابی در دناکند) و هر کس بخواهد در این سرزمین از طریق حق منحرف گردد و دست به ستم بزند ما از عذاب دردناک به او می چشانیم). الحاد به معنی ظلم است و افرادی که به این آیه استناد جسته اند منظور شان این است که احتکار نیز یکی از مصادیق ظلم می باشد و کسی که احتکار کند مصداق این آیه شده و خداوند او را عذاب خواهد کرد. ابن کثیر¹ رحمة الله گفته است: هدف از این آیت کسی است که در مکه عمل احتکار را انجام دهد² و برای اثبات مدعای خویش به حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) استدلال نموده که فرموده است: (احتکار الطعام فی الحرم الحاد فیه)³ ترجمه: احتکار مواد خوراکی در حرم الحاد شمرده میشود.

امام قرطبی⁴ رحمه الله در تفسیر این آیه شریفه گفته است: روایت شده است از یعلی بن امیه⁵ که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (احتکار الطعام فی الحرم الحاد فیه)⁶ احتکار مواد خوراکی در حرم الحاد شمرده میشود. حنفی ها از این آیه شریفه استدلال میکنند که در این آیه اصلاً تحریم احتکار آمده است.⁷

2- ابن کثیر، عمادالدين ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير قرشي (701-774ق)، مورخ، مفسر و محدث و فقيه مشهور شافعی. در قریه مجیدل یا مجدل از قرای بصری نزدیک دمشق زاده شد و از این رو او را بصروی نیز خوانده اند. پدر او شهاب الدین ابو حفص عمر در آغاز مذهب حنفی داشت و پس از آنکه از بصری به قریه ای در مشرق آن شهر رفت و خطیب آنجا شد به مذهب شافعی گروید. مهم ترین اثر او البدایه والنهایه میباشد و آثار دیگر آن الاجتهاد فی طلب الجهاد، اختصار علوم الحدیث، تفسیر القرآن العظیم، السیره، طبقات الشافعیه، احکام کثیره، سیره ابی بکر رض، الکواکب الدراری در تاریخ، مسند الشیخین، شرح قطعهدمن البخاری میباشد. در سال 774 وفات نمود. (سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی، طبقات المفسرین، ناشر: مکتبه وهیه - القاهرة، سال نشر: 1396ه، ج 1، ص 111)

3- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، تفسیر القرآن العظیم. - ابن کثیر، ناشر، دار طبیبه للنشر والتوزیع سال نشر 1999 م، ج 3 ص 215.

3 - عزیزی، علی بن الشیخ أحمد بن الشیخ نور الدین بن محمد بن الشیخ إبراهيم الشهير بالعزيزي، السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير، ناشر: دار القلم، سال نشر: 1999م، ج 1 ص 54

5- ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فرح انصاری خزرگی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم میزیست. او در آغاز قرن هفتم هجری میان سالهای 600-610 هجری در قرطبه تولد شده، اما وفات آن در سال 671ق میگویند. قرطبی در فقه، پیرو مالک بن انس بود. تالیفات او الجامع لاحکام القرآن، التذکره فی احوال الموتی و امور الاخره، المقتبس فی شرح موطا مالک بن انس، التذکار فی افضل الاذکار میباشد. (سیوطی، طبقات المفسرین، ج 2، ص 65-6)

6 - ابوصفوان یعلی بن امیه تمیمی حنظلی، صحابی رسول الله اسلام بود که در فتح مکه اسلام آورد و در جنگ های طائف، حنین و تبوک شرکت کرد. او سر انجام به سال 37 هجری قمری در جنگ صفین به شهادت رسید. (قرطبی، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ناشر: دار الجیل، بیروت، سال نشر: 1992. ج 4، ص 1585)

7- بخاری فی التاریخ الکبیر ج 7، ص 255. اخرجه ابوداود فی سننه، کتاب المناسک، باب تحریم حرم مکه حدیث رقم 1740، و وضعه الالبانی فی ضعیف سنن ابی داود، حدیث رقم 2020، و فی ضعیف الجامع حدیث رقم/ 184

8- الجامع لاحکام القرآن، ج 12، ص 34

امام غزالی¹ رحمه الله در تفسیر این آیه شریفه میگوید: احتکار ظلم است و کسی که احتکار میکند گنہکار است.² امام غزالی رحمه الله در قول راجح میگوید: دلالت آیت عام است و تحت نهی داخل میشود و کسی که این عمل را انجام میدهد احتکار است و در این هیچ شکی نیست که حرام است و این آیت بخاطر نازل شده که احتکار را نهی کرده است.³

4. همچنان فقهاء از آیه دیگر در زمینه حرمت احتکار استدلال کرده اند آنجا که خداوند می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا). نساء 29 ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال همدیگر را به ناحق (یعنی از راههای نامشروعی همچون: دزدی، خیانت، غصب، ربا، قمار، و) نخورید مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) دادوستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد، و خودکشی مکنید و خون همدیگر را نریزید بی گمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده (و خواهد بود).

بیان کرده اند که اکل مال به باطل عبارت است از هر روشی که مالی را به مصرف برسانند که خدای تعالی اجازه نداده و یا از آن نهی کرده باشد، مانند دغل بازی (غش در معامله) و رشوه و قمار و احتکار. علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق میفرماید: آیه نسبت به اکل مال به باطل عمومیت دارد و ذکر قمار و همانند آن از قبیل بیان نمونه و مصداق باطل است.

ولی با توجه دقیق به آیه شریفه معلوم میشود که این آیه اولاً در صدد بیان حرمت معاملات غیر شرعیه است و ربطی بر حرمت احتکار ندارد، شاهد، استثناء در کلام است. چون احتکار عملی است که معمولاً قبل از معامله داد و ستد انجام میگیرد و محتکر برای اینکه سود بیشتری در معامله ببرد اشیاء را احتکار و جمع آوری کرده و سپس به دلخواه خود آنرا میفروشد. ثانیاً آیه شریفه به قرینه کلمه (بینکم) از حالتی نهی می کند که این حالت بین بیش از یک نفر محقق میشود در حالیکه احتکار به وسیله یک نفر هم تحقق پیدا میکند.

1- ابی حامد محمد بن محمد الغزالی الشافعی، ملقب به حجت الاسلام زین الدین طوسی و امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه ق) یکی از بزرگترین مردان تصوف سده پنجم هجری است. به سال ۴۵۰ هجری قمری در توس از اعمال خراسان دیده به جهان گشود. و محمد غزالی در روز دوشنبه ۵۰۵ هجری قمری، در سن ۵۵ سالگی در شهر توس درگذشت. و آثار او احیاء علوم الدین، کیمیای سعادت، الوسیط فقه، الوجیز فقه، المنخول فی الاصول، فتاوی الغزالی، المبادی و الغایات، الکشف و التبیین، تهذیب الاصول، کتاب اساس القیاس... میباشند. (سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، ج ۶، ص ۱۹۳)

2- غزالی، محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ناشر: دارالکتب العربی بیروت، سال نشر: ج 4 ص 775.

3- مراجع سابق: ج ۴، ص ۷۷۶.

با توجه به این جمله قرآنی (كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ حَشْرٌ، آیه 7 ترجمه: این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) به خوبی فهمیده میشود که در شریعت اسلامی آسی و ضرر رسانی به دیگران مشروعیت ندارد.

الله (جل جلاله) نعمت های را به بشر داده تا هم خود استفاده و هم دیگران از آن بهره برند، از این رو هرگونه تکاثر و کنز اندوزی را روا ندانسته و خواستار گردش ثروت و اموال در میان همه مردم میشوند. آنچه را خداوند از اهل آبادیها به رسولش بازگرداند، پس برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا (این اموال) تنها میان ثروتمندان شما در گردش نباشد و آنچه پیامبر برای شما آورده، بپذیرید و آنچه شما را از آن بازداشته، ترك کنید و از خدا پروا کنید که خداوند، سخت کیفر است.¹

مطلب دوم : احتکار از منظر احادیث نبوی

از آنجا که احتکار به پیکره اقتصاد جامعه ضربه وارد کرده و نرخ کالاها را بالا برده و مردم را از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار میدهد. رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) از این کار را منع کرده آنرا گناهی بسیار عظیم معرفی نموده و از عواقب آن به شدت بر حذر داشته اند که احادیث صحیحی زیادی در این زمینه وارد گردیده است، بناء به بعضی از آنها به عنوان شاهد می پردازیم:

1. حدیثی در صحیح مسلم از سعید بن المسیب روایت شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: (قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من احتكر فهو خاطي)² ترجمه: کسی احتکار نمیکند مگر خطا کار. از این روایت معلوم می شود که محتکرین انسان های آلوده به خطا و گناه هستند. کسانی که ایمان به خداوند متعال دارند و دارای وجدان بیداری هستند و برای افراد جامعه ارزش قائل اند دست به این عمل زشت نمی زنند.

2. همان حدیث به عباره دیگری از طریق معمر بن عبدالله روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: لا يحتكر الا خاطي)³ ترجمه: کسی جز گنهکار، دست به احتکار نمی زند. پس احتکار نوعی پایمال کردن حقوق افراد است و بر اثر

1- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، ج 1 ص 273

2 - نیشابوری، مسلم بن حجاج بن مسلم، صحیح مسلم (بشرح النووی)، ناشر: دار احیاء التراث العربی، لبنان، سال نشر: ۱۳۷۷ هـ، کتاب المساقاه، باب التحريم الاحتكار فی الاقوات ج ۶، ص ۲۴۹۲ رقم ۴۰۴۵

3 - مرجع سابق: ج ۶ ص ۲۴۹۲، رقم ۴۰۴۶. عارضه الاحوذی، ج ۶، ۲۲۰

وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم، یا نبودن کالا در بازار و یا کمبود آن، سبب ایجاد تورم خواهد شد و در زنجیره نظام جامعه، اختلال ایجاد می‌کند.

1- ابن ابی شیبیه¹، حدیثی را به اسناد متصل از ابی امامه (رضی الله عنه) نقل می‌نماید که گفت: نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم ان یحتکر الطعام.² ترجمه: منع نموده رسول الله صلی الله علیه وسلم از احتکار مواد خوراکی. حضرت فرمودند هر کس خوراکی را بخرد و برای اینکه آن را به مسلمانان گران بفروشد چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفاره گناه او نخواهد شد.

2- احمد بن حنبل حدیثی دیگری از طریق ابی هریره (رضی الله عنه) نقل می‌نماید که وی گفت: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (من احتکر حکره یرید ان یغلی بها علی المسلمین فهو خاطی).³ ترجمه: کسی که احتکاری را انجام دهد و هدف وی بلند بردن قیمت اجناس باشد در حقیقت او خطا کار است.

3- ابن ماجه حدیث دیگری را به نقل از عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) نقل می‌نماید که وی گفت: (سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: من احتکره علی المسلمین طعاما ضربه الله بالجزام والافلاس).⁴ ترجمه: کسی که بر مسلمانان مواد خوراکی آنها را احتکار نمود خداوند (جل جلاله) او را به مرض جزام و مفلسی مبتلا خواهد نمود.

4- همچنین در این باب عبدالله بن عمر رضی الله عنه فرموده است که پیامبر اکرم صلی الله عنه فرمودند: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (من احتکر طعاماً أربعین لیلة فقد برئ من الله وبرئ

1 - ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن عثمان عیسی کوفی ملقب به ابن ابی شیبیه (۱۵۹ - ۲۳۵ هجری قمری) از دانشمندان اهل سنت است. پدرش محمد بن ابراهیم به ابوشیبیه مشهور است. وی زاده کوفه بوده و محدث، حافظ، فقیه، مفسر و مورخ میباشد. کتاب المصنف از آثار مشهور اوست. آثار دیگر وی السنن در فقه؛ التفسیر؛ الاحکام، ثواب القرآن، المسند، الايمان... میباشد(ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۲۲. بخاری، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۶۷- ذهبی، تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۴۳۲).

3 - اخرجه الحاكم فی مستدرکه، ج ۲، ص ۱۱. والبیہقی فی سننه ج ۶، ص ۳۰. و رواه الاثرم کما فی المغنی ج ۴، ص ۲۸۲. و بهامشه الشرح الکبیر ص ۴۶ و کشاف القناع ج ۳، ص ۲۱۴. و مطالب اولی النهی ج ۳، ص ۶۳.

4 - حاکم، المستدرک للحاکم ج ۲، ص ۱۲. بیهقی، سنن بیهقی ج ۶، ص ۳۰. رواه الحاکم من روايه ابراهیم بن اسحاق الغسلی و فيه مقال) و در مسند احمد الفتح الربانی ج ۱۵، ص ۶۴. همچنان در کتاب جامع الصغیر ج ۲، ص ۱۶۰: رواه احمد فی مسنده والحاکم فی المستدرک، در پایان گفت: حدیث حسن.

5 - قزوینی، سنن ابن ماجه: ۱۲ کتاب التجارات، باب الحکره والجلب، رقم ۲۱۵۵، ج ۲، ص ۷۲۸. منذری، الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۵۸۳. احمد در مسند- الفتح الربانی ذکر کرده است، ج ۱۵، ص ۶۴، سپس فقهاء من جمله ابن قدامه در کتاب المغنی نقل کرده است. ج ۴، ص ۲۸۳.

الله منه). 1. ترجمه: کسی که چهل شب مواد خوراکی را اختکار نمود در حقیقت از خداوند (جل جلاله) بیزار و خداوند (جل جلاله) از وی بیزار گردیده است.

5- همچنان حدیث دیگری را ابن ماجه از طریق عمر بن الخطاب (رضی الله عنه) نقل نموده که وی فرمودند: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): الجالب المرزوق، والمحتكر ملعون. 2 ترجمه: رونق دهنده بازار مسلمین با جلب اجناس روزی بسیار دارد، ولی محتکر ملعون (بدور از رحمت خدا) است. یعنی: آنانکه به بازار ما چیزی وارد می‌کنند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و آنکه در بازار اختکار می‌نماید، مانند کسی است که در کتاب خدا کافر به شمار می‌آید. وارد کننده روزی می‌خورد و محتکر لعنت می‌برد. در روایت دیگر آمده است: الجالب مرزوق و المحتكر ملعون. در این روایت آن حضرت انسان محتکر را در ردیف کفار محسوب نموده و ملعون می‌داند.

6- اقتصاد و صرفه جویی در خرج و مخارج فرد را مشکل تنگدستی و دست دراز کردن پیش دیگران مصون می‌دارد. از رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) روایت شده که فرموده اند: (مَا عَالَ مَنْ أَقْتَصَدَ)³ ترجمه: آنکه صرفه جویی کند، تهی دست نمی‌شود. مقصود اینست که هرکس در خرج و مخارج خویش اعتدال را مراعات کند به فقر و تهی دستی مبتلا نمی‌گردد و بالعکس آنکه در خرج نمودن پول و دارائی اش زیاده روی نماید، طبعاً این زیاده روی او را به سوی فقر می‌کشاند، بناء فرد مسلمان در غذا و نوشیدنی اش میانه روی و اعتدال را رعایت کرده و به اندازه ی نیاز مصرف نموده و از حد و اندازه ی لازم نمی‌گذرد.

1 — حاکمالمستدرک للحاکم، ج 2 ص 11-12. ذهبی در مورد روایان این حدیث نوشته است که: (عمرو بن الحصین ترکوه، و اصبغ فی لین) یعنی قابل قبول نیست، و احمد آن را در مسندش — الفتح الربانی نیز نگاشته است، ج 15، ص 62، در فی فتح الباری، آمده است که ج 4، ص 348: حدیث را احمد و حاکم تخریج کرده است اما در سندش مقال است.

2 — قزوینی، سنن ابن ماجه، ج 2 ص 728. این حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ضعیف خوانده است. (البانی، صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ج 2 ص 183). همچنان حدیث را بقیی روایت نموده است سپس گفت: تفرد به علی بن سالم عن علی بن زید، قال البخاری: لا یتابع فی حدیثه، السنن ج 6، ص 30. یعنی تنها علی بن سالم از علی بن زید آن را نقل کرده است، بناء بخاری گفتیک حدیثش قابل پیروی نیست. اما حاکم در المستدرک روایت کرده است که (المحتكر الملعون) ج 2، ص 11 از طریق علی بن سالم الوارد این در ابن ماجه نیز آمده سپس ذهبی گفت، علی بن سالم ضعیف است.

3 - زیلعی، جمال الدین ابو محمد عبدالله بن یوسف، نصب الرایه فی تخریج احادیث الهدایه، محقق: محمد عوامه، ناشر: موسسه البیان للطباعه دادن سر- بیروت لبنان، سال نشر: 1418ه. ج 4 ص 261

3- احمد، مسند احمد بن حنبل، ج 7 ص 302، این حدیث را ابو داود و نسائی ضعیف خوانده اند ولی ابی حاتم گفته است لا باس به.

فصل دوم

حکم احتکار و بررسی موادیکه در آن احتکار میشود

بعضی از علماء دایره موادی را که احتکار شامل آنها می شود، محدود کرده اند. مثلاً امام شافعی و احمد رحمهما الله می گویند تنها مواد خوراکی و طعام مردم، که قوت روزانه مردم است، مشمول احتکار است و بعضی این دایره را وسیعتر کرده و گفته اند در هر چیزی که موجب ضرر و زیان گردد و قیمت آن متعادل نباشد و بهای آن با بهای اشیاء احتکاری تعادل و هماهنگی نداشته باشد مشمول احتکار می شود و حرام است. بعضی گفته اند اگر کسی محصول زراعت خویش را یا ساخته دست خود را احتکار کند اشکالی ندارد حکم احتکار آنست که شارع آن را حرام کرده است و از آن نهی فرموده است، چون موجب حرص و طمع و آز فراوان و بداخلاقی و در تنگنا قرار دادن مردم می شود. بناء در این فصل مسائل مربوط به حکم احتکار و مجال احتکار صحبت مفصل خواهیم داشت:

مبحث اول

حکم احتکار

تمام فقهاء اتفاق نموده اند که احتکار یک عمل ناروا و کسب و کار خبیث گونه بوده که انجامش برای یک فرد مسلمان در جامعه اسلامی عار و ننگ بزرگ است. بدین منظور است که شریعت اسلامی احتکار را حرام گفته و بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم حرمت آن را بیان فرموده است. درین خصوص امام محمد بن عبدالرحمن دمشقی گفته است: احتکار مواد خوراکی به اتفاق همه حرام بوده و آن طوری است که کسی مواد خوراکی را خرید، و آن را ذخیره نموده تا قیمت آن در بازار بلند برود.¹ مذاهب چهار گانه اهل سنت اتفاق نموده اند که احتکار مواد خوراکه حرام بوده و سایر ضرورت های مردم به آن قیاس میشود مانند احتکار ادویه و غله جات، و دیگر چیزهاییکه در استمرار زندگی مردم و صحت آنان نقش دارند.²

مطلب اول : حکم احتکار در مذاهب

1. مذهب احناف

احتکار از نظر ابوحنیفه (رحمة الله علیه) مکروه است. از دیدگاه احناف (رحمهم الله) زمانی صورت میگیرد که انبار کردن و ذخیره نمودن مواد مستلزم ضرر به مردم شود و ابوحنیفه (رحمة الله علیه) به سخن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) استناد نموده که فرمودند: کاسب مرزوق است.³ البته وی معتقد است که خریدن کالا و نگهداشتن آن و فروش آن با سود بیشتر خود نوعی تجارت و ارتزاق است. امام ابوحنیفه (رحمة الله علیه) معتقد است که کراهت مشروط بر آن است که کالا را از شهری دیگری خریده باشد ولی اگر از همان شهر خریداری کرده باشد و به امید گران شدن انبار کرده باشد حرام است زیرا حرمت احتکار به کالای خریداری شده در شهر، اختصاص دارد چون این کالا حق عموم مردم است و منع آن از مردم، ظلم است. بر این مبنا، اگر محصول زمین یا زراعت خود را نگهدارد مشمول احتکار نمیشود زیرا حق عموم به آن تعلق نگرفته است هر چند مستلزم ضرر به مسلمانان شود. چنانچه ملاحظه میشود ملاک در حرمت احتکار از نظر ابوحنیفه (رحمة الله علیه) نفس احتکار نیست بلکه احتکار از نظر ماهوی کسب و کاسبی است بلکه به خاطر امری است که خارج آن است و آن اضرار به

1 - دمشقی، محمد بن عبدالرحمن دمشقی، رحمة الأمة في اختلاف الائمة، ناشر: دار الفكر، - بیروت، سال نشر 2008م. ج1، ص 144.

2 - کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ناشر: جمالیه، - مصر، سال نشر: 1328هـ، ج 4، ص 244.

3 - کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج 5، ص 129.

مسلمین نیست بلکه به دلیل سبقت تعلق حق است. بنا بر این پیش از آنکه حق مالک به این جنس تعلق گیرد حق عموم بر آن تعلق گرفته عدم فروش آن به مردم، ستم و ممانعت از حق است. امام صاحب (رحمة الله علیه) نیز معتقد است که ملعون بودن محترک به معنای لعنت و نفرین نیست بل این است که او به درجه ابرار و خوبان نرسد، لعنت دور بودن از رحمت خداوند (جل جلاله) است و فقط شامل حال کفار میشود زیرا انسان به دلیل انجام گناهان بزرگ از جرگه ایمان دور میشود ولی خارج نمیشود.¹

برخی از دلایلیکه مورد استناد آنها قرار گرفته این است: حدیثی است از سعید بن المسیب عن معمر بن عبدالله بن فضله که وی گفت: (سمعت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يقول: (لا یحتکر الا خاطی) فقلت لسعید یا ابا محمد انک تحتکر قال: و معمر قد کان یحتکر).² ترجمه: شنیدم که رسول الله ص گفت: انحصار نمی کند مگر یک گنهکار. ازینجا معلوم می شود که عمل احتکار و جمع آوری مواد خوراکی و وسایل لازم زندگی مردم، جهت سودجویی و بالا بردن قیمت‌ها عملی غیر انسانی است و از جمله صفات و ویژگی‌های ناپسند و مذموم می‌باشد.

در همین مورد دلیل دیگری نیز ترمذی وجود دارد که آمده است: "قال ابو عیسی: حدیث معمر حدیث حسن و صحیح و العمل علی هذا اهل العلم کرهوا احتکار الطعام و رخص بعضهم فی الاحتکار فی غیر الطعام و قال ابن المبارک لا باس بالاحتکار فی القطن و السختیان و نحو ذلک".³ یعنی اهل علم از انحصار غذا متنفر اند و بغضی از آنها مجاز به انحصار غیر از غذا هستند. و ابن مبارک (رحه الله) گفت: انحصار پنبه و اسخیان و مانند آن اشکال ندارد.

در واقع آنچه بالا تذکر رفت وافی به مقصود و مثبت کراهت احتکار نیست. اشکالی که در اینجا به ابوحنیفه (رحمة الله علیه) وارد آمده این است که اولاً: در این صورت حرمت احتکار نسبی است یعنی عدم فروش کالا نسبت به مردم یک شهر حرام و نسبت به سایرین جایز و رواست و این خرق اجماع مرکب و احداث قول ثالث است زیرا حتی فقهای که قائل به تفصیل شده اند تفاوتی میان این شهر و آن شهر نگذاشته اند بلکه ملاک در تفاوت، نیاز و احتیاج است و ثانیاً: کالایی را که مالک با اسباب ناقله قانونی و شرعی ابتیاع میکند جز خودش هیچ فردی دیگری حقی نسبت به آن ندارد و بر همه جهات آن کالا تسلط دارد و ثالثاً:

1 - مرجع سابق، ج 5 ص 130.

2 — ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، سنن الترمذی، ناشر: المطبعه المصریه بالازهر، اداره محمد محمد عبدالطیف، سال نشر: ۱۳۵۰ هـ.ج، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

3 - مرجع سابق: ج 1، 270.

حرمت احتکار از باب اضرار به جامعه و دلیل نیازمردم است و صرف خریدن از یک شهر، حقی را برای مردم آن شهر ایجاد نمیکند.

2. مذهب شافعی

اما از دیدگاه شافعی ها رحمهم الله معتقد اند که احتکار مواد خوراکی حرام است.¹ شعرانی² (رحمه الله) در کتاب المیزان الکبری میگوید " ائمه چهارگانه بر حرمت احتکار در قوت مردم اتفاق نظر دارند".³

همانگونه شیخ ابن تیمیه⁴ (رحمه الله) معتقد است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) احتکار کالا های مورد نیاز مردم را نهی کرده است و محکر کسی است که مواد غذایی مورد احتیاج مردم را عمدا میخرد و آنها را نگهدارد و منظورش از این کار، گران کردن کالا است که این ظلم در حق مردم است.⁵ پس فهمیده شد که احتکار در غیر آن صورت عملی نیست.

3 - مذهب مالکی

مالکی ها (رحمهم الله) معتقد هستند که احتکار تمام اشیاء در بازار مانند آذوقه، روغن، زیتون، پنبه و پشم و هر چیزی که مضر به اقتصاد باشد ممنوع میباشد. " کل ما اضر بالعامه حبسه فهو احتکار و ان كان ذهب او فضه او ثوب" ⁶ یعنی هر آنچه که نگهداری آن به عموم مردم ضرر برساند، احتکار است. خواه طلا، نقره و یا هم لباس باشد).

-
- 1 - رملی، شافعی، نهاییه المحتاج، ناشر: مصطفی حلبی،- قاهره، سال نشر: ۱۳۵۷ هـ ج ۳ ، ص ۴۵۶.
 - 2- عبدالوهاب بن احمد بن علی حنفی شعرانی، مکنی به ابو محمد ۸۹۸-۹۷۳ق، از علمای متصوفه است که در سال ۸۹۸ق در قفقشده مصر متولد شد. شعرانی را باید یکی از مهمترین مدافعان محبی الدین ابن عربی دانست. او کتاب های مهمی در دفاع از ابن عربی و تحت تاثیر او نگاشته است که مهمترین آنها میتوان به البواقیت و الجواهر، و الکبرییت الاحمر اشاره کرد. و آثار او الدر المنثور فی زید العلوم المشهور، القواعد الکشفیه، آداب الصحبه، المیزان الکبری، المیزان الخضریه، ردع الفقراء عن دعوی الولایه الکبری...مییباشد. ایشان در سال ۹۷۳ق در قاهره وفات یافت. (سیر الاعلام والنبل، ج ۲، ص ۱۰۸۰).
 - 3 - شعرانی، عبدالوهاب بن احمد، المیزان الکبری، ناشر: التقدیم العلمیه، مصر، سال نشر: ۱۳۲۱ هـ ج ۲ ، ص ۷۶.
 - 4- تقی الدین ابوالعباس احمد ابن تیمیه از علمای اهل سنت و اندشمنند تاثیرگذار سلفی بود. در سال ۶۶۱ق در شهر حران تولد شد. حران اکنون از شهر های ویران ترکیه است در گذشته شهری آباد و فرهنگی بود. دوره ای تحصیل ابن تیمیه در دمشق بود. تحصیلات اولیه را نزد پدرش، شیخ عبدالحلیم گذراند. عالم الهیات، حدیث و فقه، منطق دان و اختر شناس بود. او باور داشت که علوم طبیعی برتر از علوم ریاضی هستند و این را ردی به فلسفه مشاء میدانست. لقب اش شیخ السلام است. و شاگردش ابن قیم جوزی بود. ابن تیمیه در حدود شصت مساله بر خلاف اجماع نظر داده است. بسیاری از دیدگاه های جریان های سلفی از جمله وهابیت در ادیشه های ابن تیمیه ریشه دارد. از او آثار زیاد به جا مانده است العقیده الواسطیه، النصوص علی الفصوص، در رد افکار ابن عربی در کتاب فصوص الحکم، العقیده الحمویه الکبری در پاسخ به سوالات کلامی باره خداوند و صفات او نوشته شده است. (سبکی، طبقات الشافعیه، ج ۹، ص ۲۵۳).
 - 5 — ابن تیمیه ابن تیمیه، ابوالعباس احمد، الحسبه فی الاسلام و وظیفه الحکومه الاسلامیه، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، سال نشر: 1318 هـ ش. ج 1، ص ۱۴.
 - 6 - باجی، ابوالولید سلیمان، المنقذی شرح الموطا، ناشر: دار الکتب العربی، بیروت، بدون تاریخ، ج ۵، ص ۱۵.

لذا طعام یا مایحتاج مردم هیچ گاه نقش استراتژیک و حیاتی خود را از دست نمی دهد، دست یابی به امنیت غذایی برای جامعه لازم است یعنی وضعیت جامعه باید طوری تثبیت شده باشد که خانواده ها احساس بحران نکنند و یا به هنگام احساس بحران بتواند سطح مصرف لازم را کاهش بدهند، بناء هر آنکه جهت آسیب رسانی و از شرایط بد زندگی مردم استفاده نادرست نماید و موارد ارتزاقی و غیر ارتزاقی را به هدف گرانفروشی انبار نماید در تحریم داخل و مرتکب جرم میشود.

۴ - مذهب حنبلی

حنابل ها (رحمهم الله) معتقدند احتکار حرام است زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: 1 (لا یحتکر الا خاطی) ترجمه: کسی جز گنهکار، دست به احتکار نمی زند.

پس احتکار نوعی پایمال کردن حقوق افراد است و بر اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم، یا نبودن کالا در بازار و یا کمبود آن، سبب ایجاد تورم خواهد شد و در زنجیره نظام جامعه، اختلال ایجاد می کند، از حدیث شریف بر می آید که افراد آغشته به گناه دست به احتکار میزنند. بناء احتکار کنندگان افراد گنهگار و منفور در جامعه اسلامی هستند.

در کل از آنچه بالا تذکر رفت باید نوشت که احتکار حرام مشروط به سه چیز است:

1- جنسی را که احتکار میکند خریداری شده باشد، اماگر ملک خودش باشد، هبه باشد، ارث به او رسیده باشد و آنرا ذخیره کند محتکر نیست.

2- کالای خریداری شده مواد غذایی باشد.

3- با انبارکاری آن کالا، و توقف آن از بازار مردم در سختی و تنگنا قرار گیرد.

و این شرط به دو صورت محقق میشود:

الف - در شهری صورت بگیرد که اهل آن شهر به وسیله احتکار در سختی قرار میگیرند مانند مکه و مدینه (یعنی شهر های مرزی که رفت و آمد فراوانی دارند ولی احتکار در بصره و مصر حرام نیست زیرا احتکار در آنها بی اثر است).

ب - باید در زمان سختی باشد پس چنانکه کاروان وارد شهر شود ثروتمندان کالا ها را خریداری نمایند ولی مردم به سختی و مضایقه نیفتند حرمتی ندارند.

1 - ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ناشر: دارالمنار، بیروت، سال نشر: ۱۳۶۷هـ، ج ۴ ص ۲۲۰ .

مستند اهل سنت احادیثی زیادی است که در این مورد نقل کرده اند ، مانند حدیث مرفوع از حضرت عمر (رضی الله عنه) " من احتكر على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجزام و الافلاس " و حدیث مرفوع ابن عمر (رضی الله عنه) " من احتكر طعاما اربعين ليلة فقد برى من الله و برى منه " و حدیث مرفوع ابوهريرة (رضی الله عنه) " من احتكر حكرة يريد ان يغالى بها على المسلمين فهو خاطى " 1.

همانگونه که قبلاً تذکر رفت احادیث ابن ماجه به نقل از عمر بن خطاب در حدیثی از قول رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نقل میکند که " المحتكر ملعون " 2. و نیز معمر بن عبدالله به نقل از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میگوید " لا يحتكر الا خاطى " 3.

امام نووی (رحمهم الله) می افزاید: منظور از خاطی گنهکار است و این حدیث صریح در حرمت احتکار است و از نظر اصحاب ما احتکار حرام است و احتکار فقط در آنوقه است و در سایر موارد حرمتی ندارد و حکمت حرمت دفع ضرر از عموم مردم است و امام شافعی و ابوحنیفه (رحمهم الله تعالی عنهم) و سایرین نیز این را تایید میکند. 4.

مطلب دوم: حکمت نهی از احتکار

تمام فقها در تحریم احتکار اتفاق نظر دارند، زیرا احتکار باعث رنجش خاطر مردم شده و زندگی را به مردم تنگ تر میسازد، و در عدم احتکار رفع ضرورت مردم است، و به این خاطر علما به این جمع شدند که گفتند وقتی انسان احتکار میکند چیزی را مردم بر او مجبور میشود و بدون او چیزی را پیدا کرده نمیتواند مجبور میشود بر خرید آن، بخاطریکه مردم ضرورت دارد، و بخاطر کمک کردن زندگی مردم، و در این معنا امام مالک (رحمهم الله) میگوید احتکار در تمام چیزهای بازار میشود مواد خوراکی، روغن، کتان، و تمام اشیاء پشم گوسفند، و تمام چیزهاییکه ضرر میرساند در بازار، و اگر به بازار ضرر نرساند مشکلی نیست. 6 زیرا هدف از احتکار در تنگا مردم را قرار دادن است پس هرگاه در غیر موارد ارتزاقی موجود باشد زیر مسائل احتکار داخل است.

-
- 2 - ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح الصحيح البخاری، ناشر: دارالديان للتراث، قاهره، سال نشر: 1999م. ج 4، ص 408.
- 3 — بن اثیر جزري (شيباني)، مجدالدين بن محمد، جامع الاصول في الاحاديث الرسول، ناشر: دارالكتب العلمية، بيروت، سال نشر: 1418هـ، ج 1، ص 501.
- 4 - نیشابوری، مسلم بن حجاج بن مسلم، صحيح مسلم (بشرح النووی)، ناشر: داراحياء التراث العربی، لبنان، سال نشر: 1377هـ، ج 11، ص 43.
- 2- مجموعه از نویسندگان، الموسوعه الفقهيہ الكويتیة، وزارة الاوقاف و الثنون الاسلامیة، الكويت، نشر دارالسلاسل الكويت، 1427، ج 2، ص 91.
- 3- مالك بن انس، المدونه الكبرى، ناشر: وزارة الأوقاف السعودية مطبعة السعادة، سال نشر: 2014م ج 10، ص 123.

امام ابن قیم¹ (رحمه الله) میگوید: بالای ولی الامر فرض است که محکرمین را منع کند به قیمتی که بالای مردم میفروشد. مثلاً مواد خوراکی را احتکار میکند و مردم بر آن محتاج میباشند، و یا مثل سلاح که پیش خود نگاه و کسانی دیگر بخاطر جهاد بر آن ضرورت دارند. در وقتی که اتفاق کرده اند مردم بازار، وقتی مردم در بازار بر یک چیز نیاز دارند بعضی از تجار آنرا نگهداری میکنند تا قیمت ها بلند برود این غش و فریبکاری است. و اگر مردم ضرورت نداشته باشد مشکل نیست.²

محکرم قبل از همه مرتکب گناه گردیده و به مصلحت دین ضربه وارد کرده و اضافه تر از آن حفظ نفس را نیز در مخاطره می اندازد چون بلند رفتن قیمت مواد اولیه به سبب احتکار مردم نمیتوانند احتیاجات ضروری شان را بدست آورند که این کار باعث میشود تا بر صحت و قوت ایشان تاثیر منفی گذاشته و به امراض گوناگون دچار گردند، تاثیر احتکار در جهان امروزی در میان ملت ها به وضوح ملاحظه گردیده و باعث گردیده است تا رقابت سالم و عادل در اقتصاد جهانی مفقود گردیده و تعیین قیمت اجناس بدست محکرمین قرار گیرد، از این رو شرکت های احتکاری بزرگ بازار ها را در اختیار خود داشته و طبقه فقیر و ناتوان نمیتوانند احتیاجات ضروری شان را بدست بیاورند و قبلاً تذکر دادیم که کشور های بزرگ بخاطر بلند نگهداشتن قیم اجناس و مواد خوراکی ملیون ها تن مواد خوراکی را تلف نموده و به بحر میرزند، از اینجا حکمت نهی از احتکار ظاهر گردیده که آنهم باعث از بین رفتن افراد و گروه ها گردیده و با خطرهای گوناگون در ساحات مختلف زندگی روبرو خواهند گردید.³

مطلب سوم: آیا احتکار حرام است

منظور از احتکار، انبار نمودن کالا های مورد نیاز مردم و نگاه داشتن آنها برای بالا رفتن هر چه بیشتر قیمت است. و گناه آن زمانی بیشتر میگردد که عده ای از تجار و سرمایه داران برای احتکار هر چه بیشتر کالایی مشخص دست بدست هم میدهند. بلی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (هر کس احتکار

4- شمس الدین، ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب، مشهور به ابن قیم جوزی (۷۵۱-۶۹۱ق - ۱۲۹۲ تا ۱۳۵۰ م)، دانشمند حنبلی که به سبب کثرت تالیفات در زمینه های گوناگون شهرت یافته است. وی یکسال پس از رانده شدن صلیبیان از دیار اسلام به دنیا آمد و در خانواده ای مذهبی پرورش یافت. ابن قیم در روز پنج شنبه بیست و سوم ماه رجب سال ۷۵۱ق در دمشق دارفانی را وداع گفت. در نوشته های او آثار فقهی، اصولی، نحوی، قرآنی (التبیین فی افسان القرآن، الامثال فی القرآن، تفسیر و...) نوشته هایی در علاج بیماریهای قلبی، صفات بهشت، روح، محبت، سیره رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مباحث کلامی (فضا و قدر، جبر و اختیار...) طب نبوی شناخت نظام های سیاسی و مباحث اجتماعی، عرفان، علوم القرآن، بیان، رد بر یهود و نصاری... وجود دارد و بعضی در حد نسخ خطی در کتابخانه ها باقی مانده و تعدادی نیز یافت نشده است. (سبکی طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۹۴. - ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الکامنه، - حیدر آباد دکن، سال نشر: ۱۹۷۲ م، ج ۵، ص ۱۳۸).

5- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، محقق: نایف بن احمد الحمد، ناشر: مجمع الفقه الاسلامی بجدة، سال نشر: ۱۴۲۸ م. ج ۱، ص ۳۵۴.

1- دکتر یوسف کمال محمد، فقه اقتصاد السوق ج ۱، ص ۵۱.

کند خطاکار است).¹ و حضرت علی کرم الله وجهه میفرماید: (هر کس مواد خوراکی را تا چهل شبانه روز احتکار کند، قلب او را قسوت فرا میگیرد). رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در یکی دیگر از فرمایشات خود چنین فردی را منفور درگاه الهی بیان کرده و میفرماید: **(من احتکر الطعام اربعین یوما فقد برى من الله و برى الله منه)** ترجمه: هر کس ارزاق عمومی را به مدت چهل روز احتکار نماید، از خداوند بیزاری جسته و خداوند هم از وی بیزار است.

دلیل این موضوع آن است که آدم محتکر تنها در اندیشه مصالح خود است و به مشکلات و زیانهای که برای عامه مردم پیش می آید هیچ اهمیتی نمی دهد. و هر گاه بهای اجناس در بازار پایین بیاید، مضطرب و نگران میشود و زمانی که بشنود قیمتها بالا رفته اند، شادمان و مسرور میشود.

عامل اصلی احتکار قسوت قلب و ترجیح دادن مصالح شخصی بر مصالح عمومی است، زیرا آدم محتکر از طریق وارد نمودن فشار اقتصادی و ایجاد گرانی که هزاران ناهنجاری فردی و خانوادگی را در پی دارد میخواهد میزان ثروت خود را هر چه بیشتر بنماید، و خانه و کاخ خود را بر روی تن های ناتوان و لاغر و ضعیف گرسنگان بسازد.³

فقها در ارتباط به این موضوع دارای آراء مختلفی هستند، یکی اینکه احتکار کدام نوع از کالا حرام است؟ و دوم اینکه در چه زمان و شرایطی احتکار نا مشروع میباشد؟

من این رای را ترجیح میدهم که معتقد است، احتکار همه کالاها و مواد غذایی، دارویی، پوشاک لوازم مدرسه و منزل ابزار و ماشین الات مورد نیاز مشاغل و اشیاء مورد نیاز مردم، حرام و نا مشروع میباشد. و دلیل ما برای اثبات این مدعا عمومیت حدیث لا یحتکر الاخاطی (به جز خطاکاران و خیانت پیشه گان هیچ کس احتکار نمیکند) میباشد. از این روایت معلوم می شود که محتکرین انسان های آلوده به خطا و گناه هستند. کسانی که ایمان به خدا دارند و دارای وجدان بیداری هستند و برای افراد جامعه ارزش قائلند دست به این عمل نمی زنند.

دلیل دیگر برای تایید این رای آن است که، احکار اجناس و مواد لازم برای مردم تنها به مواد غذایی محدود نشده و احتکار بسیاری از کالاهای دیگر، مصالح و منافع عمومی را مورد تهدید قرار میدهد. به ویژه در دنیای معاصر که دامنه نیاز های انسان بسیار بیش از گذشته است و عرصه های وسیع تری را

2- این حدیث را امام مسلم و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه روایت نموده اند.

2 - قزوینی، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 728

4- مهدی، شمس الدین محمد مهدی، الاحتکار فی شریعه الاسلامیه، بیروت، ناشر: الموسسه الدولیه، ناشر: 1998م. ج 1، ص 14

در مورد مواد غذایی، پوشاک و مسکن و لوازم زندگی و حمل و نقل و قطعات و ماشین آلات الکتریکی و الکترونیکی برای کشاورزی و صنعتی و پزشکی را در بر میگیرد.¹

به همین خاطر دیدگاه امام ابو یوسف رحمه الله که میگوید: احتکار هر چیزی که باعث وارد شدن زیان به مردم شود، حرام است. رای استوار تر و واقع بینانه تر است. و هر چیزی که احتکار آن سبب وارد گردیدن فشار بیشتری به مردم شود، گناه و عقابش بیشتر است و در مقدمه آنها مواد غذایی میباشد.

همچنان در میان فقها در مورد زمان احتکار اختلاف نظر وجود دارد، برخی از علما بر این باور اند که در هر شرایطی احتکار حرام است. و به نظر آنان شرایط اقتصادی مطلوب و نامطلوب و گرانی و ارزانی اجناس تاثیری بر حرام بودن احتکار ندارند، و عمومیت و فراگیری نص فرموده فرستاده الله معتال را دلیلی برای این رای خود میدانند، و بسیاری از گذشتگان و سلف صالح و اهل ورع باورشان چنین بوده است.

امام محمد غزالی میگوید: عمومیت آن حدیث را میتوان به وسیله زمان کمبود مواد غذایی و نیاز مبرم به آن اختصاص داد. اما زمانی که مواد غذایی در بازار به وفور یافت میشود، و مردم میتوانند با کمترین قیمت آن را خریداری کنند، در چنین شرایطی انبار کردن مواد غذایی ضرر و زیانی را متوجه کسی نمی نماید، حکم آن تخصیص پیدا میکند.²

در زمانی که قحطی و کمبود وجود دارد، احتکار مواد غذایی مانند: عسل و روغن و شیر و... مشکلاتی را برای مردم فراهم می نماید، باید احتکار آنها حرام اعلام شو، و دلیل آن هم ضرر و زیان برای مردم باید دانست.

اما چنانچه خریدن و انبار کردن کالا و مواد مورد نیاز مردم، زمینه ساز هیچ گونه ضرر و زیانی برای آنها نباشد، باز هم احتکار مواد غذایی کار مطلوب و مناسب نیست، زیرا ممکن است به مرور زمان زمینه کمبود و گرانی را فراهم کند، و کاری که احتمالاً منجر به امر حرام شود خود آن نیز حرام است.³

مطلب چهارم: التزام مذاهب شافعی و حنبلی (رحمهما الله) در فروش و قیمت گذاری اجناس احتکار شده:

هر دو مذهب شافعی و حنبلی پیرامون قیمت گذاری جنس باهم اختلاف نظر دارند و آنهم قرار ذیل است:

1- عیسی، محمد حلمی عیسی الاحتکار در اسه فقهیه مقارنه، ج1، ص 438

2- غزالی، محمد غزالی، احیاء علوم الدین ج5، ص 775

1- مرجع سابق، ج 1 ص 437

1. حنبلی ها (رحمهم الله) معتقد اند که، قیمت گذاری اجناس مردم و بازار از جانب امام بالای مردم نیست که اجناس قیمت گذاری شود، بلکه مردم در فروش اموال شان صلاحیت دارند.
2. اما از دیدگاه امام شافعی (رحمة الله علیه): قیمت گذاری حرام است اگر چه در وقت بالا رفتن قیمت ها باشد، که امام امر نماید به مردم در بازار قیمت ها را چنان چنین کنید.
3. اما ابن رفعه¹ یکی از پیروان امام شافعی (رحمة الله علیه) وضع نمودن نرخ نامه را در وقت بالا رفتن قیمت ها و قحطی، اجازه داده اند. کسانی که می خواهند قیمت گذاری از جانب امام صورت گیرد، در این حدیث شریف که از حضرت انس روایت شده است توجه نمایند (قیل رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لو سعرت لنا سعراً فان الاسعار تزيد و تنقص! فقال (صلی الله علیه وسلم) ما كنت لالقی الله تعالی ببدعه لم يحدث الی فیها شئاً، فدعوا عباد الله یاكل بعضهم من بعض)² ترجمه: به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفته شد: خوب است برای ما قیمت گذاری، زیر قیمت ها بالا می روند و پایین می آیند. فرمود: من چنان نیستم که خدارا دیدار کنم در حالیکه بدعتی نهاده ام که او مرا در آن مجاز نفرموده است، پس اجازه دهید که بندگان خداج از داد و ستد با یکدیگر روزی بخورند.

مطلب پنجم: مجازات فقهی دنیوی محترک در مذاهب اسلامی:

فقهاء پیرامون مجازات دنیوی محترک اختلاف دیدگاه دارند، اما در کل به یکدیگر بسیار نزدیک اند:

1. از دیدگاه احناف رحمهم الله "کاسانی" نویسنده کتاب بدائع الصنائع . می گوید احتکار حرام است³ به دلیل سخن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که فرموده: (المحترک ملعون والجالب مرزوق). و همچنان حدیث دیگری که می فرماید یک (من احتکر طعاماً اربعین ليله فقد برى من الله وبرى الله منه). در کل وجه استدلال آن است که نصوص دلالت به حرمت احتکار میدارد.

2- نجم الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن علی بن مرتفع انصاری که در سال ۶۴۵ق تولد شده است و ملقب به شیخ الاسلام، فقیه و شافعی است. او فتاوا شاذ و منفرد بسیار داشت. از جمله اینکه میگوید: اگر فردی مسلمانی از دنیا برود و وارث مرتدی داشته باشد، فرد مرتد در صورت بازگشت به اسلام و از او ارث میبرد که این رای برخلاف اجماع دانسته اندو دیگر اینکه عدم اشتراط عقل را در احصان زانی بعید ندانسته است. ابن رفعه 3- در مدرسه معزیه، و طبرسیه کرسی تدریس داشت و بطور پراکنده برخی از مناصب حکومتی را پذیرفت. مدتی به عنوان قاضی واحات در بخش غربی مصر، و پس از آن به سمت امین حکم مصر برگزیده شد. آثارش الايضاح و التبیان فی معرفه المکیال والمیزان،... وغیره میباشد (طبقات الشافعیه، ج ۱، ص ۲۲۹. الدرر الکامنه، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۳۸. طبقات الشافعیه الکبری، ج ۱، ص ۶۰۱).

2

4 - کاسانی، البدایع الصنائع، ج ۵، ص ۱۲۹.

2. مرغینانی صاحب " الهدایه" و موصلی¹ صاحب الاختیار² و تمرتاشی³ صاحب تنویر البصار و حصکی که در " الدر" و ابن عابدین در حاشیه اش که از فقهای مذهب حنفی هستند، معتقد به مکروه بوده احتکار می باشند.⁴ من جمله نوشته اند که: ویکره الاحتکار فی اقوات الادمیین و البهائم.⁵ احتکار خوراک آدم ها و چهار پایان مکروه است.
3. ابن قدامه حنبلی با جمع دیگری از فقهاء همانند ابن حجر الهیثمی⁶ که شافعی مذهب می باشند، احتکار را حرام می دانند. با استناد این سخن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) من احتکر فهو حاطی، هر که احتکار کند، گناهکار است احتکار را حرام میدانند.⁷
4. ابن حزم⁸ که ظاهری مذهب است او نیز معتقد به حرمت احتکار چنین بیان داشته است: ان الحکره المضره بالناس حرام. یعنی احتکار که به مردم زبان میرساند، حرام است.
5. زبیدیه یکی از فرقه های اهل تشیع نیز معتقد به حرمت احتکار می باشند و در البحر الزخار آمده " یحرم احتکار قوت الادمی و البهیمه".⁹ یعنی احتکار رزق مردم و حیوان حرام است.

-
- 2 - موصلی، ابو الفضل عبدالله بن محمود بن مودود بن محمود ابن بلدجی الموصلی، حنفی مذهب است، در موصل در شوال ۵۹۹ هجری تولد شد. آثار اش المختار فی الفتوی، الاختیار لتعلیل المختار، مساله غسل الرجلین... میباشد. وفات یافت در ۲۰ محرم ۶۸۳ هجری و دفن گردید در پهلوی مقبره امام ابوحنیفه رح. (طبقات الحنفیه، ص ۳۱. اعیان الزمان و جیران النعمان فی مقبره الخیزران، ص ۸۲).
 - 3 - موصلی، امام عبدالله الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، الاداره العامه للمعاهی الازهریه، القا ره الطبع ۱۹۸۰، ص ۱۶.
 - 4 - تمرتاشی، محمد بن عبدالله، ملقب به شمس الدین، اصولی و فقیه حنفی در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است. در ۹۳۹ در غزه که از شهر های فلسطین است بدنیا آمد در نسخه یکی از آثار خود وی، سال ۱۰۰۶ ق به عنوان تاریخ وفات اش ثبت شده است. آثار اش تنویر الابصار و جامع البحار، اعانه الحقیق، فتاوی التمرتاشی، الوصول الی قواعد الاصول... و غیره میباشد. (زرکی، خیر الدین زرکی، الاعلام، ناشر: دار العلم للملایین، بیروت سال نشر: ۱۹۸۰، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۳۹. بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۲۶۲)
 - 5- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز، رد المختار علی الدر المختار، ج ۶، ص ۳۹۹.
 - 6- مرغینانی، برهان الدین، الهدایه، ناشر: دار الکتب العلمیه، سال نشر: 2001م، ج ۴، ص ۳۷۷.
 - 7 - ابن حجر هیثمی، شهاب الدین ابوالعباس احمد بن بدرالدین محمد بن شمس الدین نورالدین علی بن حجر هیثمی سعیدی انصاری فقیه عالم و مولف پر کار شافعی است. نسبت های هیثمی و سعیدی از محله ابوالهیثم در ایالت غریبه و قبیله بنی سعد در ایالت شرقیه مصر گرفته شده است. اگر چه خانواده او را از انصار شمرده اند. آثار وی در زمینه های قرانت، فقه شافعی، حدیث، کلام، ادبیات، تعلیم و تربیت، تصوف، بوده است که آثار چاپی اش اعلام بقواطع الاسلام، تحفه المحتاج فی شرح المنهاج، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، مناسک الحج... و غیره میباشد. الفتاوی الکبری الفقهیه، ج ۱، ص ۲۶-۲۵۹. النور السافر، ج ۱، ص ۲۵۸.
 - 8 - ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ج ۴، ص ۲۲۰. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، ادیب و شاعر و یکی از درخشان ترین چهره های فرهنگ اسلام در اندلس میباشد. در شهر قرطبه در اندلس بدنیا آمد. آثار زیادی از وی بر جا مانده است که به ۴۰۰ جلد میرسد و به ۸۰ هزار برگ را در بر گرفته بدین لحاظ کثرت نوشته هایش با محمد بن جریر نویسنده تاریخ مشهور مقایسه کرده اند. طوق الحمامه، رساله فی فضل الاندلس، الاحکام فی اصول الاحکام، المحلی فی شرح المجلی، ابطال القیاس، الاخلاق و السیر، رسائل ابن حزم... و غیره میباشد. ابن حزم شخصیت برجسته با چهره های گوناگون و گاه متضهد داشته و در شعر، کلام، فقه، حدیث، اخلاق، انسان شناسی، تاریخ، جامعه شناسی ادیان و ملل و نحل صاحب نظر بوده است، از سوی دیگر، ابن حزم مردم را از نظر اعتقادات ایمانی به ۴ گروه تقسیم میکند گروهی که استدلال میکند و استدلال ایشان را به حقیقتی که دنیای پاداش دارد. گروهی که استدلال و بحث و نظر میکنند. گروهی که تقلید میکنند و به حقیقت میرسند ایشان اهل حق اند و عوام اهل اسلام همگیداز این گروهند. گروهی که تقلید میکنند اما به باطل کشانده میشوند ایشان یا کافر یا فاسق اند. سیر اعلام النبلا، ج ۳، ص ۳۶۵.
 - 9- الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۲، ص ۵۸۳.
 - 10 - عتکی بزار، احمد بن عمرو بن عبدالخالق، البحر الزخار، ج ۳، ص ۳۱۹.

مطلب ششم: فلسفه مجازات دنیوی محترک در مذاهب اسلامی:

فلسفه حرمت و مکروهیت احتکار از دیدگاه مذاهب اربعه متفاوت تر است، اما در بیشترین موارد باهم متفق‌النظر هستند و آن اینکه هدف از احتکار همانا ضرر و زیان رسانی به جامعه بشری و نیازمندان است، اما دیدگاه‌ها قرار ذیل است:

1. مذهب احناف:

صاحب بدائع الصنائع از جمله فقهای احناف معتقد است محترک به فروش کالا مجبور می‌شود. برای رفع ظلم در صورتیکه از غذای خود و خانواده اش بیشتر باشد. و اگر حاضر به فروش نگردد و امر او به (امام پیشوا) ارجاع شود، امام او را پند می‌دهد و تهدید می‌کند و اگر باز هم معامله را انجام ندهد و کارش به امام راجع گردد برای مرتبه سوم حبس و تعزیر می‌شود بخاطر عمل بدی که مرتکب شده و این بار بر معامله مجبور نمی‌گردد.¹

ولی امام محمد (رحمه الله) معتقد است که به فروش مجبور می‌شود زیرا جبر بر فروش به معنی حجر (منع شخص به حکم قانون) است و محجور از خود اختیار ندارد.

امام مرغینانی حنفی المذهب معتقد است محترک در مرتبه دوم که کارش به امام ارجاع شد حبس و تعزیر می‌شود.² برای دفع ضرر از مردم و باز داشتنش از احتکار امام ابن عابدین صاحب کتاب الاختیار لتعلیل المختار حنفی المذهب تصریح می‌کند به اینکه بر قاضی واجب است محترک را بر فروش مازاد غذای خود و خانواده اش امر نماید و اگر محترک نپذیرد و مخالفت کند تعزیرش میکند و کالا را می‌فروشد.³

2. مذهب مالکی:

مالکیها معتقدند بر اینکه اگر کسی خوراک از بازارها بخرد و احتکار کند و به مردم زیان برساند مردم در قیمتی که به آن طعام را خریده شریک هستند.⁶

"الابی"⁴ که مالکی است گفته است: وقتی قیمتها بالا رود، برای رفاه مسلمانان باید خلیفه مخزن‌ها را بگشاید و اجناس را به کمتر از آنچه مردم می‌فروشند بفروش رساند و باز بار دیگر دستور دهد به کمتر از این قیمت بفروشند تا به این وسیله قیمت پائین بیاید و واردکنندگان و محترکان با این عمل مغلوب گردند از

3- کاسانی، بدایع صنایع، ج ۴، ص ۲۴۴.

4- مرغینانی، الهدایه، ج ۴، ص ۳۷۸.

5- ابن عابدین، الدر المختار، ج ۵، ص ۲۸۳.

6- ابوالعباس ضیاءالدین احمد بن عمر بن ابراهیم بن عمر الانصاری الاندلسی قرطبی مالکی، فقیه و محدث در قرن ششم بود. در سال ۵۷۸ هجری در قرطبه تولد شد. آثارش عبارت از مختصر البخاری، کتاب شرح التلقین، کتاب فی اصول فقه، تلخیص صحیح مسلم، کشف القناع عن حکم مسائل الوجد والسماع... و غیره میباشد. در چهارم ذی القعدة در سال ۶۵۶ هجری وفات و در اسکندریه دفن شد. (سیر الاعلام و النبلاء، ج ۴، ص ۲۳۴).

مطالب بالا چنین بر می آید که مجازات محترک در مذهب مالکی، حبس نبوده بلکه همان به فروش رسانیدن اموال محترک را به قیمت پایینتر از قیمت بازار به عنوان مجازات دانسته است.

۳ - مذهب شافعی:

شافعی ها معتقدند اگر محترک زائد بر نیاز یک سال خود احتکار کرده باشد، در زمان ضرورت به فروش اجبار می شود. بعضی هم گفته اند در وقت شدت ضرورت مجبور به فروش کالا می شود هر چند برای یکسال خودش چیزی باقی نماند.¹

۴ - مذهب حنبلی:

حنبلی ها معتقدند " ولی " (حاکم) محترکین را مجبور به فروش کالا به قیمت مثل آن می نماید، وقتی که مردم به آن نیاز داشته باشند. قیمت مثل هم عبارت است از قیمت آن طعامیکه مردم در آن زمان در مخصه نبوده و به آن نیاز نداشتند.² اگر محترک به قیمت مثل راضی نشود، و بهای بیشتر مطالبه کند از او گرفته می شود و همان قیمت مثل بوی پرداخت می گردد.³

ابن القیم (حنبلی) می فرماید: احتکار، بغی و فساد (ظلم و تباهی) است پس قیمت گذاری بر کالای محترک واجب است و بر همین طریق بیشتر فقهای حنبلی گفته اند حق امام قیمت گذاری است، بلکه حق نیست و بر امام قیمت گذاری واجب می باشد. و بر اوست که مردم را وادار کند که فقط به قیمت مثل بفروشند. نه گرانتر.

۵ - در مذهب زیدیه:

پیروان مذهب زیدیه (شیعیان چهار امامی) عقیده دارند که محترک به فروش کالای احتکار شده مجبور می شود و اگر تمرد کند حاکم آن را به فروش می رساند و به خاطر سرپیچی از دستور، تعزیرش می نماید. به طوریکه ملاحظه شد فقهای جهان اسلام در موضوع احتکار از جمع جهات اتفاق نظر ندارند ولی در آنچه به نفع مسلمانان تمام می شود و آن اجبار محترک به فروش کالا است متفق القول می باشند.⁴

3 - رملي ، نهاية المحتاج الى شرح المنهاج ، ، ج ۳ ، ص ۳۹۲.

4 - ابن قدامه ، عبدالله بن احمد ، المغنی ، ج ۴ ، ص ۲۲۲.

5 — ابن قیم الجوزیه، ابو عبدالله محمد بن ابوبکر بن ایوب ، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة ، محقق نایف بن احمد الحمد ، ناشر : دارعالم الفوائد - مكة المكرمة

1 — عتکی بزار، احمد بن عمرو بن عبدالخالق، البحر الزخار، محقق زین الله محفوظ الرحمن ، ناشر: دارالکتب العلمیة، - بیروت- لبنان، سال نشر: 2001م، ج ۳ ، ص ۳۲۰.

مطلب هفتم: راه های جلوگیری از احتکار در فقه

در فقه برای جلوگیری از احتکار دو راهکار ارائه شده است:

الف - اقدامات لازم برای پیشگیری احتکار

ب - اقدام لازم در برخورد با محتکرین¹

دو مبحث در فقه معاملاتی با عنوان هائی اختصاصی وجود دارد، که مباحث آن ها دقیقاً مربوط به راهکار اولی جهت ممانعت گسترش احتکار است.

1- منع تلقی ركبان یعنی به استقبال رفتن کاروان های تجاری: می دانیم که در زمان های سابق،

حمل و نقل اجناس به وسیله چهار پایان انجام میگرفت و بازرگانان با تشکیل کاروانهای تجاری اموال را به محل دیگری سوق می دادند، در این میان عده ای سود جو گوش به زنگ بودند که چه زمانی کاروان های تجاری به سوی آن ها راه می افتند، به محض اطلاع به استقبال کاروان ها می شتافتند و به صاحبان اموال پیشنهاد خرید یکجا میکردند و کالا را در انحصار خود می گرفتند که در اصطلاح فقها این عمل تلقی ركبان نامیده میشود.² اسلام برای جلوگیری از هر گونه انحصار، به شدت با این عمل مبارزه نموده است. رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: عن ابن عمر رضی الله عنه، انه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (لا تلقوا السلع حتی یهبط الی السوق)³. به استقبال کالا نروید بگذارید در بازار وارد گردد.

2- منع بیع حاضر للبادی: رسول الله گرامی اسلام مردم شهر نشین را منع نمود که اجناس خود را

برای بادیه نشین به فروش رسانند، زیرا شهر نشین از نرخ های بازار آگاهی داشته و از نیازمندی های مردم بر جنس اطلاع دارد که اگر چنین کار را انجام دهد اجناس را به نرخ بسیار بلند به چادر نشینان میفروشد، بنا بر این از جهتی که به مردم ضرر وارد میکند منع فرموده است.⁴ ابن عباس در این زمینه روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) آورده است که عامه هم آن روایت را نقل نموده اند دلیل حکم مزبور حدیث ذیل است: (قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لا یبیع حاضر للبادی).⁵

2- مبارک، محمد المبارک، نظام الاسلام الاقتصاد، ناشر: بیروت دارالفکر، - بیروت، سال نشر: ۱۹۸۰م، ص ۱۲۴-، ۱۲۵

3- نووی، شرح نووی المسلم، ج ۱۰، ص ۴۰۳

4 - بخاری، صحیح بخاری، شماره حدیث ۲۱۶۵، مسلم، ج ۱۴، شماره حدیث ۱۵۱۷.

5- ابن الاخوة، محمد بن محمد بن احمد القرشی، معالم القرية فی احکام الحسبه، محقق: محمد محمود شعبان، ناشر: مکتبه الاعلام الاسلامی، سال نشر: ۱۴۰۸هـ، ص ۵۱۸.

5- بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۹.

مطلب هشتم: وظایف حکومت در برابر محتکر

در آغاز باید دانست منظور از حکومت در این مورد نظام حاکی بر جامعه اعم از دستگاه قضایی و دستگاه های اجرایی است. حکومت وظیفه دارد از منافع مردم در کلیه موارد حمایت کند و از جمله حکومت در برابر پدیده احتکار موظف است حافظ منافع شهروندان و تامین کننده آسایش و رفاه آنان باشد و کسانی را که به حقوق جامعه تجاوز میکنند از کارشان جلوگیری نموده و آنان را مورد مجازات و کیفر قرار دهد. دولت در برابر محتکر دو نقش و وظیفه مهم به عهده دارد:

1- وادار کردن محتکر به فروش کالای احتکار شده.

2- تنبیه و مجازات محتکر در صورتی که به تذکرات حاکم بی توجهی کند و از عمل به وظیفه و

قانون تمرد نماید.¹

اقدامات اجرائی دولت اسلامی نسبت به محتکرین: از مطالب گذشته معلوم شد که تعیین موارد احتکار و جلوگیری آن به عهده دولت اسلامی است، بر اساس روایات که راهکار را در این مساله نشان میدهد دولت به ترتیب زیر اقدام لازم را انجام میدهد:

الف: اجبار محتکر بر فروش کالای احتکار شده، نرخ گذاری (تسعیر):

اولین اقدام دولت اسلامی نسبت به محتکرین این است که آنان را وادار می کند تا در اسرع وقت اجناس احتکار شده را در معرض فروش قرار دهند. این نظر مورد اتفاق حنابله، مالکیه، شافعیه، و حنفیه است² و در میان امامیه اجماعی است، و مستند این فتوا این است که احتکار موجب ضرر و زیان عامه مردم است و دولت به منظور رفع ضرر مبادرت به این کار میکند.³

وادار کردن محتکر بر فروش جنس احتکار شده، امری است که در اخبار آمده و مقتضای ملاک های شرعی، عقلی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و اخلاقی نیز همین است و بزرگان فقها نیز به آن فتوا داده اند. فقهای اهل سنت در مسئله لزوم اجبار محتکر بر فروش کالای احتکار شده عبارات ذیل را به کار برده اند.

2- قرنی، عبدالحفیظ فرغلی علی القرنی، آداب السوق فی الاسلام، ص ۳۲،

3- ابن قدامه، المغنی ج ۴، ص ۲۲۱ - شیخی زاده داماد، العلاء الحسکفی، الدر المنتقی علی متن الملتقی بهامش مجمع الانهر، محقق خلیل عمران المنصور، ناشر: دارالکتب العلمیه، سال نشر: 1419 هـ ج ۵ ص ۱۶.

4- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۲، ص ۳۶۸.

1- ابن الاخوة¹ می گوید: هرگاه نگرهبانان حکومت ببینند شخصی در موقع گرانی کالا مواد خوراکی را احتکار نموده است تا گران تر بفروشد الزاماً او را به فروش آن کالا وادار میکنند زیرا احتکار حرام و محتکر ملعون است زیرا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هر کسی مواد خوراکی را چهل روز احتکار نماید از خداوند (جل جلاله) بیزاری جسته و خدا نیز از و بیزار است.²

2- ابن مسعود کاشانی میگوید: از احکام احتکار این است که محتکر را به فروش کالا وادار میکنند تا ظلم و اجحاف از جامعه بر طرف شود لیکن او را مجبور بر فروش مازاد از مصرف سالانه خود و خانواده اش نمیکند.³

اگر از فروش مواد خوراکی خوداری کند امام آن را به فروش میرساند و هرگاه به نرخی که امام یقین کرد بفروشد معامله صحیح است زیرا او هرگز مجبور بر فروش کالا نیست. این مطلب همچنین در کتاب هدایه و محیط آمده است.⁴

با توجه به اظهارات این فقها در کتب فقهی و مانند آن ثابت میشود که فقهای اهل سنت نیز در مورد اجبار محتکر به فروش کالا نظر موافق دارند هر چند در عبارات بعضی از آنان از به کار رفتن واژه اجبار خوداری شده است یا آن را نفی کرده اند و این نفی به موجب شرط بودن اختیار فروشنده در صحت معامله است که این اشتراط آنها را در این مسئله به چالش کشانده و نظریه های مختلف در این مورد ارائه داده اند.

پس از آنکه حاکم اسلامی مقرر کرد که کالای احتکار شده از انبار خارج شده و در معرض فروش قرار گیرد شخص محتکر خود موظف است کالا ها را به فروش برساند ولی با کدام نرخ؟ و چگونه؟ اگر محتکر در تعیین نرخ آزاد باشد و به هر قیمت که بخواهد بتواند کالا را به فروش برساند طبیعی است که هدف ظالمانه او تامین شده و حقوق اجتماع مورد آسیب قرار گرفته است. در این صورت آیا در صورتی که قصد گران فروشی داشته باشد حاکم وظیفه دارد برای او نرخ تعیین نماید.⁵

آنچه مسلم است عوامل بسیاری در شکل گرفتن قیمت ها نقش دارند که میتوان گفت موارد زیر از مهم ترین آنها میباشد.

1- ابن اخوه، ضیاءالدین محمد قرشی، محمد بن محمد، فقیه محدث شافعی در اصول پیرو اشعری بود. در سال ۶۴۸ق در مصر متولد شد. تنها اثر او کتابی در موضوع حسبه است با عنوان معالم القریه فی احکام الحسبه میباشد. و در سال ۷۲۹ ق وفات یافت. (زرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۴).

2- ابن الاخوة، محمد بن محمد بن احمد قرشی، معالم القریه فی احکام الحسبه، الهيئة المصریه العامه للکتاب، ص ۱۲۱.

3- کاساتی، بدایع الصنایع، ج ۵، ص ۱۲۹.

4- ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، البحر الرائق شرح کنز الدقایق، ناشر: دار الکتب الاسلامی - دمشق، سال نشر: 1999م ج ۸، ص ۳۷۱.

5- ابن تیمیه، الحسبه، ص ۵۰۵ - ۵۰۶.

- 1- میزان تقاضای مصرف کننده و نیاز او به کالای مورد نظر.
- 2- میزان عرضه کالا در بازار از نظر کمیت (فراوانی و کمیابی).
- 3- کیفیت کالا و مرغوبیت آن نزد خریدار که در قیمت آن نقش بسیار موثر دارد.
- 4- شرایط زمانی برای کالای مورد نظر مانند تاثیر فصل سرما در افزایش نرخ مواد سوختی و فصل گرما در بهای وسایل سرد کننده و مانند آن.
- 5- شرایط مکانی مانند تاثیر اماکن با اهمیت و مراکز تجمع مردم در افزایش نرخ ها.
- 6- هزینه های تولید و توزیع و مخارج خرید و تعمیر کارخانجات و دستگاه های صنعتی و لوازم یدکی و غیره.
- 7- هزینه های حمل و نقل کالا از محل تولید به مراکز مصرف.
- 8- مالیات ها و عوارض سالانه و مقطعی که دولت و سازمان های مربوطه از کشاورز و صنعتکار و تاجر و غیره دریافت میکنند و طبعاً موجب افزایش قیمت کالا میشود.
- 9- شرایط اجتماعی و سیاسی که موجب پدید آمدن بازتابهای روانی اعتماد و امید به آینده و یا تشویش و نگرانی در جامعه می گردد.
- 10- عامل تاریخ و گذشت زمان که آن نیز به نوبه خود در افزایش قیمت برخی از اشیاء نقش موثر و چشمگیر دارد.1

چنانکه در مورد سکه های باستانی و تصویر ها و مجسمه ها و آثار و ابنیه تاریخی و کتب قدیمی مشاهده میشود که فقط به موجب قدمت و گذشت زمان بر آنها از ارزش بسیار برخوردار هستند. علاوه بر این موارد ممکن است عوامل دیگری نیز در شکل گرفتن نرخ و تعیین قیمت کالا نقش موثر داشته باشد.

پس اگر از منظر عقل به دقت نظر کنیم خواهیم دید اکثر عوامل یاد شده که در تعیین نرخ ها نقش اساسی دارند از اختیار انسان ها و اعتبار و قرار داد آنان خارج هستند و علت پدید آمدن آنها حوادث طبیعی و خارجی است که مانند دیگر عوامل از قدرت و اراده تکوینی الهی است. بنا بر این عوامل یاد شده مانند عرضه - تقاضا - شرایط زمان و مکان - شرایط سیاسی از مجموعه علل طبیعی هستند که با اراده انسان ها پدید نیامده اند لهذا جعل و اعتبار انسان ها در این امور سعی بی حاصل است و نرخ کالا ها را از مسیر طبیعی و عادلانه خارج نمیکند. به همین جهت چنین نرخ گذاری اعتباری در عمل هرگز موفق نیست و

1- مشالی، عبدالله المشالی، الحریه الاقتصادیه و تدخل الدوله فی النشاط الاقتصادی، ج1، ص383

هر گاه مسولین جامعه این چنین در تعیین نرخ اقدام نمایند عملاً مردم با پدیده مخرب چند نرخى مواجه خواهند شد و نرخ واقعی و عادلانه مشخص نخواهد شد. دولت میتواند به منظور تامین رفاه مردم برای رسیدن به نرخ های متعادل و یک بازار سالم زمینه سازی نماید، و شرایطی که تقاضای کالا در جامعه افزایش یافته است کالای مورد نظر را در بازار به وسیله تجار و عاملان خود افزایش دهد و هرگاه بالعکس عرضه افزایش یافت به منظور حفظ تعادل نرخ و پیشگیری از زیان و خسارت تولید کننده مقدار اضافی را از چرخه بازار خارج نموده و نسبت به صدور آن اقدام نماید.¹

بنا بر این قدر مسلم این است که در تعیین نرخ عوامل مختلفی نقش و تاثیر دارند با دخالت آن عوامل که غالب آنها طبیعی است نرخ کالاها مشخص میشود. در این صورت نرخ امری حقیقی و واقعی است و نه جعلی و اعتباری و در اینجا نکته کلام رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) که فرمودند (جز این نیست که نرخ ها به دست خداست) آشکار میشود.

سپس توجه به این نکته لازم است که جواز نرخ گذاری در صورت ترمذ محترک که در فتاوی بسیاری از فقها آمده به هیچ وجه با مطلب یاد شده تعارض و منافات ندارد که در به تبیین نرخ گذاری پرداخته می شود:

سعیر (تعیین قیمت به چه مفهوم است؟)

فقهاء تعیین مقدار سعر را (نرخ) گویند. و در اصطلاح عبارات فقها در مورد تعریف تسعیر متعدد بوده ولی با هم قریب المعنی میباشند.

امام نووی آن را چنین تعریف نموده است: (تعیین نمودن نرخ مواد غذایی و امثال آن را به قیمتی که نباید از آن سر کشی گردد سعر گویند.²

در مغنی المحتاج در تعریف سعر چنین نگاشته است: اینکه والی به دکانداران دستور بدهد تا اجناس شانرا به یک قیمت معین به فروش رساند³

بهوتی سعر را چنین تعریف نموده است: (اینکه سلطان و یا نایب وی برای مردم نرخ معین را انتخاب و تعیین نمایند و ایشان را مجبور سازند تا مطابق آن خرید و فروش نمایند.⁴

1- قرنی، آداب السوق فی الاسلام، ج1، ص ۳۲

2- نووی، بحیی بن شرف، تحریر الفاظ التنبیه، محقق: عبدالغنی الدقر، ناشر: دارالقلم، دمشق، سال نشر: ۱۴۰۸هـ، ج ۱، ص ۱۸۶

3- مغنی المحتاج، ج ۲، ص ۳۸

4- بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع علی متن الاقناع، ناشر: دارالکتب العلمیة، بدون تاریخ، ج ۳، ص ۱۸۷

به نظر ما در میان تعاریف تعریف بهوتی دقیق تر و شاملتر میباشد، زیرا تعریف وی نرخ گذاری اصلی و حقیقی را بیان نموده است که باید به دستور سلطان و یا نایب وی صورت بگیرد دوم اینکه تعریف عام و شامل را جهت نرخ گذاری هر چیز ارایه داشته است چه جنس باشد و یا کار چنانکه در اجاره (کار در مقابل پول) وجود دارد، زیرا اجاره در حقیقت طوری است که آن را تعریف کرده اند عبارت از بیع منافع میباشد. 1 بناً تعریف مذکور شامل تجدید اجور اعمال نیز میگردد و تنها منحصر به تعیین اسعار اجناس نمیشود. همچنین حالات قیمتی و ارزانی را نیز در بر گرفته است. از طرف دیگر علما با هم در مورد لازمی ساختن نرخ ها (الزام تسعیر) اختلاف دارند که ما در سطور پایینی سه مطلب دیگر را در این خصوص ارایه خواهیم نمود.

1- نرخ گذاری در حالت عادی

2- حکم نرخ گذاری در وقت بلند رفتن قیمت ها (احتکار)

3- نرخ گذاری اعمال و مشخص ساختن مزد ها

1- تسعیر یا نرخ گذاری در حالت عادی:

هدف از حالات عادی آن است که مردم به شکل طبیعی خرید و فروش نمایند، در معاملات خود از حد گذاری و استفاده جویی چه در حالت ارزانی و فراخی و چه در حالت گرانی و قیمتی کار نگیرند، البته قیمتی که دست انسان ها در آن دخیل نباشد و خودشان چنین وضعیت را به بار نیاورده باشند، بلکه اسمار از جهت کمبود اجناس و تقاضای بیشتر بلند رفته باشد، یعنی قیمتی مطابق قانون عرضه و طلب بوجود آمده باشد.

جمهور علما که در میان آنان مذاهب چهارگانه (احناف، شوافع، مالکی ها و حنابله (رحمهم الله)) و دیگران شامل میباشند گفته اند که تسعیر و یا نرخ گذاری در حالت عادی جواز ندارد. این قول منع تسعیر در حالت عادی از خلیفه بزرگوار اسلام حضرت عمر رضی الله عنه، سالم و قاسم بن محمد نیز نقل گردیده است. 2

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) در خصوص نرخ گذاری در حالت عادی چنین گفته است: (اگر مردم به گونه درست خرید و فروش می کردند و از ظلم کار نمی گرفتند، و اسعار از جهت کمبود اجناس مورد

1- ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز، رد المختار علی الدر المختار، چاپ دوم، ناشر: دار الفکر- بیروت، سال نشر: ۱۴۱۲هـ، ج ۵، ص ۲

2- قاضی زاده، احمد بن قودر، نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار، ناشر: دار الفکر، سال نشر: 2002م، ج ۱۰، ص ۵۹

ضرورت و یا ازدیاد و تراکم نفوس بلند رفته باشد، این چیزی است که از طرف خداوند متعال بوده و الزام نمودن بر مردم که اجناس خود را به قیمت معین و نرخ مشخص شده بفروشند، اکراه بدون حق میباشد).¹

امام ماوردی رحمه الله در این مورد گفته است: (تمام فقها بر عدم جواز گذاری در حالت عادی با هم متفق و یک دست اند).²

این گروه از علما برای اثبات صحت نظریه شان گفته اند که چنین کار به مصلحت مردم بوده و بر رئیس دولت لازم است تا مصالح مردم را در نظر داشته باشد، در مورد مصلحت بودن چنین کار گفته اند: بالا بردن قیمت ها از طرف فروشندگان مفسده بوده که رئیس دولت از آن جلوگیری کرده و مانع چنین کار میشود. چون فروشندگان از ضرورت مردم استفاده جویی نموده و قیمت را بلند میبرند.³ بنا بر این یگانه استناد این گروه که نرخ گذاری را در حالت عادی جواز میدهند مصلحت بوده که باید دولت تمام تصرفاتش را با در نظر داشت آن اجراء نماید.

2: حکم نرخ گذاری هنگام بلند رفتن قیمت ها از جانب فروشندگان:

شمار زیادی از صحابه، تابعین، علما و فقهای شهر ها مانند مالکی ها، شوافع، متقدمین حنابله، ابن حزم و شوکانی گفته اند که نرخ گذاری مطلقاً حرام است، چه در مورد قوت مواد غذایی باشد و یا در چیز های دیگر، ولی احناف نظریه متفاوت دارند.⁴

احناف از تسعیر منع نموده مگر آنرا مکروه تحریمی دانسته اند، نه حرام و آن را مطلقاً ممنوع قرار داده اند. امام مرغیانی در کتاب هدایه گفته است: (اگر فروشندگان مواد غذایی از حد بگذرند و تعدی شدید نمایند و قاضی جهت صیانت حقوق مسلمانان چاره دیگر جز تسعیر ندارند در این حالت باکی ندارد که تسعیر با مشوره اهل رای و بصیرت صورت گیرد).⁵

و در فتاوی هندیه آمده است: (و هو المختار و به یفتی) یعنی همین نظریه درست بوده و مطابق آن فتوا داده میشود.

1- ابن تیمیه، الحسیه، ج1؛ ص ۴۹۸

2- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الحاوی الکبیر، محقق: شیخ علی محمد، ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، سال نشر: 2005م، ج۵، ص ۴۰۸

3- ماجد ابورضیه، حکم التسعیر فی الاسلام، ج1، ص ۱۷

4- مواق، محمد بن یوسف بن ابی القاسم، التاج و الاکلیل لمختصر خلیل، ناشر: دارالکتب العلمیه، سال نشر: 2001م، ج۴، ص ۳۸ - نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین و عمدة المفتین، ناشر: دارالفکر بیروت، سال نشر: ۱۳۷۶هـ ج ۳، ص ۴۱۱، رملی، نهاییه المحتاج، ج ۳، ص ۴۷۳، ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الکافی فی فقه الامام احمد حنبل، ناشر: دارالکتب العلمیه، سال نشر: ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۳۶۰ - بهوتی، کشف القناع ج ۳، ص ۱۸۷ - ابن حزم، المحلی، ج ۷، ص ۵۳۷ - شوکانی، نیل الاوطار، ج ۵، ص ۲۴۵

5- شوکانی، محمد بن علی بن عبدالله، الفتح القدیر، ناشر: دار ابن کثیر، دمشق - بیروت ۱۴۱۴هـ، ج ۱۰، ص ۶۹

احناف با استفاده از این قول تسعیر را بر احتکار قیاس نموده و یا اینکه به گونه مفهوم موافق آن جواز میدهند. مگر ابن عابدین رحمه الله با استفاده از رای امام ابوحنیفه رحمه الله در مورد جواز حجر در هنگام عمومیت پیدا کردن ضرر تسعیر را نیز جواز داده است، چون مغالات در اسعار و تعدی در آنها به ضرر عامه تمام خواهد شد، در حاشیه رد المحتار گفته است: (زمانیکه ضرر عام گردد امام حجر را جواز میدهد، طوری که در مورد مفتی ماجن، مکاری مفلس و طبیب جاهل فتوا داده است، و تسعیر یک قضیه عمومی بوده که مساله ما شامل آن میگردد، زیرا تسعیر از نگاه معنی با حجر یکسان میباشد، چون فروختن در مقابل زیادت بی اندازه ممنوع قرار میگیرد، بنا بر این مساله فقط بر قول ابویوسف مبنی نمی باشد. 1 شوافع نیز در یک وجه چنین گفته اند و مذهب متاخرین حنابله نیز به همین قول بوده و بعضی آنان تسعیر را واجب میدانند که ابن العربی مالکی به آن نظریه بوده و متاخرین احناف آن را جواز داده اند. 2

3: نرخ گذاری کارها و تهدید مردها:

کار در اسلام از قیمت اقتصادی بزرگ برخوردار میباشد، زیرا کار اصلی است که بیشترین منافع از آن سر چشمه میگیرد، بنا بر این زمانیکه منافع که در اصل نتیجه و ثمره کار میباشد و در نزد جمهور علما غیر از احناف 3 اموال شمرده شده، ازینرو کار را مال و یا از جمله متمولات حساب نموده اند طوری که ابن خلدون از آن تعبیر نموده 4 اگر شخصی دیگری را جهت انجام دادن کاری در مقابل مزد به کار بگمارد (به اجاره گیرد) در این حالت صاحب کار و یا مستاجر مشتری کار کارگر فروشنده منافع کارش به حساب می آیند، چون اجاره عبارت از فروختن منافع میباشد. 5

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در کتاب الحسبه خود در این مورد چنین نگاشته است: (هدف در اینجا این است که اگر دولت اهل صنعت را به آنچه مردم احتیاج دارند مانند دهقانی، حیاکت و بنائی و ادار سازد برای شان مزد مثل را تعیین می کند، استعمال کننده نمیتواند مزد آن را کمتر دهد و صانع حق ندارد اضافه تر از مزد کارش مطالبه نماید، چون کار کردن بر وی لازم گردیده و چنین کار از نرخ گذاری واجب به حساب می آید)، وی سپس میگوید: (به همین گونه اگر مردم به کسی نیاز داشته باشند که به ایشان الات

1- ابن عابدین، ردالمحتار از ابن عابدین ج 5، ص 257

2- ابن العربی، عارضه الاحوذی از ابن العربی ج 6، ص 54، ابن قدامه، روضه الطالبین ج 3، ص 411، ابن تیمیه، الحسبه ص 512، ابن قیم جوزیه، الطرف الحکمیة، ج 1، ص 213

3- خطاب رعینی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسی المغربي، المعروف بالخطاب الرعینی، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، ناشر: دارالفکر، - بیروت، سال نشر: 1992م. ج 4، ص 226، بهوتی، کشف القناع ج 3، ص 152،

4- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، ناشر: بنگاه نشر، سال نشر: 1336ه، ص 271

5- ابن عابدین، رد المحتار ج 5، ص 2

جهاد - اسلحه - و غیره را بسازد باید در مقابل اجرت مثل به کار گماشته شود و استخدام کنندگان نباید بر آنان ظلم کنند و استخدام شده گان نباید اضافه تر از استحقاق شان مطالبه نمایند، باوجود آنکه مردم به ایشان نیازمند هستند. 1

امروز مساله تحدید اجور کارگران (مامورین و دیگر کارکنان) از مسایل مهم به شمار میرود، زیرا از جهت به وجود آمدن اتحادیه های کارگران که باعث گردهم آمدن اصحاب وظایف و حرفه ها شده است، و گاهی دست به اعتصاب زده و از کار باز می نشینند مگر اینکه در مزد کار شان افزوده شود، در هر لحظه چنین عمل ایشان امکان به وجود آمدن بحران ها را قوی میسازد، فقها از به وجود آمدن چنین اتحادیه های مذموم قبلا اخطار داده بودند، اکثر علما مانند امام ابوحنیفه رحمه الله کسانی را که زمین را در مقابل مزد تقسیم میکردند از اشتراک با هم منع نموده است تا قیمت کارشان را بلند نبرند، بنا بر این منع نمودن کسانی که به بلند بردن اسعار اجناس و مواد با یکدیگر توافق نموده اند به گونه اولی باید صورت گیرد. 2

ب: مجازات محتکر:

یکی از وظایف دولت اسلامی در مورد پدیده احتکار مجازات احتکار کننده است. از آنجا که در جامعه استعداد و قابلیت افراد برای پذیرش قانون و ضوابط فردی و اجتماعی متفاوت است نیاز به قوانین جزایی و کیفری برای تنبیه مجرمان و متخلفان به طور جدی احساس میشود و هرگز چنین نیست که همگان در برابر اصول تربیت و اخلاق انسانی و قوانین شرع و احکام و ارشاد های عقلی تسلیم و فرمانبردار باشند.

لهذا هیچ گاه جامعه بشری از تنظیم و تدوین و اجرای قوانین کیفری بی نیاز نیست و بدیهی است که تنظیم دقیق و اجرای کامل این قوانین از وظایف و شئون حکومت و نظام اسلامی میباشد. 3

فقهای حنفیه گفته اند اگر کسی برای بار دوم احتکار کند محکمه او را محکوم به زندان یا اعمال شاقه مینماید. 4 و بعضی دیگر از فقهای حنفی گفته اند برای بار سوم محکوم به زندان یا اعمال شاقه میشود. 5 مالکی ها میگویند اگر برای بار دوم مرتکب احتکار شود او را تازیانه می زنند و در شهر می گردانند و سپس به زندان می اندازد. 6

1- ابن تیمیه، الحسبه، ص ۵۰۵ - ۵۰۶.

2- میدانی، عبدالغنی الغنیمی الميدانی، اللباب فی شرح الکتاب، ج ۴، ص ۹۲.

3- محمد، کمال محمد، فقه اقتصاد السوق، ص ۶۴.

4 - مرغینانی، الهدایه، ج ۸، ص ۱۲۷.

5 - کاسانی، البدایع الصنایع، ج ۵، ص ۱۲۹.

6 - تلمسانی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن قاسم، تحفة الناظر، ناشر: المعهد الثقافی الفرنسی، - دمشق، سال نشر: 1967م، ج 1، ص ۱۲۸.

اما فقهای امامیه در نحوه مجازات بدنی محترک بحث خاصی ندارند. ولی به نظر آنها حاکم شرع میتواند تعزیر نماید کمأ و کیفأ به نظر حاکم است.¹

ج: تنبیه کسانی که به استقبال کالاها می شتابند:

از میان علمای امامیه فقط اسکافی² نظر به بطلان داده و در میان فقهای اهل سنت قائلین متعددی وجود دارد. زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) طبق نص صریح از این عمل و معامله نهی نموده و نهی در معاملات بنا بر بعضی از مبانی، دال بر فساد است پس این معامله باطل است.

ملاحظه می کنید که اسلام میخواهد با چنین مبارزه منفی علیه سودجویان و بازاریان شرور، آنها را سرکوب نماید تا هیچ گاه به فکری چنین اعمالی نیفتند، و نیز از این روایت استفاده میشود که اسلام خواستار اعتصاب عمومی علیه انحصارگران و گرانفروشان است. یعنی بهترین مجازات قبل از هر اقدامی همان است که توسط مردم انجام گیرد، و محترک مورد نفرت عمومی قرار گیرد.

نتیجه: بررسی روایات و سیره نشان می دهد که احتکار فقط هنگامی حرام نیست که از شدت ارتکاب این عمل؛ کالا در بازار نایاب شده به هیچ قیمتی قابل تهیه نباشد و نیازمندان به آن به مضیقه افتاده باشند بلکه احتکار هنگامی هم که کالا یافت میشود ولی جریان توزیع آن با اختلالاتی مواجه می باشد که منجر به گران شدن و کمیاب گشتن کالا میگردد و از دسترس عموم خارج میگردد و جز با پرداختن بهای مضاعف و صرفه جویی در بودجه خانوار قابل تهیه نمی باشد، نیز حرام است.

شرایط تحقق احتکار نیز حاکی از گرانی و کمیابی جنس در بازار است ولی نه به درجه ای که کالا قابل خرید نباشد و یا به شدت کمیاب گشته باشد در مقایسه با شرایط عادی بازار مقدار کالا نایابتر و بهای آن گرانتر است و خریداری آن متضمن صرف نظر کردن از خرید کالا های بسیار دیگر و در نتیجه عدم تامین احتیاجات روزمره زندگی است.³

1 - التعزیر بما یری الحاکم .

2- ابو علی محمد بن احمد کاتب اسکافی معروف به ابن جنید، فقیه متکلم امامی سده ۴ هجری در اسکاف عراق تولد شد. علمای رجال و فهرست شناسان تعداد آثار او را پنجاه جلد نگاشته اند که تمام آنها از بین رفته و بیشتر آنها در زمینه فقه، اصول، کلام و علوم هدبی است: المختصر الاحمدی للفقہ المحمدی، استخراج المراد عن مختلف الخطاب، کشف الاسرار، حدائق القدس، کتاب التحریر و التقرير...و غیره میباشد. او در سال ۳۸۱ در ری گذشت.

3- حسن، علامه حلی، حسن، الرجال، ناشر: نجف، سال نشر: ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۱۵.

مبحث دوم

فلسفه و دلایل احتکار

فقهاء پیرامون فلسفه و دلایل حرمت احتکار متوجه یک سلسله مسائل بزرگی شده اند که در کل بستگی به چگونگی زندگی مردم دارد، یعنی هدف کلی از ممنوعیت احتکار در جامعه اسلامی همانا عدم آسیب رسانی به باشندگان محله میباشد که توسط تجار و بازرگانان که انصاف نداشته باشند و از مزایای اخلاقی ایمان هم با خبر نباشند صورت میگیرد، از آنجا که مسلمانان همه باهم برادر اند، و همانگونه که پذیرش ظلم و یا به دیگران ظلم کردن ناروا است، به همان پیمانها و یا بالا تر از آن از مجبوریت مردم سوء استفاده کرده نیز حرام و کار افراد خرمند نیست. بدین منظور در این مبحث به فلسفه و دلایل حرمت احتکار به تفصیل می پردازیم و آن هم قرار ذیل است:

مطلب اول - فلسفه و دلایل تحریم احتکار

میدانیم بعضی از مسایل نیاز به ذکر فلسفه ندارد، و همه مردم اعم از عامی و باسواد اجمالا فلسفه آنرا میداند، مثلا لازم نیست در باره فلسفه تحریم دزدی و دروغ و تقلب و کم فروشی به بحث بنشینیم، ولی با اینحال گاهی در همین مسایل نکته های باریکی است که اگر تجزیه و تحلیل کنیم عمق مسئله روشنتر میشود، و از جمله همین مساله احتکار است که جامعه ما تلخی آنرا چشیده و پیامد های شوم آنرا لمس کرده است، ولی با تحلیل فلسفه تحریم آن به مطالب جدیدی در این زمینه خواهیم یافت. بطور کلی احتکار یکی از زشت ترین پدیده های اقتصادی است که معایب زیر را در بر دارد:

- 1- احتکار از جهات مختلفی شبیه ربا خواری است، زیرا در ربا خواری مبینیم فلسفه پول به کلی تحریف شده بود، پولی که باید واسطه انتقال ارزش کالا ها بوده باشد، خود تبدیل به یک کالا میگردد، و نقش اصلی خود را از دست داده، در یک نقش کاذب و ویرانگر ظاهر میشود.
- 2- در مساله احتکار نیز شخص تاجر یا توزیع کننده جزء قدم از نقش اصلی خود که رساندن مواد تولیدی و فرآورده های کشاورزی و دامی و صنعتی به دست مصرف کننده است بیرون گذارده، و به یک موجود ویرانگر تبدیل میشود.
- 3- محتکر نه جزء طبقه تولید کننده است و نه توزیع کننده، او و رباخوار هر دو از " استخدام وقت " استفاده می برند، و میدانیم استخدام وقت هیچگونه ارزشی نمیتواند تولید کند.
- 4- احتکار جنگ با عواطف انسانی است، همانگونه که ربا خواری جنگ با خدا و خلق خداست، محتکر درست در زمانی که مردم از کمبود کالا رنج میبرند آنرا پنهان میکند، و منابع کلی جامعه،

مخصوصاً مستضعفان را فدای منافع خود میکند، زیرا میدانیم طبقه مرفه همواره ذخیره های در منزل دارد و به فرضی که نداشته باشد پرداختن قیمت بیشتر مشکلی برای آنها ایجاد نمیکند، این طبقه مستضعف است که ذخیره ای ندارد و حتی پرداخت یک ریال بیشتر در زندگی او اثر میگذارد.

5- محترک موجود تنبلی است که از کار نکردن سود میبرد، نه در برابر انجام کار، و این بدترین نوع سودگیری اقتصادی است.

باز محترک از این نظر باربا خواری یکسان است چرا که هر دو همچون مرداب در گوشه ای راکد میمانند، این یکی پول خود را به نزول میدهد و آن دیگری کالای خود را انبار میکند و سد انجام هر دو از این طریق انحرافی سود کلان میبرند، در حالی که هیچ تلاش و کوششی در این وسط انجام نداده اند. بنا بر این احتکار همانند رباخواری باعث مرگ نیروهای فعال جامعه است.¹

هر گاه فروشنده غله جات و سایر مواد ضروری ما یحتاج زندگی روزمره را بخاطر بلند رفتن قیمت در انبار ذخیره نموده و هنگامیکه قیمت ها بلند رفت به فروش برساند احتکار میشود. چنین عمل ظلم عام پنداشته میشود و شخص محترک مذموم و از دیدگاه شرع، گنهکار است. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (من احتکر اربعین یوما ثم تصدیق به لم تکن صدقته كفاره لاحتکاره).² کسی احتکار کند تا چهل روز، باز آن را صدقه کند، این صدقه كفاره احتکار اش نمیشود: به روایت ابن عمر (رضی الله عنه) ، از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) روایت نموده که میفرماید: (من احتکر الطعام اربعین یوما فقد بری من الله (جل جلاله) و بری الله منه.³ کسی که تا چهل روز مواد غذایی را احتکار نماید، به تحقیق این شخص بیزار از خدا (جل جلاله) است و الله بیزار از اوست به روایت حضرت علی (رضی الله عنه)، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (من احتکر الطعام اربعین یوما قسا قلبه) ⁴ شخصی احتکار کند آذوقه را تا چهل روز، قلبش سخت میشود و نیز از حضرت علی (رضی الله عنه) روایت شده که ایشان طعام ذخیره شده محترک را حریق ساختند. (انه احرق طعام المحترک بالنار) ترجمه: او سوخت مواد غذایی محترک را به آتش کسانی که از احتکار دست کشیده و توبه می نمایند. از فضیلت و برتری خاص برخوردار میشوند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (من جلب طعاما فباعه بسعر یومه فکانما تصدق به و در لفظ دومی، فکانما اعتق رقبه). کسی که طعام مردم را به قیمت روز بفروشد گویا صدقه نموده باشد و در لفظ دومی، چنانچه برده غلامی را آزاد کرده باشد.

1- درینی، دکتر محمد فتحی، بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی، ناشر: موسسه الرسال- بیروت، بدون تاریخ، ج ۱، ص ۴۵۷.
2- طبری، محمد بن جریر بن یزید ، جامع البیان فی تویل القرآن، ناشر: موسسه الرساله، سال نشر: ۲۰۱۰م ج 1 ص ۲۵۱.
3- مرجع سابق، ج ۲ ص ۶۹.
4- ابن کثیر ؛ الحافظ ابی اسماعیل القریشی، البدایة و النهایة، ناشر: دار الکتب العلمیه، سال نشر: 2002م، ج ۲ ص ۶۲ .

مطلب دوم: دلایل تحریم احتکار

1- احتکار در قرآن کریم:

علمای اهل سنت به آیه ۲۹ سوره نساء در زمینه حرمت احتکار استدلال کرده‌اند: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ } نساء 29 ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما (انجام گرفته) باشد. و بیان کرده‌اند که اکل مال به باطل عبارت است از هر روشی که مالی را به مصرفی برسانند که خدای تعالی اجازه نداده و یا از آن نهی کرده باشد، مانند دغل بازی (غش در معامله) و رشوه و قمار و احتکار¹ ولی با توجه دقیق به آیه شریفه معلوم می‌شود که این آیه در صدد بیان حرمت معاملات غیر شرعیه است و ربطی به حرمت احتکار ندارد. چون احتکار عملی است که معمولاً قبل از معامله و داد و ستد انجام می‌گیرد و محتکر برای اینکه سود بیشتری در معامله ببرد، اشیاء را احتکار و جمع آوری کرده و سپس به دلخواه خود و هر وقت که خواست، آنها را می‌فروشد. ولکن آیه شریفه به قرینه کلمه "بینکم" (که حاکی از این است که آیه شریفه از حالتی نهی می‌کند که این حالت بین بیش از یک نفر محقق می‌شود، در حالی که احتکار به وسیله یک نفر هم تحقق پیدا می‌کند).

همچنین جمله الا ان تکون تجاره عن تراض (که تجارت کردن از روی رضایت طرفین، از جمله قبلی استثناء شده است، پس جمله قبلی هم مربوط به تجارت و معامله خواهد بود) ناظر به معاملات غیر شرعی است یعنی معاملاتی که اجتماع بشری را از رسیدن به سر منزل سعادت و خوشبختی مانع بوده و او را به مهلکه فساد و تباهی سوق می‌دهد، مثل ربا و قمار و معاملات غرری و در قالب عبارت فنی و فقهی می‌توان گفت که حرف "باء" در کلمه "بالباطل" یا از برای سببیت است، یعنی اموال خود را به وسیله اسباب - عقود و ایقاعات - باطله، مثل ربا و قمار و غیره رد و بدل نکنید، چون هر چند که قمار و ربا و دیگر اسباب باطله می‌تواند پیش عرف سبب و علت انتقال بوده و عرف این چنین انتقالاتی را به رسمیت بشناسد، ولکن از دید شرعی باطل و حرام بوده و نمی‌تواند عامل انتقال اموال باشد و یا از برای مقابله: یعنی اموال خود را در موقع خرید و فروش در مقابل اشیائی که از نظر شرعی مالکیت ندارند نفروشید، مثل مشروبات الکلی و گوشت خوک و امثال اینها، چون از نظر شرعی مالکیت ندارند و نمی‌توان در ازای آنها پول پرداخت کرد، پس آیه شریفه بنابراین فرض از پرداخت پول در مقابل اشیا بی ارزش - از نظر شرعی - نهی می‌کند.

1- صالح عبدالله، محمد، کتاب احتکار یا خیانت به جامعه، ترجمه فهیم کرمانی، ج 1، ص 136

۲ - همچنان در سوره همزه پروردگار می فرماید: **{وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ}** سوره همزه، آیه ۱ و ۲. ترجمه: وای بر هر نکوهشگر عیب جوی، آنکه مالی را گرد آورده و می‌شمارد.

۳ - همچنان در سوره دیگری آمده است: **{أَلِهَاتِكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ}** سوره تکوین، آیه ۱ و ۲. ترجمه شما را فزونی جستن (در اموال و نسب) مشغول گردانید، تا اینکه قبرها را زیارت کردید (وارد قبر شدید و دستان از دنیا و زینت‌های او کوتاه شد). با مراجعه به تفاسیر مختلف و معانی لغوی کلمات آیات معلوم می‌شود که مراد از این دو آیه هم نکوهش جمع آوری و روی هم انباشتن مال و تفاخر زیادی ثروت است. لذا با این دو آیه هم نمی‌توان راجع به احکام احتکار نفی و اثباتا استدلال کرد. بعد از اینکه معلوم شد از نظر آیات قرآنی دلیلی بر حرمت احتکار نداریم به بررسی روایات در این زمینه می‌پردازیم.

2- احتکار از منظر سنت

احتکار به پیکره اقتصاد جامعه ضربه وارد کرده و نرخ کالاها را بالا برده و مردم را از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار می‌دهد. از این رو، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از این کار منع نموده و آن را گناهی بسیار عظیم معرفی فرموده و از عواقب آن، به شدت برحذر داشته‌اند. در روایتی آن حضرت می‌فرماید: **الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله. الجالب مرزوق المحتکر ملعون** آنانکه به بازار ما چیزی وارد می‌کنند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و آنکه در بازار احتکار می‌نماید، مانند کسی است که در کتاب خدا کافر به شمار می‌آید. وارد کننده روزی می‌خورد و محتکر لعنت می‌برد. در روایت دیگر آمده است: **الجالب مرزوق و المحتکر ملعون**. در این روایت آن حضرت انسان محتکر را در ردیف کفار محسوب نموده و ملعون می‌داند. و در کلامی دیگر می‌فرماید: **من احتکر الطعام اربعین یوما ثم تصدق به لم تکن صدقته کفاره الاحتکار**.¹

کسی که مواد غذایی مورد استفاده مردم را به مدت چهل روز احتکار نماید و سپس آن را صدقه دهد، کفاره گناه احتکارش نخواهد شد. در اسلام صدقه دادن از جمله کارهایی است که ثواب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است، ولی گناه احتکار مایحتاج روزمره مردم، به قدری سنگین است که اگر محتکر تمام اموال احتکار شده را در راه خدا صدقه بدهد و در بین مردم تقسیم نماید، باز هم کفاره آن نخواهد بود. آن حضرت در یکی دیگر از فرمایشات خود چنین فردی را منفور درگاه الهی بیان کرده و می‌فرماید: **من احتکر الطعام اربعین یوما فقد بری من الله و بری الله منه**.² هر کس ارزاق عمومی را به مدت چهل روز احتکار نماید،

1- محجه البیضاء، ج 3، ص 166

2- قزوینی، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 728

از خداوند بیزاری جسته و خداوند هم از وی بیزار است. و در گفتار دیگری آن حضرت این عمل را شایسته انسان‌های مومن و با وجدان ندانسته و فقط کسانی را که اهل گناه و خطا هستند، عامل این کار بیان نموده و می‌فرماید: **لا یحتکر الا خاطی**¹. دست به احتکار نمی‌زند، مگر انسان خطاکار.

از این روایت معلوم می‌شود که محتکرین انسان‌های آلوده به خطا و گناه هستند. کسانی که ایمان به خدا دارند و دارای وجدان بیداری هستند و برای افراد جامعه ارزش قائلند دست به این عمل نمی‌زنند. و در جای دیگر از امام کاظم (ع) نقل شده است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: **لئن یلقى الله العبد سارقا احب الی من ان تلقاه قد احتکر طعاما اربعین یوما** اگر خداوند بنده‌ای را در حال سرقت ملاقات کند، در نزد من محبوب‌تر است از اینکه ملاقات کند او را در حالی که آذوقه مردم را چهل روز احتکار نماید. از این فرمایش حضرت بزرگی گناه احتکار مایحتاج مردم معلوم می‌شود. گناه آن بسیار سنگین‌تر از سرقت می‌باشد، زیرا اکثر سارقان به خاطر فقر و نداری، مجبور به سرقت می‌شوند، ولی انسان محتکر با داشتن اموال و دارایی‌های فراوان به چپاول دست می‌زند و شاید بشود گفت که احتکار باعث تورم گرانی شده و گرانی باعث فقر و فقر موجب سرقت می‌شود. بنابراین محتکر هم خود به چپاول اموال مردم می‌پردازد و هم به نحوی باعث سرقت دیگران می‌شود. آن حضرت در یکی از فرمایشات خود محتکران را بندگان بسیار بدی معرفی کرده و می‌فرماید: **بنس العبد المحتکر، ان ارخص الله تعالی الاسعار حزن و ان اغلاها الله فرح** چه بد بنده‌ای است محتکر، اگر خداوند قیمت‌ها را ارزان نماید، غمگین شده و اگر گران نماید، خوشحال می‌شود. در روایت دیگری از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) نقل شده که می‌فرمود: **من احتکر علی المسلمین طعاما ضربه الله بالجذام و الافلاس**². هر کس آذوقه و مواد غذایی مسلمین را احتکار نماید، خداوند او را به مرض جذام و فقر گرفتار می‌کند. این روایت بیانگر این نکته است که نه تنها انسان محتکر در روز قیامت بایستی در مقابل خداوند پاسخگو باشد و عذاب الهی را بچشد، بلکه در همین دنیا هم خداوند او را گرفتار مرض جذام و فقر می‌نماید.

و در روایت دیگری رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: **عن جبرئیل (ع) قال اطلعت فی النار فرایت و ادیا فی جهنم یغلی، فقلت: یا مالک لمن هذا؟ فقال: لثلاثة المحتکرین و**³... جبرئیل (علیه السلام) گفت: به جهنم گذر کردم و در آن جایگاهی دیدم که بسیار وحشتناک و مخوف بود. پس به مالک آن گفتم: این جایگاه برای چه کسانی است؟ گفت: برای سه طایفه است که یکی از آنها احتکار کنندگان هستند. از این گفتار حضرت جایگاه اخروی چنین افرادی هم مشخص می‌شود و آن بدترین و وحشتناک‌ترین جای جهنم است. از پیشوای پرهیزکاران حضرت علی رضی الله نیز در نکوهش احتکار روایاتی به جای مانده است که به ذکر و بررسی آنها

1- کنز العمال، ج 4، ص 97

2- قزوینی، سنن ابن ماجه، ج 2، ص 728

3- جامع احادیث شیعه ج 23، ص 110

می‌پردازیم: **الاحتکار شیمة الفجار**¹: احتکار خوی و خصلت گنهکاران است. از آنجا که گناهکاران دارای صفات و خصلت‌های زشت و ناشایستی می‌باشند که از جمله آنها عمل احتکار و محروم نمودن مردم از نیازمندی‌های زندگی است، فلذا حضرت علی رضی الله عنه در این گفتار به بیان این حقیقت پرداخته و مردم را متوجه آن ساخته است تا از انجام چنین عمل نکوهش شده‌ای دست بردارند و در بیانی کوتاه و گویا این چنین آمده است: **الاحتکار رذیلة**².

فشرده سخن آنکه: شکی نیست که احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها شود، حرام است این جهت از نظر فلسفی و فقهی فرقی در حرمت بین مواد غذایی و یا غیر غذایی که مردم در زندگی به آن احتیاج دارند، نمی‌باشد. ولی اختلاف در کراهیت و حرمت آن صورت عدم ضرورت و احتیاج نداشتن مردم یا بودن کسی که به اندازه کافی مواد غذایی را عرضه کند، می‌باشد.

مطلب سوم: احتکار چه وقت و چگونه تحقق می‌پذیرد؟

نظر به آرا و اتفاق فقها احتکار در حالت تنگدستی (قحطی) و ضرورت صورت می‌گیرد. نه در حالت فراوانی، زیرا اکثراً در کشور های کوچک که در آمد و واردات قابل توجهی ندارند، هنگامیکه تجار، ارزاق و یا اشیاء و امتعه مورد ضرورت را از خارج کشور وارد و آن را تا مدتی حبس می‌کند تا موقع قیمت شدن و ضرورت بیشتر، آن مواد را به قیمت گزاف بفروشد که بدین وسیله مسلمانان متضرر می‌گردند، و مردم مجبور به خرید مال بهر قیمتی باشد، می‌شوند.

فقهای کرام به اتفاق هم، احتکار مواد غذایی و حیاتی انسان ها را مثل گندم، جو، جواری، برنج، انجیر، خرما، انگور، کشمش، بادام و مانند آنها را که سبب ادامه حیات و نجات انسان از مرگ و گرسنگی میشود در هر وقت مطلقاً حرام گفته اند، اما در احتکار گوشت، میوه تازه، روغن و عسل نظر معکوس دارند. همچنان احتکار نمودن غذا و علوفه حیوانات را که سبب هلاکت حیوانات می‌گردد نزد احناف شافعی و حنابله (رحمهم الله علیه) حرام گفته شده است نزد مالکی و حضرت ابی یوسف هر نوع مواد و امتعه ضروری که غیر از مواد غذایی هم باشد در صورتی که قحطی و تنگ دستی و قلت مواد مذکور باشد. حرام است خواه مواد غذایی باشد و یا سایر مایحتاج انسان از قبیل پنبه و کتان که حبس و احتکار آن سبب ضرر و زیان به انسان ها شود، مواد غذایی باشد یا البسه و یا جمع و حبس پول نقد احتکار شمرده میشود و حرام است. سبکی یکی از دانشمندان و پیروان امام شافعی (رحمة الله علیه) می‌فرماید: اگر احتکار در وقت قلت و قحطی صورت گیرد و حتی با ذخیره و انبار نمودن عسل و روغن، ضرری به جانب مسلمانان

1- مرجع سابق، ج 23، ص 110

2- ترجمه غرر الحکم، ج 1، ص 323

برسد لازم است که به حرمت احتکار قضاوت نمود و در صورتی که ضرر انبار نمودن امتعه و مواد غذایی نباشد در آن صورت احتکار مکروه پنداشته میشود.¹

مطلب چهارم - ریشه و انگیزه های احتکار:

اینک در ذیل، به ریشه و انگیزه های احتکار که در جامعه ما شناسایی و ریشه یابی شده است، اشاره میشود:

الف - در اختیار گرفتن قیمت ها:

اسلام دوست دارد که آزادی بازار محفوظ باشد به همین علت است که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) وقتی قیمت ها بالا رفت به رسول (صلی الله علیه وسلم) مردم گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شما قیمت ها را تعیین کنید.

پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (ان الله هو السعر عن انس: غلا السعر على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقالوا: يا رسوالله لو سعرت؟ فقال: ان الله هو القابض الباسط السعر، و انى لا رجو ان القى الله عزوجل و لا يطلبنى احد بمظلمة ظلمتها اباة فى دم و لا مال).² رواه الخمسه، الا نسائی، و صححه الترمذی.

ترجمه: قیمت گذار، کم و زیاده کننده نعمت و رزق تنها خداوند (جل جلاله) است من میخواهم وقتی که در قیامت محظور خدا مشرف میشوم کسی از من طلبگار خون یا مال نباشد.

رسول الله اکرم (صلی الله علیه وسلم) با این گفتار حکیمانه خود اعلام فرمودند که، دخالت در آزادی بازار مردم محدود ساختن آنان بدون ضرورت، ظلمی است که میل دارد هنگامی که در قیامت بحضور الله (جل جلاله) مشرف می شود از آن محفوظ بماند. اما قیمت گذاری مناسب، وقتی عوامل طبیعی در بازار دخالت کند و افراد سود جو به احتکار آذوقه بپردازند، و قیمت اشیاء در دست عده ای قرار گیرد، و به میل خود بازار و قیمت ها را بچرخانند و این صورت مصلحت عموم بر رعایت حفظ آزادی مقدم است و به منظور حفظ مصلحت جامعه و تامین نیاز آن و جلوگیری از سوء استفاده سود جویان و طمع کاران و قیمت گذاری و نظارت بر قیمت، جایز است. چنین دخالت در امر قیمت گذاری و تعیین آن اگر به مقصد اجرای عدالت بین مردم باشد، به نحوی که خریدار و فروشنده ملزم به انجام معامله شرعی و پرهیز از تقلب و خیانت و ربا باشد، این قیمت گذاری جایز و حتی واجب هم است. در صورتی که مردم کالا و امتعه خود را به

1 - نیشابوری، صحیح المسلم (شرح النووی) ج ۱۱، ص ۴۴.

2 — سجستانی، سنن ابوداود شماره ۳۴۵۱، ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲ ص 288. وابن حبان، وخرجه ایضا الدارمی، والبزار، وابویعلی، از ابی جحیفه همانند آن، همانگونه که طبرانی از ابن عباس همانند آن را روایت نموده اند.

صورت متعارف و بدون ظلم در اختیار مشتری قرار دهند، ولی قیمت ها به خاطر کمبود متاع و یا ازدیاد، نظر به کالا و آذوقه به قیمت معین، اجباری است ناحق و حرام اگر فروشنده مواد ضروری و اولیه و موارد نیاز مردم را احتکار نمایند تا آنرا به قیمت گزاف بفروش رساند لازم و ضروری است که وی را مجبور سازند تا آن را با قیمت متداول و نرخ مشابه روز در اختیار مردم قرار دهد، و چنین دخالت در امر قیمت الزام به رعایت عدل است و هر مسلمانی مکلف به اجرای آن است که جایز و مباح میباشد. 1

ب: انحصار طلبی دولت در بازار (احتکار دولتی)

ایجاد انحصار و رقابت ناقص از عوارض و پیامد های رقابت کامل است، زیرا ماهیت رقابت از میدان بیرون شدن ضعیفترهاست که نهایتاً به باقی ماندن قویترها منجر میشود. توجیه اقتصادی رقابت نیز همین است، زیرا کسانی که نمی توانند هزینه متوسط تولید خود را زیر قیمت بازار نگهدارند باید خارج شوند و جای خود را به کسانی بدهند که این توان را دارند. در کشور هایی که دارای نظام اقتصادی سرمایه داری هستند تجربه نشان داده است که به رغم آزادی ورود تولید کنندگان به بازار هر کالا، شکل عمومی بازار از الگوی رقابت کامل به تدریج فاصله گرفته است و به رقابت ناقص یا رقابت انحصاری و انحصار نزدیکتر شده است.

مطلب پنجم - دلایل ایجاد انحصار

- 1- شرایط طبیعی کالا، برخی کالاها شرایط طبیعی شان بگونه ای است که بصورت انحصاری تولید میگردند مثل آب، برق، گاز، راه آهن.
- 2- محدود بودن حجم بازار، به این معنی که تنها یک تولید کننده برای تامین نیاز های تقاضا کنندگان کافی باشد مانند شهرهای کوچک که وجود یک بانک، هتل و سینما نیاز اهالی را تامین میکند و ورود تولید کننده جدید موجب مازاد عرضه و در نتیجه زیان تولید کننده را در پی دارد.
- 3- کسب حقوق انحصاری، که از طریق به ثبت رسانیدن اختراعات و اکتشافات و روشهای نوین در تولید ایجاد میشود. مالکیت فکری و معنوی.
- 4- کنترل مواد اولیه، از طریق انعقاد قرارداد خرید انحصاری بعضی از مواد اولیه شرایط انحصاری برای شرکت های تولید کننده بوجود می آورد. برای مثال شرکت آلومینیوم امریکا از طریق خرید انحصاری باکسیت که تازه کشف شده بود سالها بازار انحصاری برای خود به وجود

1 - قرضاوی، دکتور یوسف، الحلال والحرام فی الاسلام، مترجم: ابوبکر حسن زاده، ناشر: احسان سال نشر: 1394م ج 1 ص 125

آورد. نفت به عنوان مواد اولیه در انحصار کشورهای عضو اپک میباشد. یا مثل اقتصاد منابع طبیعی.

5- کنترل نیروی کار، از طریق انعقاد قرارداد با اتحادیه کارگران شرایط انحصاری برای شرکت تولید کننده بوجود می آورد. اتحادیه کارگران بر اساس قرارداد مکلف میشوند که احیاناً در برابر پرداخت مزد بیشتر و یا شرایطی به نفع کارگران از معرفی آنها به شرکت های دیگر خود داری کند و در نتیجه امکان ورود به بازار را برای دیگران از بین ببرد.

6- تراست، تراست عبارت از ادغام شرکت های است که در زمین مشابه کالا تولید می کنند. شرکتهای که وارد تراست میشوند استقلال مالی و فنی و بازرگانی خود را از دست میدهند. و سهم عمده ای از بازار را در اختیار میگیرند. وظیفه اصلی تراست کنترل امور شرکتهای عضو به منظور حد اکثر سازی سود تراست میباشد.¹

این واحد بزرگ اقتصادی در کشورهای سرمایه داری در تعیین سیاستهای اقتصادی و سیاسی نقش عمده ای دارند و پیوسته عامل تسلط صنعتی، بازرگانی و نظامی بر کشورهای خارجی می باشند. نمونه آن شرکت جنرال موتور آمریکاییست که از ادغام چندین واحد اقتصادی بنام های فورد، کرایسلر و کارخانه های ذوب آهن و تهیه فولاد و موسسات لاستیک سازی بی.اف.گودریچ و جنرال تشکیل شده اند و منابع مالی آن از طریق بانکهای وابسته تامین میگردد. همچنین قبل از جنگ جهانی دوم انگلستان به کمک دو تراست نفتی خود شرکت نفت ایران و انگلیس و شرکت ورویال داچ شل فرانسه دومین تولید کننده نفت در سطح جهان محسوب میشدند. میتسوبیشی و مانیکو از تراست های است که کنترل کننده بیش از ۵۰٪ تجارت خارجی جاپان را در اختیار داشتند، بر دولت و ارتش نفوذ زیادی داشتند، وارد جنگ جهانی دوم گردید.

تداوم این روند باعث تبدیل شدن رقابت به انحصار گردید. که حتی در سال ۱۸۹۰ قانون ضد تشکیل تراست در امریکا امضا گردید، معروف به قانون ضد شرمین میباشد.

به این ترتیب روند طبیعی رقابت که منتهی به ایجاد شرایط انحصاری در بازار های نظام اقتصادی سرمایه داری شده است، موجب شده که قیمت کالا ها تامین کننده منافع عمومی نباشد، زیرا در بازار انحصاری قیمت کالا نه بر اساس حد اقل هزینه متوسط تولید، بلکه بر مبنای حد اکثر سود تولید کننده تعیین میشود، به این معنی که چون در این بازار قیمت با حجم تولید در مقادیر مختلف رابط معکوس دارد بنا بر این تولید

1 - نمازی، حسین نمازی، نظام های اقتصادی، ناشر: شرکت سهامی انتشار، سال نشر: ۱۳۸۷، ص ۴۶.

کننده حجم را در حدی انتخاب میکند که با توجه به قیمت کالا و هزینه تولید در آن حجم سود او حد اکثر شود. انتخاب حجم تولید ضرورتاً به معنی استفاده از ظرفیت تولیدی نیست، بنابر این ادعای نظام سرمایه داری که بازار بر اساس رقابت است و و منافع عمومی تامین میگردد باطل میگردد.

یکی دیگر از علل عمده که تجار دست به احتکار می زند و قیم در بازار صعود مینماید، خریداری مواد مورد نیاز است که از بازار آزاد دولت جمع و خریداری مبنماید: و به نفع دولت در گددام های دولتی ذخیره و انبار می شود، چنین امر باعث میشود دولت از زار عین و تجار به قیمت نسبتاً بالاتری خریداری نماید. مواد مذکور را بجای بازار به حکومت بفروش میرسانند در حالی که دولت قادر است تا با ادارات لوژستیک خود اجناس و ارزاق مورد ضرورت را به قیمت مناسب خریداری نماید، تا هم مشکل دولتی و نیز بازار مردمی یا بازار آزاد را مملو از مواد اولیه نماید، زیرا با وارد نمودن امتعه ضروری مثل: نفت و گاز، گندم، آرد، روغن و حبوبات در قیم بازار تاثیر وارد گردد و نرخ بازار کاهش آمده در ضرورت ازدیاد اموال و اجناس اولیه، تجار دست به احتکار نزنند. زیرا اگر در بازار فراوانی باشد بر علاوه که در قیمت ها تاثیر سوء وارد نمیشود دیگر راهی به انبار نمودن اموال توسط تجار باقی نمی ماند، تاجر متیقن میشود که اکنون هر چیزی به قدر کافی عرضه میشود، می داند که دولت مصمم است بخاطر کنترل قیم و فزونی اجناس مورد نیاز مردم تلاش میکنند تا واردات را تداوم بخشند. تجار میشود با وارد نمودن امتعه خویش آن را در بازار عرضه کند. آنجاست که دیگر راهی برای احتکار باقی نمی ماند. در صورتی که دولت ظالم شود، بر رعیت خود و آنچه را که ملت بدان محتاج اند و ضرورت دارند از بازار و مارکیت ها به قیمت گزاف خریداری نموده، در گددام های خود ذخیره و انبار نمایند، طبعاً بازار فاقد مواد شده و قیمت ها صعود مینماید، و تجار با وارد نمودن اجناس، تا یک مدت آن را در انبار های شخصی خود احتکار نموده، بافزونی قیمت، اجناس را از انبار ها بیرون و به بهای بیشتر میفروشد.

آنجاست که یک تعداد اشخاص پول دار و سرمایه دار میتوانند به هر قیمتی باشد آنرا خریداری کنند، اما شخص فقیر و کارمند دولت که با یک اندازه ناچیز امرار حیات مینمایند توان خریداری را ندارد، پس در این صورت عدالت اجتماعی و تعاون برادری و حقوق بشر دوستی و انسانیت از جامعه رخت سفر بر می بندد.

سوال اینجاست که بخاطر جلوگیری از احتکار و کنترل قیم و کاهش فقر و تامین عدالت اجتماعی، نظر به فرموده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که همه افراد جامعه را مانند دندان های شانه مساوی گفته

است¹، دولت که مسوول تامین امنیت، تامین عدالت، مدافع حقوق مردم مظلوم و جوابگوی نیاز های مردم است، باید به داد مردم برسد. هر سه قوه (اجرائیه، مقننه و قضائیه) مسولیت دارند به سهم خویش رسیده گی لازم و قانونی نمایند. 2

بخاطر جلوگیری از احتکار از تجار ملی تعهد گرفته شود تا با رسیدن مواد و امتعه تجاری شان عندالموقع اموال خود را به اسرع وقت به بازار عرضه بدارند. در صورتی که از چند قلم مواد اولیه مردم، یک قلم آن در بازار رو به کاهش برود و قیمت جنس مذکور بلند باشد، گدام ها و شرکت ها و تجار وارد کننده گان تفتیش و بررسی گردند، اموال احتکار شده یا مصادره و یا بالقوه در بازار عرضه گردد. از سوی دیگر، دولت از وضع نمودن مالیات گزاف و سر سام آور به جانب تجار که در حقیقت مردم متضرر میگردند، و تجار مجبور است پول وضع شده گمرک و مالیه را نیز بالای خرید مال، اضافه نمایند.

کابینه شورای وزیران و پارلمان کشور نیز می دانند، کشوری که چهار دهه جنگ های تحمیلی را پشت سر گذاشته و هنوز هم نا امنی ادامه دارد، زمینه کار های زیر بنایی وجود ندارد، تمامی مایحتاج مردم ما از خارج وارد مگردد، به کمک های بلاعوض کشور ها وابسته ایم، از احجار کریمه و مواد خام تحت الارض تا هنوز مستفید نشده ایم، زراعت خود کفا نداریم، روی همین ملحوظات لازم است یک مقدار پول کافی به شکل مالیات اضطرار در مالیه دولت غرض خریداری و وارد نمودن همچو اجناس ضروری و اولیه تصویب و طور امانت گذاشته شود تا در صورتی قحطی یا برودت هوا، یا حوادث ناگوار طبیعی و غیر مترقبه، که مواد کاهش و حتی به خشک سالی و قحطی روبرو می شویم ازین پول توسط یک هیئت بلند رتبه و مطمئن ایماندار، از کشور های همسایه و دوست مواد مورد نیاز خریداری و در بازار های آزاد افغانستان عرضه گردد، که این کار هم میتواند کشور را از رفتن بسوی بحران اقتصادی جلوگیری نماید و از سوی دیگر مانع احتکار و گران فروشی نیز میشود.

معاملات ربوی پول و وارد کردن امتعه بی مورد و تجملی بجای مواد ضروری و اولیه مردم، یکی دیگر از چالش های است که ضربه به اقتصاد ویران کشور می آورد. ترویج معاملات ربوی پیامد های شوم و ناگوار آن از قبیل: ایجاد نظام طبقاتی که در اثر آن فاصله بین افراد سرمایه دار و فقیر جامعه به میان می آید و بشر را آرام آرام به نابودی سوق داده و با گذشت زمان پیشرفت صنعت و تکنالوژی که باید در

1 - سبحانی، جعفر، منشور جاوید، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1371. ص 349

2 - قرضاوی، الحلال و الحرام فی الاسلام، ج 1 ص 82

خدمت انسان و انسانیت باشد، برعکس با ترویج سیستم ربوی زندگی را بالای طبقه نادار و فقیر تنگ تر میسازد. 1

در صورتی که فابریکات و تکنالوژی در انحصار یک عده افراد مغرور و سرکش و سرمایه دار باشد، امر طبیعی است که فقیر محروم از همه چیز است و تاجر سرمایه دار به سلیقه و خواهش اش، آنچه خواست روا می دارد. در داد و ستد نظام اقتصادی کشور، میتواند امتعه بدون کیفیت را وارد و با قیمت گزاف عرضه نماید، و خون مردم مظلوم را بمکد! همچنان بجای وارد کردن مواد اولیه و مورد نیاز مردم، بر عکس در وارد کردن اشیای قیمتی تجملی و بی مورد از جرنگانه الی اشیای تزئینی، تاجر ما با یکدیگر سبقت می نمایند، به گفته بزرگمردی: (ملت از فقر بمرد، تو جرنگانه بزنی)!

می بینیم که در کشور فقیر و در حال جنگ، رقابت در چگونگی اعمار بلند منزل ها و وارد کردن وسایط مدل جدید می باشد، در حالی که باید اینها به احداث کار خانه های تولیدی دست بزنند تا بساط بی کاری از این کشور خاتمه یابد و تعدادی صاحب لقمه نانی شوند.

مبحث سوم

بررسی موادیکه در آن احتکار میشود

یکی امر طبیعی است که مجال هر کاری فرق میکند، بناء مواردیکه در آن احتکار نیز صورت میگیرد از دیدگاه فقهای مذاهب اربعه تا حدی زیادی متفاوت است که در بخش های قبلی به جزئی به آن پرداخته شد، بناء در این بخش از مبحث به مسائل مربوط به موارد احتکار نیز می پردازیم و آنهم قرار ذیل است:

مطلب اول: احتکار در مذاهب اسلامی

خصوص موارد احتکار و اینکه چه کالاهایی مشمول احتکار می شود، بین علما اختلاف نظر وجود دارد. عده ای احتکار را محدود به آذوقه و قوت مردم می دانند و عده ای دیگر نیاز های مردمی را اعم از خوردنی و آشامیدنی و پوشیدنی، سوخت و دارو، مشمول حکم احتکار دانسته اند. به هر حال اختلاف نظر بسیاری در بین علما وجود دارد.

مطلب دوم: احتکار در مذاهب اهل سنت

درباره اینکه احتکار چه نوع کالایی ممنوع است؟ ومدت احتکار چقدر می باشد؟ اختلاف نظر وجود دارد و ما نظرات مختلف فقهای اهل سنت را در این مورد مختصراً نقل مینماییم:

1- احتکار در مذهب احناف

امام ابویوسف 1 محدث و یکی از بنیانگذاران فقه حنفی، می گوید: کل ما اضر بالعامه حبسه فهو احتکار وان كان ذهاباً او فوضه او ثوباً². ترجمه: هر چه به عموم مردم نگهداری آن ضرر برساند، احتکار است خواه طلا و نقره و خواه جامه باشد.

بابتی 3 که او نیز حنفی مذهب است می گوید: مراد از احتکار نگهداشتن قوت ها به قصد گران شدن است و او در این تعریف قوت را به خرید مقید نمی کند، بلکه اگر کسی خود محصولی که کاشته و برداشت

1- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم الانصاری مشهور به ابویوسف، و از شاگردان ابوحنیفه رح بود مجتهد محدث و قاضی القضاة بود در سال ۱۱۳ هجری در کوفه تولد شده. قاضی نامدار و از بنیانگذاران فقه حنفی و اولین فقیهی استوکه رساله ای جامع پیرامون سیاست اقتصادی بر رشته در آورده است. و در سال ۱۸۲ هجری در بغداد وفات نمود. آثار او الخراج، الرد علی سیر الاوزاعی، اختلاف ابی حنیفه و ابن ابی لیلی، الاثار... میباشد، (خطیب بغداد، تاریخ بغداد، ج ۱۶، ص ۳۲۷).

2- شوکانی، فتح القدیر، (بشرح صحیح البخاری)، ناشر: دارالدیان للتراث، - قاهره، سال نشر: ۱۴۰۷، ج 10 ص 58.

3- بابتی، اکمل الدین محمد بن محمد بن محمود، دانشمند حنفی مذهب در قرن هشتم است. در بابت از شهر های ارزروم به دنیا آمد و در همانجا به تحصیل پرداخت. بابتی در ماه رمضان در سال ۷۸۶ در گذشت. آثار او التقریر، شرح بر اصول بزودی، الصدفة الملیه، شرح بر الفیه ابن معطی در نحو؛ عقیدت الطوسی، شرح بر تجرید الکلام، شرح بر مختصر المنتهی ابن حاجب در اصول، شرح بر الفقه الاکبر منسوب به ابوحنیفه در کلام... میباشد. (زرکلی، الاعلام، ج ۷، ص ۴۲).

کرده‌دهنده قصد گران شدن نگهداری کند محترک محسوب می‌شود¹ در صورتیکه در تعریفی که حصکفی از شرنبلالی نقل کرده چنین آمده است: ان الاحتکار شرعا" اشترالطعام ونحوه وحبسه الی الغلا اربعین یوما" ترجمه: احتکار مطابق شرع خرید غذا و نگهداشتن آن به مدت چهل یوم را گویند⁴.

در این تعریف "اشترالطعام ونحوه" (خرید خوراک وامثال آن) آمده در صورتیکه در تعریف "بابرتی" (صاحب کتاب، العنایه) نه کلمه خرید بکار رفته و نه امثال آن.

موصلی² که او نیز حنفی مذهب است در تعریف احتکار گفته است احتکار عبارت است از اینکه شخص طعامی را از شهری یا جائی بخرد و به شهری ببرد و نگهدارد تا زمانیکه گران شود.

وکاسانی که او نیز حنفی است تعریف بالا را اصلاح کرده و به جای "الی وقت الغلا" تا زمان گران شدن" گفته است ان یکسون ذلک یضر بالناس: یعنی: این کار به مردم زیان برساند. 3

چه نتایجی بر نظرات فقها حنفی بار است؟

هر یک از نظراتیکه درباره احتکار از علمای مذهب حنفی نقل شد، در مجازات محترک یا غیر مقصر بودن او و در نتیجه رهائی وی از مجازات موثر است که با اختصار بشرح آنها می‌پردازیم:

بنابراین نظریکه حصکفی از شرنبلالیه نقل کرده خرید خوراک وامثال آن به مدت (40) روز احتکار محسوب می‌شود.

پس اگر کالائی طعام نباشد به هر مدتی احتکار شود، جرم محسوب نمی‌گردد و محترک مستحق مجازات نیست همچنین اگر طعام و نظایر آن به مدت کمتر از چهل روز نگهداری شود محترک مسئول نمی‌باشد.

ومطابق فتوای که گفته اند قوت بشر و بهائم را احتکار کردن مکروه است. از حرمت این گناه کاسته اند زیرا همانطور که قبلاً" دیدیم رسول الله محترک را مانند کافر خوانده و خواهیم دید که حضرتش محترک را

ملعون نامیده است. بنابراین احتکار گناه بزرگی است و فعل حرام را مکروه معرفی کردن از میزان زشتی کار می‌کاهد و صاحبان کالا را به احتکار ترغیب و تشویق می‌کند. 4.

4- بابرتی، محمد بن محمد بن محمود اکمل الدین ابو عبدالله ابن الشیخ شمس الدین بابرتی، العنایه شرح الهدایه، ج ۱۰، ص ۵۸.

1- احمد بن علی بن منتهی تمیمی معروف به ابویعلی موصلی از محدثان حنفی موصول بود. در سوم شوال سال ۲۱۰ق در خانواده ای سرشناس و اهل علم در موصل زاده شد. ابویعلی تا اواسط سال ۳۰۷ هجری زنده بود و به قول ابو حسیب بن منادی در چهاردهم جمادی الاول آن سال در ۹۷ سالگی از دنیا رفت. مهم ترین اثر او مسند است که در بردارنده ۷۵۵۵ حدیث است. اثر دیگر او المعجم است که نام ۲۸۵ نفر از بزرگان دین را به ترتیب الفبا ذکر میکند. آثار دیگر او حدیث محمد بن بشار عن شیوخه و المفارید است. (سیر العلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۱۷۴)

2- کاسانی، بدائع صنائع، ج ۵، ص ۱۲۶

3- میدانی، عبدالغنی الغنیمی الدمشقی، اللباب فی شرح الکتاب، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، ناشر: مکتبه العلمیه بیروت، سال نشر: ۲۰۱۰م.

ابویوسف حبس همه اشیا حتی طلا و نقره را احتکار می داند در صورتیکه طبق آیه ۳۴ سوره توبه که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) سوره توبه 34 ترجمه: کسانی که طلا و نقره را گنج کرده و در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذاب دردناک بشارتشان ده. اندوختن طلا و نقره، کنز (گنج) است نه احتکار و گنج کردن طلا و نقره حکم خاص خود دارد و در زمره احتکار در نمی آید.

از طرف دیگر طبق فتوای ابویوسف جمع کردن هر چیزی سبب مجازات جمع کننده می شود در حالی که برای نگهداری اجناس مدت هم تعیین نکرده است. 1. مطابق نظر "بابرتی" فقط حبس و نگهداری ارزاق احتکار محسوب می شود پس او با وجودیکه حنفی مذهب است، با دیگران اختلاف نظر دارد و بدیهی است مطابق این فتوا، میزان احتکار محدود و مصادیق محتکر کمتر می شود. 2.

"موصلی" عقیده دارد خرید طعام از شهری یا مکانی و نقل آن به جای دیگر و نگهداری آن تا زمانی که گران شود، احتکار محسوب است، پس اگر کسی خوراکیها را خریده باشد، مثلاً "خود به وسیله کشت بدست آورده و یا به او ارث رسیده باشد یا به وسیله هبه مالک گشته باشد و یا از جایی به جایی منتقل نکرده باشد محتکر شناخته نمی شود. پس مجازاتی نخواهد داشت.

کاسانی که نظر موصلی را اصلاح کرده و گفته به شرطی که به مردم عمل خریدار زیان رسانیده باشد، زیاد مشکل را حل نمی کند، زیرا هنوز اشکال خرید طعام و انتقال از محلی به شهر دیگر باقی است. 3.

2- احتکار در مذهب مالکی

پیروان مالک بن انس بروایت سخنون 4 که او از مالک شنیده است، استناد می کنند و سخن مالک این است: احتکار در هر چیزی است که در بازار می باشد از قبیل طعام، روغن، کتان، پشم و تمام اشیا و هر چیزی

1- زلیعی، فخرالدین، تبیین الحقائق شرح کنز دقائق و بهامشه حاشیه الشلبی، ناشر: مطبعه الامیریه الکبری، بولاق - مصر، سال نشر: ۱۳۱۴ هـ، ج ۶، ص ۲۸.

2- بابرتی، محمد بن محمد بن محمود، العناية شرح الهدایة، ناشر: دارالفکر، سال نشر: 2001 م، ج ۱۰، ص ۵۹.

3- کاسانی، بدائع صنائع، ج ۵، ص ۱۲۵.

4- محمد بن عبدالسلام، محمد بن سخنون بن سعید بن حبیب تنوخی قیروانی مشهور به ابن سخنون در سال ۱۹۸ هجری در قیروان تونس، به دنیا آمد و در سال ۲۴۹ هجری در منطقه ساحل از دنیا رفت. قیروان در زمان ابن سخنون، مرکز دانش های اسلامی در شمال افریقا بود. ابن سخنون در حوزه های اصول دین، فقه، تاریخ، سیره، و آموزش و پرورش النوازل که ابن خیر آن را به عنوان نوازل الصلاه من دیوان محمد بن سخنون معرفی کرده است و نسخه ای از آن در کتابخانه ای کتانی رباط وجود دارد. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۶۰).

که به بازار زیان بیشتر برساند، و هر چیزی از این قبیل را که محترک جمع کند ممنوع است همچنانکه احتکار دانه ممنوع می باشد. 1

به طوریکه مشاهده می شود این فتوا مطابق فتوای بویوسف شاگرد ابوحنیفه می باشد؛ که حبس هر چیزی را احتکار می شمارد. 2

3- احتکار در مذهب شافعی

رملی که پیرو مذهب شافعی است، چنین بیان می دارد: احتکار عبارت است از خریدن قوت (غذا) در وقت گرانی برای اینکه بعد آنرا به قیمت بیشتر بفروشد و از این طریق تنگنا ایجاد کند. مطابق این تعریف اگر کسی در وقت ارزانی قوت مردم را بخرد و انبار کند تا وقتی که گران شد، بفروشد محترک نیست.

عرفه الرملی الشافعی بقوله: انه اشترا القوت وقت الغل ليمسكه ويبيعه بعد ذلك باكثر من ثمنه للتضييق. 3 ترجمه: خرید غذا و طعام در هنگام برداشته و نگهداری آن جهت به فروش رسانیدن به قیمت بلند تر در زمان تنگدستی).

4- احتکار در مذهب حنبلی

ابن قدامه که حنبلی مذهب است، در کتاب المغنی گفته است احتکاری که حرام است، باید دارای سه شرط باشد:

1- اینکه خریداری شود.

2- اینکه کالای خریداری شده "قوت" باشد.

3- خرید آن بر مردم تنگ شود. 4

توضیح: به طوریکه مشاهده می شود، این فتوی مطابق نظرات بعضی از فقهای حنفی مذهب می باشد.

مطلب سوم - احتکار در مذهب ظاهریه

ابن حزم که ظاهری مذهب است در تعریف احتکار گفته است: احتکاری که به مردم زیان برساند، حرام است. خواه به وسیله خرید باشد خواه نگهداری و محترک در زمان ارزانی گناهکار نیست. 5

5- المنتقی علی الموطأ ج 5، ص 15.

6- زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3 ص 1879

1- رملی، نهایه المحتاج الی شرح المنهاج، ج 3، ص 75

2- ابن قدامه، المغنی، ج 4، ص 220

3- ابن حزم، المحلی بالاثار، ج 9، ص 77

توضیح- این نظر شبیه فتوای ابویوسف است که حنفی می باشد و احتکار را هم به طعام وقوت منحصر نکرده است.

مطلب چهارم : احتکار در مذهب امامیه

از نظر آیات قرآنی دلیلی بر حرمت احتکار نیست، از این رو فقهای امامیه، و اهل سنت، در مقام استدلال بر حرمت آن هیچ گاه به به قرآن مجید استناد نکرده اند. اصولاً در باره حرمت احتکار می باید به بررسی ادله دیگر، یعنی اخبار و اجماع و دلیل عقلی، پرداخت و در این زمینه احکام متعددی در چهار مرحله مختلف وجود دارد. این مراحل عبارتند از:

- 1- مرحله پیشگیری از بروز احتکار و دستورات و توصیه هایی که در شرع اسلام جهت سازماندهی و برنامه ریزی جهت مبارزه با اسباب احتکار صادر شده است.
- 2- این مرحله، مرحله ای است که احتکار به وجود آمده، ولی هیچ گونه نارسایی و اختلاس در نظم اقتصادی جامعه به وجود نیامده است، چرا که از جنس احتکار شده یا به حد کافی در دسترس مردم قرار دارد و یا اینکه مورد رغبت شدید مردم نیست.
- مرحوم شیخ طوسی 1 " رح " می فرماید: اگر اموال احتکار در بازار وجود داشته باشد، اشکالی ندارد که صاحب این اموال را حبس کند. 2
- و مرحوم علامه حلی 3 می فرماید: اگر اموال را برای حاجت شخصی خود، و نه برای فروش نگهدارد و یا اینکه مثل این اموال نزد اشخاص دیگر یافت شود، جمع کردن آن ممنوع نخواهد بود. 4
- 3- این مرحله، مرحله ای است که احتکار باعث کمبود مواد و بروز اختلالاتی در کار داد و ستد شود، اما نه به گونه ای که مردم و جامعه در اضطرار و زحمت زیاد بیفتند، چون هنوز جنس مذکور به کلی نایاب نشده و کم و بیش در بازار یافت می شود.

1- محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، شیخ الطایفه و شیخ، از علمای ایرانی شیعه در قرون چهارم و پنجم هجری قمری بود. وی در رمضان سال ۳۵۸ ه ق در طوس زاده شد. شیخ طوسی در دوران جوانی به درجه اجتهاد رسیده و کتاب تهذیب الاحکام را در این دوره با پیشنهاد استادش شیخ مفید تألیف کرد. او معاصر سلطان محمود غزنوی، حکومت آلبویه، شیخ صدوق، فردوسی، شیخ مفید، ابن سینا، ابوریحان بیرونی، و سید مرتضی بوده است. تعداد آثارش به ۵۱ جلد میرسد که از آن جمله است: تهذیب الاحکام، کتاب الامالی، کتاب الغیبه، التبیان فی تفسیر القرآن، المبسوط فی الفقه الامامیه، المسائل الحلیه فی الفقه، تمهید الاصول، ... میباشد. شیخ طوسی در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ درگذشت. سید محمد الامین، اعیان الشیعه، محقق: حسن الامین، ناشر: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، بدون تاریخ.

2- طوسی، کتاب النهایه، ج ۱، ص ۳۷۴

3- حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، معروف به علامه حلی یکی از نامی ترین علمای شیعه و صاحب آثاری در فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه و رجال و غیره است. علامه حلی در روز ۲۹ ماه مبارک رمضان سال ۶۴۸ هجری در شهر حله به دنیا آمد. آثارش ایضاً الاحکام، ارشاد الازدهان، قواعد الاحکام، مختلف الشیعه، تذکره الفقهاء، منتهی المطلب، نهج الحق، رجال علامه حلی، تهذیب الوصول الی علم الاصول، تلخیص الکشاف... میباشد. و در ۲۱ محرم ۷۲۶ قمری درگذشت. (طوسی، اعیان الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۳۱)

4- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، ص ۵۸۵، ناشر: المکتبه المرتضویه.

4- مرحله آخر مرحله ای است که احتکار باعث برهم خوردن وضع عادی اجتماع و اختلال نظم عمومی اقتصادی شده و مردم از به دست آوردن مایحتاج زندگی خویش عاجز شده و در عسر و حرج به سر می برند.

مطلب پنجم - احتکار در مذهب زیدیه

زیدی مذهب ها احتکار را مخصوص به غذای آدمی و چهار پایان می دانند و آنرا هم به خرید یا چیز دیگر مقید نکرده اند و گفته اند:

حرام است احتکار خوراک آدمی و چهارپایان (بهیمه) به دلیل عمومیتی که در سخن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) است که فرموده "من احتکر الطعام (ای الخبز و نحوه) یعنی هر خوراک احتکار کند که طعام هم شامل نان و نظایر آن می گردد. 1

مطابق این نظر، مدت، همچنین نگهداری خوراک به منظور گرانی شرط نشده و علاوه بر این طبق این فتوی در زمان فراوانی و ارزانی هم انبار کردن خوراک احتکار محسوب می شود. 2

مطلب ششم: آیا حرمت احتکار مختص به مواد غذایی هستند؟

احادیثی فراوانی داریم که در آنجا کلمه طعام بکار رفته ولی از باب شدت احتیاج است و هیچ دخالتی در تحقق موضوع احتکار ندارد که از باب نمونه به یکی از موارد اشاره میکنم: از رسول الله اکرم (صلی الله علیه وسلم) روایت است که فرمودند: احتکار در ده چیز است و محتکر آن ملعون است که عبارت از گندم، جو، خرما، کشمش، ذرت، روغن، عسل، پنیر، چهارمغز و زیتون. 3 چنانچه ملاحظه میشود در احادیث به برخی از مصادیق آذوقه اشاره شده ولی هیچ یک از این موارد، موضوعیت ندارد و از باب ذکر مصداق است زیرا فقها به زبان مردم خود و با توجه به زمان مثال آورده اند و ملاک، در تنگنا قرار گرفتن مردم است چه به وسیله ی احتکار مواد غذایی باشد و یا حتی پوشیدنی و دیگر اینکه اگر احتکار مختص به موارد منصوص بود در احادیث و در مصادیق، نباید این همه اختلافات مشاهده شود و این خود، بر تعمیم موضوع احتکار دلالت دارد. چون نوع مواد غذایی مورد مصرف مردم با توجه به شهر ها و مکانهای مختلف متفاوت است مصادیق احتکار نیز در هر شهر مختلف خواهد بود. مثلا در شهر های مثل کندهار، لغمان، بغلان که مواد غذایی اصلی آنها برنج میباشد، احتکار آن حرام، و در شهری دیگری که

1 - عتقی بزار، احمد بن عمرو بن عبدالخالق، البحر الزخار، ج ۳، ص ۳۲۰

2 - جمال: عبدالناصر، جمال، موسوعه الفقه الاسلامی، (المعروفه بموسوعه جمال عبدالناصر)، ناشر: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه، قاهره، ۱۴۱۱ هـ، ص ۱۹۶.

3 - حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، مستدرک حاکم، ناشر: دائره المعارف نظامیه کاتنه، هند سال نشر: 1340 هـ، ج ۲، ص ۲۱.

ماده غذایی اصلی برنج نبوده و از چیز دیگری مثل گندم به عنوان غذای اصلی روزمره استفاده میکنند احتکار گندم حرام و احتکار برنج حرام نمیشود.

پس ذکر طعام در احادیث از باب ضروری ترین نیاز های جامعه است زیرا کالایی است که مردم در همه زمان ها و مکان ها به آن محتاجند. بدون آن امرار معاش غیر ممکن است پس آنچه در تحقق احتکار دخالت دارد، نیاز و احتیاج جامعه است.

و اهل سنت نیز در برخورد با این نظریه دو دسته شده اند: گروهی اهل انحصار هستند و موارد احتکار را منحصر در منصوص دانسته اند و از آنجا به سایر موارد نظری نداده اند هر چند احادیث مطلقاً در این زمینه نیز وجود دارد ولی مطلق را بر مقید حمل نموده اند، حنفی 1 شافعی 2 و حنبلی 3 از این گروه اند.

سایر فقهای اهل سنت چون مالکیه و ظاهریه تصریح نموده اند که احتکار اختصاص به مواد غذایی ندارد و هر چه مورد نیاز مردم باشد و احتکار آن مستلزم اضرار به دیگران باشد حرام است خواه مواد غذایی باشد و یا سایر کالا های ضروری دیگر. 4 و در صحیح مسلم علت حرمت احتکار اضرار است. 5 و این معنا عام است و در غیر قوت مردم نیز تسری دارد. و دقیقاً به همین دلیل، نمک را برخی از فقها از موارد احتکار دانسته اند زیرا مردم به آن نیازمند اند هر چند در لسان احادیث وجود ندارد.

نتیجه آنکه در سایر نیازمندی های عمومی جز آذوقه مانند دارو و مواد سوختی، اگر احتکار مستلزم ضرر و سختی بر مسلمانان شود حرام است هر چند از مصادیق احتکار تعریف شده در فقه نباشد، زیرا در احادیث هر چند به آذوقه اشاره شده ولی مورد مخصص نیست و آذوقه بیان تعطیل نیست بلکه یک امرار تکازی و عقلی است پس باید القای خصوصیت شود و به تمام مواردی که برای حفظ نفوس لازم است تسری داده شود، بنا بر این به فقهای که احتکار را به مواد خاص اختصاص میدهند و به احادیث تمسک میکنند باید گفته شود که این قضایا از باب قضایای خارجی هستند نه از قضایای حقیقیه یعنی احادیث در مقام بیان واقعیت خارجی اند و وضع موجود در خارج را بیان میکنند نه آنکه بخواهند از رابطه جدا نشدنی میان موضوع و محمول صحبتی به عمل آورند.

1 - کاسانی، بدایع صنایع، ج 5، ص 129.

2 - رملی، نهاية المحتاج، ج 3 ص 455

3 - ابن قدامه، المغنی، ج 4 ص 220

4- ابن حجر الکلبی، محمد بن احمد، القوانين الفقهية فی تلخیص مذهب المالکیة والتنبیه علی مذهب الشافعیة والحنفیه والحنبلیه، محقق: محمد بن

سیدی محمد باحث بموسوعة الفقهية و عضو هیئة الفتوي به وزارة اوقاف کویت. ج 1 ص 255.

5 - نیشابوری، صحیح المسلم، ج 11، ص 44.

پس منظور احادیث این نیست که صدق احتکار در تمام زمانها و مکانها منحصر به چند چیز است. و دیگر اینکه احتکار از مسایلی است که به نظم جامعه مربوط میشود و جلوگیری از آن، از وظایف دولت است چنانکه حضرت علی (رضی الله عنه) به مالک و اگذار کرده بود پس تعیین موارد احتکار مربوط به دولت است و در زمانها و مکانهای متفاوت با توجه به شرایط موجود فرق میکند و تعیین اشیای مذکور توسط رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) بر اساس تشخیص مصالح مسلمانان در زمان صدور حکم بوده است.

مطلب هفتم: آیا در صورت حرمت احتکار، محتکر ملزم به فروش نرخ تعیین شده است؟

هرگاه دو شرط احتکار یعنی احتیاج مردم و فقدان عرضه کننده محقق شود حاکم اسلامی برای حفظ منافع مردم و مصالح جامعه، محتکر را مجبور به فروش کالاهای خود میکند. در زمان پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم)، گندم تمام شد، مسلمانان نزد او آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه وسلم)، گندم تمام شده است و فقط مقداری نزد فلانی است به او دستور ده تا آنرا به مردمان بفروشد ... پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حمد و ثنای خدا کرد. سپس فرمودند: ای فلان مسلمانان می گویند گندم در بازار نمانده است جز آن چه در نزد تو است آن را بیرون آور و چنانکه خواهی بفروش، و حبس و احتکار مکن. (نقدالطعام علی عهد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فاتاه المسلمون فقالوا: یا رسول الله قد نفذ الطعام و لم یبق منه شی الا عند فلان، فمره ببیعه الناس. قال فحمد الله و اثنی علیه، ثم قال: یا فلان! إن المسلمین ذکروا أن الطعام قد نفذ الا شیئا عندک فاخرجه و بعه کیف شئت و لا تحبسه)¹. سیرت رسول الله حجت است و عمل رسول الله به این معناست که کالاها در معرض رویت مردم قرار گیرد تا خریداران برای اکتیاع آماده شوند فقها معتقد اند که الزام به فروش در مورد محتکر اجماعی است و خلاقی در آن نیست حتی کسانی که معتقدند احتکار کراهت دارد نه حرمت. البته در احادیث سخنی در مورد تعیین نرخ نداریم و محتکر خود آزادانه میفروشد ولی چنانچه اجحاف کند او را به فروش کالا با قیمت عرفی مجبور میکنند. روشن میشود که همان دلیل حرمت احتکار و نیز الزام به فروش، تعیین نرخ را برای جنس احتکار شده لازم و ضروری میکند و تعیین نرخ و عدم آن دائر مدار اجحاف (کار را بر کسی تنگ گرفتن) و عدم آن است. البته در پاره یی موارد، حتی در صورت عدم اجحاف، گاهی تعیین قیمت از طرف حکومت به عنوان عقوبت و کیفر دادن به محتکر انجام میشود که در این صورت نه باید از حد شرعی تجاوز کند.

1 - کافی، ج 5، ص 164.

تمام این مباحث در صورتی است که مردم به مال مورد احتکار محتاج باشند و در غیر این صورت رقابت آزاد و سالم در تجارت اسلامی حکم میکند و مردم مختار اموال خود میباشند و کسی حق تعیین نرخ مال آنرا ندارد.

حنفی ها معتقد اند که به منظور رفع ظلم، محترک را مجبور به فروش مازاد (نسبت به قوت خود و خانواده اش) میکنند و در صورت امتناع، امام او را نخست موعظه و سپس تهدید میکند و با فرض اصرار بر احتکار، حبس و تعزیر میشود.¹

و در صحیح مسلم گفته شده که در این صورت نیاز مردم به طعام احتکار شده و به منظور دفع ظلم، مجبور به فروش میشود.²

و حنابله معتقدند که محترک باید طعام احتکار شده را به قیمت مثل بفروشد و در غیر آن، از او میگیرند³
مطلب هشتم: آیا موضوع احتکار منوط (وابسته) به خریدن است؟

برای تحقق احتکار، آیا کالا باید خریداری شود و سپس به امید گران شدن، ذخیره گردد و یا اینکه چیزی هبه شود و یا محصول زمین انسان و یا به طریقی غیر از خریدن چون ارث، به مالکیت مالک در آمده است احتکار صادق است؟

گروهی از فقها چون مالک و اوزاعی⁴ تحقق احتکار را مشروط به بیع دانسته اند دلیل آنها روایتی است که گفته شد زیرا در روایت آمده (طعامی را بخرد و آن را نگه دارد تا گران شود) و سایر مطلقات با اینگونه روایات مقید میشود. عبارات فقها در مورد شرط بیع مختلف است. در موضوعه فقه اسلامی در تعریف احتکار چنین آمده است (ان الاحتکار شرعا اشتراء الطعام و نحوه و حبسه الی الغلا اربعین یوما).⁵ حنفی ها⁶ و شافعی و حنبلی رحمهم الله در عبارات خود کلمه ابتیاع (خریداری) را آورده اند مالکیه در تعریف احتکار از این کلمه استفاده نکرده و زیدیه تصریح کرده اند که احتکار بدون خریدن نیز تحقق می

2- جمال، موسوعه الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۹۷ - ۱۹۸.

1- نیشاپوری، صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۴۳.

2- ابن قدامه، المغنی، ج ۴، ص ۲۲۰.

3- ابو عمرو عبدالرحمن بن عمرو، مشهور به اوزاعی، فقیه، محدث و نامدار شام و پیشوای یکی از مذاهب باندۀ فقهی که چندی در شام و اندلس پیروانی یافت. مولد اوزاعی در شهر بعلبک دانسته اند، انتساب او به اوزاعی فقط به سبب اقامتش در محله اوزاع در حومه دمشق بوده است. اوزاعی یکی از نخستین کسانی است که به تدوین حدیث و فقه پرداخت؛ چنانکه حدود سال ۱۰۰ ق در یمامه به تدوین احادیثی که از استاد خود یحیی بن ابی کثیر شنیده بود، پرداخت و آن را در چندین جزء مکتوب ساخت. و کتابهای السنن فی الفقه و المسائل فی الفقه را پدید آورد. ازون بر این، باید به ردیه ای از اوزاعی اشاره کرد که در آن دیدگاه های ابوحنیفه در باب سیر را نقد کرده بوده است. (بهوتی، تاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۲۶ - ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۱۰۸)

4- جمال، موسوعه الفقه الاسلامی ج ۳، ص ۱۹۷.

6- کاسانی، بدایع صنایع، ج ۵ ص ۱۲۹

یابد و اباضیه¹ تصریح کرده اند که بدست آوردن آنوقه از راهی جز خرید، مانند دین یا ارش یا اجرت یا ارث یا هبه احتکار نیست. ولی دلیل آنها روایاتی چون مرفوعه عمر (رضی الله عنه) و ابوهریره است که سخنی از بیع به میان نرفته است.² و نیز در صحیح مسلم، به علت حرمت احتکار اشاره شد و آن دفع ضرر از مردم است.³ و این علت هم با ابتیاع محقق میشود و هم با سایر اسباب تملک.

فقهای امامیه چون شیخ انصاری⁴ معتقد است چون بیع موضوعیت ندارد و به طریقی از اسباب ناقله در تملک انسان قرار گیرد احتکار محقق میشود.⁵

بطور مثال هدف اصلی احتکار برای فروشندگان، منفعت طلبی از تمایل و شتابی است که خریداران در اثر باور کردن کمیابی کالا از خود نشان داده و به ذخیره سازی و نگهداری کالا میپردازد. موضوع جرم احتکار، ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی افراد جامعه است. مقنن به تاسی از نظر فقهای معاصر قائل به تفکیک شده و ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم را شامل گندم، جو، برنج، روغن، حیوانی و نباتی دانسته و کسانی را که اقدام به جمع و نگهداری آنها به قصد افزایش قیمت نمائند محکوم می‌شوند. و اگر کالاهای دیگر غیر از پنج مورد مذکور را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش بر مردم و یا خود داری از فروش به دولت، پس از اعلام نیاز دولت حبس و اموالک نماید در حکم محکوم محسوب و ازین حیث به مجازات محکوم معلوم خواهد شد در نتیجه ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه هر نوع کالائی است برای مصرف افراد جامعه ضرورت دارند.⁶

7- اباضیه یا اباضی گری یکی از مذاهب اسلام است که از جریان خوارج نشات گرفته است. این فرقه از کهن ترین مذاهب اسلامی است و تنها گروه باقی مانده از خوارج است. نام این مکتب از نام عبدالله بن اباض تمیمی نخستین پیشوای آن گرفته شده است. اباضیه که هم از تسنن و هم از تشیع جداست هر چند از نظر شمار پیروان در مقایسه با سنیان و شیعیان گروه کوچکی به حساب می آید، اما از نظر تاریخی جریانی بسیار مهم است. امروزه اباضیان بیشتر در شمال آفریقا، شرق آفریقا (به ویژه جزیره زنگبار) و عمان سکونت دارند. عمان تنها کشور مسلمانی است که کیش اباضی در آن مذهب اکثریت است. جمعیت اباضیه در کشور تانزانیا به پنجاه هزار نفر است. اباضیه مذهب خود را الدعوه، مذهب الحق، فرقه المحقه و فرقه الناجیه میخوانند و آن را کهن ترین مذهب اسلامی، نزدیکترین مذهب به عصر نبوت و نزدیکترین مذهب به روح اسلام میدانند. اباضیه میان روتر از دیگر گروه های خوارج به شمار میروند و به همین جهت نزدیکترین گروه خوارج به اهل سنت بشمار میروند. آنان بر این عقیده اند که نمیتوان به کسی مومن یا کافر گفت، چرا که وحی منقطع شد؛ و ابوبکر و عمر از دنیا رفت اند و امروز کسی نیست که حقایق را بیان کند و کافر را از مومن تمیز کند. بدان جهت ما به کسی نمی گوئیم که او مومن است یا کافر. اباضیان انتساب خود را به خوارج انکار کرده و مورخین برجسته اباضی همچون برادی در جواهر المنتقات و شماخی در کتاب السیر، تاریخ پیدایش این فرقه را به زمان خلافت عثمانی می‌رسانند.

1 - عسقلانی، فتح الباری، ج ۴، ص ۴۰۸.

2 - نیشابوری، صحیح المسلم، ج ۱۱، ص ۴۳.

3 - مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری از فقیهان بزرگ شیعه در قرن سیزدهم قمری میباشد. وی در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۲۱۴ ه ق در دزفول بدنیا آمد نسب او به جابر بن عبدالله انصاری از صحابه رسول الله ص میرسد. در ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۸۱ق در نجف در گذشت. شیخ انصاری را خاتم الفقهاء و المجتهدین لقب داده اند. آثار زیادی به جا مانده است. عبارت از رساله های در قطع و جزم، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، فرائد الاصول، حاشیه بر مبحث استصحاب، التعادل و التراجیح.... و غیره میباشد. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ج ۱ ص ۷۷. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ج ۲، ص ۸۵.

4 - انصاری، مرتضی، محمد امین انصاری، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ناشر: فارس الحجاز، سال نشر: ۱۳۸۴ ه، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

5 - محقق داماد، سید مصطفی، تحلیل و بررسی های احتکار از نظرگاه فقه اسلام، ص ۵۶.

مبحث چهارم

شرایط احتکار

بدون شک تعداد زیادی از مسائل فقهی شرایط و احکام خود را دارد، من جمله احتکار نیز شرایط خود را دارد و آنهم قرار ذیل است:

مطلب اول: شرایط احتکار:

با توجه به روایات وارده در باب احتکار، فقها شش شرط را برای صدق عنوان احتکار حرام یا مکروه ذکر کرده اند، بیشتر از این شروط بین همه ی فقهاء اتفاقی است اما در بعضی اتفاق نظر نیست. 1.

1- نیاز و احتیاج مردم.

2- فقدان فروش یا بذل کننده دیگر به حد کافی.

3- حبس طعام

4- طلب زیادت در نرخ.

5- حبس آن به نیت بالا رفتن قیمت ها.

6- قید زمان.

اما در شرط نیاز و احتیاج مردم مورد اتفاق همه ی فقهاء است. در خصوص شرایط پیدایش احتکار، از دو امر نام برده شده است، یکی وجود نیاز و اضطرار و دیگر فقدان عرضه کننده. اگر کالا مورد نیاز نباشد، حبس آن کالا احتکار محسوب نمیشود همچنین اگر کالا در فصل خاصی ضروری و مورد نیاز باشد، حبسش در غیر فصل مصرفی آن احتکار به شمار نمی آید از سوی دیگر، اگر کالای ضروری توسط عرضه کننده گان متعددی ارایه و وارد بازار گردد، حبس آن کالا توسط یکی از عرضه کنندگان به نحوی که موجبات کمبود کالا را فراهم نیاورد، احتکار محسوب نمیشود. 2 از این رو، میتوان از عدم وجود یک شبکه صحیح و سالم توزیع کالا (نداشتن قابلیت جانشینی کالا) وقوع حوادث از قبیل خشکسالی زلزله و غیره. و توزیع غیر عادلانه در آمد، ضعف ایمان و عدم اعتقاد به مبانی اخلاقی و دینی عده ای از فروشندگان، کم بودن تعداد تولید کننده گان و فروشندگان و زیاد بودن تعداد مصرف کننده گان به عنوان شرایط زمینه ساز برای ایجاد احکار نام برد. اسلام با تحریم احتکار در واقع با انحصار مقابله میکند و از تشکیل اتحادیه هایی مثل کارتل و تراست ممانعت به عمل می آورد. و با توجه به این نکته که در بازار های رقابتی تعداد فروشندگان به قدر زیاد است که احتکار بخشی کوچکی از انبار کالا توسط یکی از عرضه

1 - کاسانی، بدائع صنائع فی ترتیب شرائع، ج 5، ص 129.

2 - حریری، اسلام و نظام اقتصادی، ج 1، ص 238.

کننده گان تأثیری بر روی جریان توزیع آن نخواهد گذاشت و در انحصار نیز به مقداری که عرضه نهایی برابر با درآمد نهایی باشد، کالا عرضه و به فروش میرسد و کمتر یا بیشتر از این مقدار تولید نمیشود، میتوان چنین نتیجه گیری کرد که فقط در بازار های میانه یعنی بازار های که نه ساخت رقابتی دارند و نه انحصاری یگانه یا چند گانه، ممکن است کالا احتکار شود.¹ به عبارت دیگر، محتکر تلاش میکند کالای خود را موقعی به فروش رساند که در آمد نهایی حاصل از مقدار سابق فروش آن افزایش پیدا کرده و از هزینه نهایی نگه داری کالای موجود نیز تجاوز نکند.

مطلب دوم: انواع احتکار:

برای احتکار انواع و اقسامی ذکر شده است که به صورت ذیل به آن میپردازیم:

- 1- حبسی که موجب نبود یا کمبود کالا در بازار شود و در اثر آن مردم به تنگنا و سختی می افتند.
- 2- حبسی که به موجب آن قیمت بازار افزایش می یابد، ولی مردم در تنگنا و سختی نخواهند افتاد.
- 3- حبس کالا به منظور جلوگیری از رکود و کساد در بازار و ایجاد رونق.
- 4- حبسی که مصرف کننده گان، و نه عرضه کننده گان، برای ذخیره سازی قوت سالانه، و نه تجارت انجام میدهند.

برخی نکات و روابط در ارتباط با احتکار نشان میدهند که احتکار در موقع فراوانی چهل روز است و در هنگام سختی سه روز، بنا بر این، اگر کسی در زمان فراوانی، کالایی را بیش از چهل روز نگهدارد و به مردم عرضه نکند، ملعون است و نیز کسی در مواقع سختی و قحطی کالایی را بیش از سه روز نگهدارد، ملعون است. نکته دوم در خصوص رابط احتکار با باز دهی مقیاس به تولید میباشد. نظر بر آنست که چنانچه باز دهی به مقیاس تولید در بازار کالایی ثابت باشد، احتمال بروز اقدامات احتکار جویانه یا انحصار طلبانه با فرض ثبات نسبت قیمتها بسیار بعید میباشد در حالیکه اگر فرآیند عرضه کالا از این ویژگی برخوردار باشند که مقیاس عرضه دارای باز دهی فزاینده باشد، خطر انحصاری گشتن بازار کالا متحمل خواهد بود. بالاخره نکته سوم عبارت از آنست که در ارتباط احتکار با دوره زندگی کالا، گفته شده است که شرح دوره زندگی یک کالا به خوبی نشان میدهد که مجال احتکار در طول مرحله ای سوم زندگی کالا یا در دوره توسعه و گسترش آن پدید می آید، طی مرحله ای اخیر، تقاضا برای کالا در حال افزایش است و عرضه کنندگان جدیدی وارد بازار میشوند. اگر فرآیند یک روند تکاملی را طی کند به یک حالت رقابت کامل و آزاد میرسد ولی تا قبل از رسیدن به حالت اخیر، زمینه برای احتکار کالا در بازار فراهم میباشد.

1 - صدر، کاظم، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، سال نشر: ۱۳۶۲، ج 1، ص ۷۳.

حال اگر طی این مرحله، ایجاد عدم اعتماد توسط عرضه کننده موجب شود که مصرف کننده تصور نماید کالا در آینده به دستش نخواهد رسید یا حداقل با دشواری بیشتری برای تهیه روبرو خواهد گشت و لذا به مقادیر بیشتری از کالا روی آورد، پیدایش چنین پنداری در مصرف کننده گان بهترین زمینه ساز اقدامات احتکار آمیز فروشندگان است اما در مراحل دیگر زندگی کالا، مجال احتکار ناچیز است. 1

1 - مرجع سابق، ج 1، ص 52.

مبحث پنجم

نگهداشت مواد برای تنظیم جریانات اقتصادی احتکار پنداشته میشود یا خیر؟

اهل سنت و جماعت از این آیه قرآنی استدلال می نمایند که: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ) نساء 29 ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و سندی با تراضی یکدیگر از شما (انجام گرفته) باشد.

استدلال به حرمت احتکار می نمایند و بیان کرده اند که اکل مال به باطل عبارت است از هر روشی که مالی را به مصرفی برسانند که خدای تعالی اجازه نداده و یا از آن نهی کرده باشد، مانند دغل بازی (غش در معامله) و رشوه و قمار و احتکار اولی با توجه دقیق به آیه شریفه معلوم می شود که این آیه درصدد بیان حرمت معاملات غیر شرعیه است و ربطی به حرمت احتکار ندارد.

همچنان به آیه دیگری آمده است: (وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ) سوره همزه، آیه 2. وای بر هر نکوهشگر عیب جوی، آنکه مالی را گرد آورده و می شمارد.

۳ - همانگونه که در آیه دیگری آمده است: (أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) سوره تکاثر، آیه 2. شما را فزونی جستن (در اموال و نسب) مشغول گردانید، تا اینکه قبرها را زیارت کردید (وارد قبر شدید و دستان از دنیا و زینت های او کوتاه شد.) با مراجعه به تفاسیر مختلف و معانی لغوی کلمات آیات معلوم می شود که مراد از این دو آیه هم نکوهش جمع آوری و روی هم انباشتن مال و تفاخر زیادی ثروت است. لذا با این دو آیه هم نمی توان راجع به احکام احتکار نفی و اثباتا استدلال کرد. بعد از اینکه معلوم شد از نظر آیات قرآنی دلیلی بر حرمت احتکار نداریم به بررسی روایات در این زمینه می پردازیم.

روایات: روایات زیادی در رابطه به منع احتکار وجود دارد که رسول الله ص فرموده اند: من احتکر الطعام اربعین یوما ثم تصدق به لم تکن صدقته كفاره الاحتکار. کسی که مواد غذایی مورد استفاده مردم را به مدت چهل روز احتکار نماید و سپس آن را صدقه دهد، كفاره گناه احتکارش نخواهد شد. و همچنان می فرماید: لا یحتکر الا خاطی. 3 دست به احتکار نمی زند، مگر انسان خطاکار. از این روایت

1 - خمینی، سید روح الله؛ کتاب البیع، ج 3، ص 415.

2 - خونی، سید ابوالقاسم؛ التفتیح فی شرح المکاسب، مقرر: میرزا علی غروی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخونی، سال نشر: 1425 هـ. ج 2، ص 512.

3 - مرجع سابق، ج 2، ص 513.

معلوم می‌شود که محکمرین انسان‌های آلوده به خطا و گناه هستند. کسانی که ایمان به خدا دارند و دارای وجدان بیداری هستند و برای افراد جامعه ارزش قائلند دست به این عمل نمی‌زنند.

اما سوال اینجاست که احتکار در هر شرایطی حرام است یا در حالات خاص به و به منظور تنظیم جریانات اقتصادی می‌توان مواد را احتکار نمود که در این امور باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام ایجاد بازار سیاه است به گونه‌ای که موجب تضییق و دشواری مردم مسلمان فراهم گردد و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب تضییع و اتلاف ما گردد، نه تنها حرام نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است. مثلاً در هنگام بدست آمدن میوه در اواخر تابستان، اگر باغداران محصول خویش را یکباره به بازار عرضه کنند، از آنجا که در آن فصل عوامل عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارد، این عمل نتیجه‌ای جز ضایع شدن و از بین رفتن محصولات نخواهد داشت و عواقب سوء اقتصادی دیگری نیز پیامد آن خواهد بود زیرا به علت ضرر و زیانی که فروشندگان، به خاطر فروش جنس خود به بهای ارزان، متحمل می‌شوند توازن اقتصادی نیز آشفته می‌گردد. در حالی که اگر در همان ایام به مقدار مایحتاج عمومی و فروش به نرخ عادلانه، متناسب با قیمت تمام شده و سود منصفانه، دسترنج خویش را به بازار عرضه کنند و بقیه محصول به نحو صحیح، از جمله نگهداری در سردخانه انبار گردد و به تدریج به موازات مصرف توزیع شود، عملی خردمندانه خواهد بود.

همان‌گونه که تا اکنون ملاحظه کردیم، ملاک حرمت احتکار بیشتر نیاز شدید جامعه به اصطلاح عسر و حرج مردم و ضرر و زیانی است که از طریق نگهداشت کالا به مردم تحمیل می‌شود. در حقیقت تعادل عرضه و تقاضا با حبس کردن ما یحتاج جامعه برهم می‌خورد و محتکر با درک شرایط سخت مصرف‌کننده گان و نیازمندان، کالای مورد نیاز را که کمبود شدید آن احساس می‌شود، روزها و ماهها به بازار عرضه نمی‌کند، تا از این طریق یعنی از طریق افزایش تقاضا و گاه ایجاد تقاضای کاذب و در مضیقه گذاشتن جامعه، قیمت را به حدوده غیر متعارف و غیر عادلانه‌ای، بالا می‌برد. اما روشن است که نگهداری کالا همواره ممنوع نیست، بلکه گاهی، نگهداری کالاها برای حفظ نظام اقتصادی و همچنین مصالح مصرف‌کننده گان ضرورت می‌یابد.

هم اکنون نیز می‌بینیم که در اکثر موارد اگر دولت یا بعضی از موسسات کالاها را در وقت فراوانی و وسع خریداری و نگهداری نکنند، قطعاً در فصولی که فصل تولید و عرضه مستقیم کالا نیست، نیاز مردم به اوج میرسد و نظم اقتصادی و تعادل عرضه و تقاضا به هم می‌خورد. گاهی نیز نگهداری کالا برای نیاز خود تولیدکننده، اعم از مصرف خانواده یا تاملی بذر برای کشت سال بعد است که در این موارد انبار کردن منعی ندارد.

متاسفانه، آنچه در وضع فعلی دیده میشود و بسیار اثرات زیان بار دارد. این واقعیت تلخ است که در غالب موارد، این تولید کننده نیست که بهره زحمات طاقت فرسای تولید خود را به دست می آورد، بلکه منافع زحمات و تلاشهای او به جیب واسطه ها و خریدارانی که به اصطلاح سلف هستند و فی المثل، محصولات بالقوه کشاورزان را با ثمن پیش خرید میکنند و با استفاده از نیاز کشاورزان و باغداران و امثال اینها، دسترنج این طبقات پر تلاش و زحمتکش را به لطائف الحیل تصاحب میکنند.

احتکار و انبار کردن مایحتاج مردم نیاز به پشتوانه مالی دارد. عناصر صاحب سرمایه و فرصت طلبی که به هر تقدیر امکانات لازم، اعم از پول، وسیله، انبار های وسیع و احتمالا سردخانه و... در اختیار دارند و میتوانند هزاران تن کالا ها را حتی با تردستی و ایجاد روابط ناسالم، چنان حفظ و مخفی نمایند که از چشم مسئولان امر نیز پوشیده بماند.

و همان گونه که مبینیم، احتکار امروزه ابعاد بسیار گسترده تر و ویران کننده تری یافته است و واسطه ها، به هر صورت آموخته اند که چگونه میتوانند مایحتاج مردم را انبار کرده با هماهنگی و توطئه از عرضه کالا به بازار جلوگیری نمایند تا در یک حرکت قیمت ها را یکطرفه و دلخواه افزایش دهند، افزایشی که کاملاً ظالمانه و غیر منصفانه است و نیز افزایشی که هرگز به جیب تلاشگران اصلی و تولید کننده گان زحمتکش نمیرود و در این تولید کننده اصلی و مصرف کننده است که خسارات عمده را تحمل میکند.¹

مطلب اول : انبار داری

یک خدمت اقتصادی است و عبارت است از نگه داشتن موقتی کالا به منظور عرضه به موقع آن و یا گسترش دادن مدت عرضه آن، به نحوی که کالا برای مدت بیشتری قابل دسترسی و مصرف باشد. طی این خدمت، مقدار و ارزش کالا نسبتاً محفوظ می ماند. زیرا از یکطرف از ائتلاف کالا جلوگیری میشود و از طرف دیگر، از کاهش سریع کالا پس از تولید پیشگیری میشود، بخصوص اگر فرایند تولید آن فصلی و از محصولات کشاورزی باشد. بدیهی است که در طی انجام این خدمت هزینه متوسط یا تمام شده کالا حداقل به اندازه مبلغ هزینه انبار داری آن افزایش می یابد.

مطلب دوم : فرق و انگیزه احتکار و انبارداری

تمیز بین عمل احتکار و انبارداری که در ظاهر شباهتهای مشترکی دارند، بسیار مهم است. بهای کالا در هر دو صورت افزایش می یابد اما علت افزایش یکسان نیست و به انگیزه دو عمل بستگی دارد، به هنگام انبارداری متقاضی و مشتری خواهان نگه داشته شدن کالا هستند تا بتوانند در موقعی دلخواه اوسط، کالا

1 - محقق داماد، احتکار از نظرگاه فقه اسلام، ج 1، ص ۵۴.

را مصرف نماید، یعنی زمان مصرف کالا برای مصرف کننده نیز دارای مطلوبیت است. این مطلوبیت ناشی از آن است که مصرف کننده خود وسیله نگهداری کالا را ندارد و یا اینکه هزینه این انبارداری گرانتر از آن تمام میشود که فروشنده این کار را برای او انجام دهد. در حالی که در هنگام احتکار، مصرف کننده خواهان دریافت کالا در همان لحظه ای است که کالا با قیمت همیشگی در اختیار آن نیست. احتکار کالا برای وی مطلوبیت منفی ایجاد میکند در این هنگام مشتری و مصرف کننده آماده است برای زودتر دریافت کردن کالا و حتی بدست آوردن مقادیری که مورد نیاز او نبوده بلکه در آینده ممکن است مورد مصرف قرار گیرد، بهای بیشتری بپردازد، این آمادگی برای آنست که محتکر کالا را به مشتریان خود کم یاب جلوه داده است. پس انگیزه اصلی احتکار برای فروشندگان، سود جوئی از، تمایل و شتابی است که خریداران در اثر باور کردن کمیابی کالا از خود نشان میدهند و به ذخیره سازی میپردازند.

گاهی انبار کردن کالا ها برای حفظ نظم اقتصادی و همچنین مصالح مصرف کنندگان ضرورت می یابد. تفاوت دیگری که ممکن است دو کردار یاد شده داشته باشند، این است که خدمت انبارداری یک خدمت بلند مدت است ولی احتکار فقط در طی یک زمان کوتاه بحرانی امکان پذیر است. چرا که حوادث سیل و زلزله و جنگ یا مشکلات دیگر در یک منطقه به ندرت رخ میدهد، البته در این خصوص بحث های زیادی در علم اقتصاد مطرح است که تناسب با رعایت اختصار این تحقیق را ندارد. البته نبایست پنداشته شود که موقتی بودن دوره احتکار حاکی از کم اهمیت بودن آن است، شرایطی که بر بازار ها محیط فعالیتهای اقتصادی در کشور های جهان سوم و رو به رشد، مثل کشور خودمان حاکم است زمینه ساز اقدامات احتکاری میباشد اینکه احتکار کالای به خصوص در بازار مشخص دیری ممکن است نباید که روی سایر کالاها در بازار های دیگر اثر بگذارد و همچنین باید توجه داشت که زیان های احتکار پیوسته در ابعاد اقتصادی آن نیست، ممکن است به مقاومت ملی روح وحدت و امنیت غذایی صدمه فراوان وارد آورد. 1

1 - جعفری، لنگردوی، ترمینولوژی حقوق، ناشر گنج دانش، سال نشر: ۱۳۹۶. ج 1. ص ۹۲.

فصل سوم

بررسی اضرار و جوانب تطبیقی آن و مجازات آن در جامعه افغانی

مشکل اقتصاد در محیط اسلامی از طریق تأمین اجتماعی و همکاریهای مردم حل گردیده است. اسلام به حاکم دستور داده تا با بسط عدالت اجتماعی و جلوگیری از گشادبازیهای اشراف با محرومیت سایر طبقات مبارزه کند. همچنین علیه ربا و احتکار، که دو عامل بسیار خطرناک و موجب تورم سرمایه است، شدیداً مبارزه می کند. اسلام زکات، ارث و احکام مضاربه را تشریح کرده تا ثروت میان همه پخش شود، و نیز در زیادی اموال اغنیا سهمی برای مستمندان قرار داده است. همه کس باید در محیط اسلامی شغل آبرومندی در اختیار داشته باشند و اگر کسی به علتی عاجد از کار کردن باشد، هزینه زندگیش به عهده دولت اسلامی است. سلام علاوه بر اهمیتی که برای اقتصاد قایل شده، "احساسات" افراد را نیز براساس دوستی، تعاون و اتحاد، پرورش داده از زمان کودکی این احساسات را در وجود انسان تقویت می کند. دزدی اساساً معلول گرسنگی، عاجز بودن از کسب مشروع و عدم توزان اقتصادی در جامعه است. در پیش گفتیم که زمامدار اسلامی موظف است برای تدارک این نابسامانیها چاره ای بیندیشد، و باید وضعی ایجاد کند که همه افراد، طبق شئون شخصی خود قادر به انجام کارهای مشروع و پسندیده گردند.

مبحث اول بررسی اضرار احتکار بر تجارت

در دین مبین و مقدس اسلام شغل تجارت یک خدمت اجتماعی است. زیرا تاجر در مسیر این خدمات از سود اقتصادی نیز بهره مند می‌گردد. ولی هدف این کار در اصل سود جویی و ثروت اندوزی نیست، بلکه هدف اصلی خدمت به جامعه اسلامی در حرکت انسان بسوی خدا (جل جلاله) و چرخش صحیح گردنه اقتصادی است، نه سود جویی و ایجاد تمرکز ثروت. مشروعیت تجارت و بازرگانی با استنباط از آیات قرآنکریم و احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم) ثابت گردیده است.

منتشر شدن عوامل سلبی مانند احتکار و تسلط یابی در سرمایه داری سبب شده است تا رقابت سالم و عادل پنهان گردیده و تاثیر بازار و نظام تضعیف گردد. اگر به اتحادیه های بزرگ تجاری که میان شرکت های بزرگ ایجاد گردیده است نظر بیاندازیم در می یابیم که این اتحادیه ها احتکاری بوده و اجناس را به یک قیمت میفروشند که قواعد رقابت آزاد را مختل ساخته اند چون بازار ها اجناس را احتکار نموده و مقدار عرضه و قیمت آنها را در اختیار خود گرفته اند. بناً بلند رفتن قیمت و پایین آمدن تولید اشاره واضی جهت فقدان کفالت اقتصادی بازاری بوده که با رقابت نا تمام در ارتباط میباشد. شکل دیگر فقدان کفالت اقتصادی بازار، تاثیر خارجی بوده که به تغییر جبری در مصارف و قیمت ها می انجامد، آنهم زمانیکه تعداد نفوس بیشتر گردد و یا تکنالوژی تولید پیشرفته تر گردد، گاهی حکومت میتواند نقش مثبت را در خصوص تاثیر خارجی بر بازار اداء نماید.¹

اقتصاد معاصر بیان میدارد که چگونه در سایه سرمایه داری موقوف رقابت به مفاد شرکت های قویتر انجامیده است. چون حجم شرکت بزرگتر بوده تولیدات نیز بیشتر می‌گردد و بدین وسیله شرکت های که در سطح پایین تر قرار دارند از بازار کنار زده میشوند زیرا در نظام سرمایه داری ملکیت از هر نوع قید و شرط خالی میباشد. بناً شرکت بزرگ و نیرومند جهت ضربه وارد کردن به شرکت های دیگر قیمت اجناس را در بازار پایین میاورد بدون اینکه خساره متوجه خودش گردد که در نتیجه شرکت های کوچک از عرضه تولیدات شان جلوگیری نموده و حضور شان در بازار تجارت ناپدید می‌گردد چون نمیتوانند متحمل خساره گردیده و به این وضع دوام دهند. با بر کنار رفتن شرکت های کوچک، شرکت های بزرگ به بازار تسلط یافته و جهت بدست آوردن مفاد بیشتر قیمت اجناس را بلند میبرد. گاهی زمام امور بازار را یک شرکت بزرگ تولید کننده به دست میگیرد که بنام احتکار کامل یاد می‌گردد و گاهی شرکت های متعدد با هم اتفاق نموده و قیمت اجناس را طبق مصلحت خویش به مفاد خود تعیین میکنند و با بیشتر شدن تعداد

1- سامویلسون و نوردهاوس، علم الاقتصاد، ج1 ص ۲۶-۳۶

شرکت های تولیدی احتکار کوچک در بازار به میان میاید. احتکار تنها مخصوص فروشات نمیشود و گاهی مشتریان نیز با هم اتفاق نموده و از خریدن اجناس مخصوص ابا ورزیده تا قیمت اجناس پایین بیاید، این عمل را احتکار در خرید مینامند.¹

حالات احتکار در مجتمع غربی بعد از مدت کوتاهی از انقلاب صنعتی به میان آمد، اتحادیه ها سبب شده بودند تا سیطره احتکاری را در میانه های دو جنگ جهانی بدست آوردند. هر اتحادیه از هدف مخصوص برخوردار بود ولی چیزیکه هدف اساسی همه شمرده میشد محافظت بر اسعار و مفاد بود. به مرور زمان در سطح جهانی شرکت های پیش تازی ظهور کرد که شرکت های کوچک را کنار زدند. شرکت های دارای نژاد های مختلف امروز وسیله سرمایه داری احتکاری بوده و جهت نمو سرمایه به سطح جهانی تلاش به خرچ میدهند تا بتوانند از این راه بر جهان سوم تسلط حاصل نمایند، بدون اینکه لشکر کشی نمایند. این شرکت ها به احتکار مصادر تجدید تکنالوژی در جهان سرمایه داری پرداخته که به آنها قدرت بزرگی را در مجال جهانی میدهد.²

تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت و در کسب فقهی تکراراً به تاجر تاکید شده است که از روی عدل و انصاف رفتار نماید زیرا اهداف از تجارت فراهم ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری است و برای رسیدن به این منظور آشنایی به دانش فقهی ضروری خواهد بود. در جامعه اسلامی کلید روابط اجتماعی باید بر مبنای فضایل اخلاقی و در نظر گرفتن اعتقادات دینی استوار باشد و فرد مسلمان در جامعه اسلامی باید با نشاط و فعال باشد زیرا انسان سست و تنبل و بیکار باعث عقب افتادگی خود و به خطر انداختن رفاه خانواده اش میگردد بدون تردید در پیشگاه خداوند (جل جلاله) مسوول و پاسخگو است، زیرا نه خیرش به خود و خانواده اش میرسد و نه بر جامعه اسلامی. در صدر اسلام امور زندگی را به گونه تنظیم نموده اند که بخشی از روز را به عبادت و نیایش میپرداختند و پاره از وقت را به امور اجتماعی و سیاسی، کار و تلاش و تامین نیاز های شخصی و فراهم ساختن نیاز های خانواده و مساکین جامعه در راس امور بود این هم نکات در مذمت احتکار و اعمال ناروای که برخی انسان ها میخواهند با انجام چنین اعمال شنیع، ثروت اندوزی نمایند و در پی تکلیف دیگران باشند. احتکار خوی و خصلت گنه گاران است زیرا آنها با عمل احتکار و محروم نمودن مردم از نیازمندی های زندگی، بخود و مردم صدمه

1- عنایه، غازی عنایه: ضوابط تنظیم الاقتصاد فی السوق الاسلامی، ج1، ص 17،

2- مرجع سابق، ص 30،

میرسانند چون عمل احتکار موجب محرومیت مردم از دسترسی به ضروریات زندگی شده و با این عمل افراد جامعه در تنگنا قرار میگیرند.¹

احتکار و افزایش قیمت به خصوص برای مردم شهرنشین سخت و دشوار است. انسان در مسیر ادامه زندگی خود ضرورت دارد با دیگران ارتباط اقتصادی و اجتماعی برقرار نماید و نسبت برطرف کردن نیازیک دیگر اقدام نماید و هم‌دیگر را از بهره برداری مایحتاج زندگی، به ویژه مواد غذایی محروم نسازند. عمل احتکار و جمع آوری مواد خوراکی، وسایل لازم زندگی مردم جهت سود جویی و بالا بردن قیمت ها عمل غیر انسانی است و از جمله صفات ویژه گی های ناپسند میباشد که موارد ذیل را موجب می شود:

1- احتکار موجب ایجاد زحمت و سختی برای مردم میشود.

2- احتکار چیزبست که انسان برای ابطال حق میپردازد.

3- احتکار رسیدن به خواسته ها از راه غیر قانونی است.

4- احتکار امنیت اقتصادی و حقوقی و اخلاقی جامعه را از بین میبرد.

5- احتکار باعث قانون گریزی و قانون شکنی و هرج و مرج میگردد.

احتکار، رشوه و سود، از عوامل بسیار مهم و خطرناک و سقوط و زوال جامعه هستند. با توجه به آثار زیانبار احتکار، رشوت و سود و قمار و اشاعه فساد، شخص مسلمان هرگز دست به سوی حرام دراز نمیکند و از راه هایکه اعمال ضد اخلاقی بر شمرده شد، کسب ثروت نمیکند.²

مطلب اول - مروری بر مسئله ای احتکار در نظام های اقتصادی مختلف

قبل از اینکه وارد بحث اقتصادی اسلام شویم، لازم میدانیم تا پیرامون فرق اساسی بین نظام اقتصادی اسلام، سرمایه داری و کمونیزم که از جمله نظام های مشهور اقتصادی است، نکاتی ارایه گردد، تا واضح و روشن گردد، یگانه نظامی که خواستار سعادت بشر و احترام به ملکیت فردی و ملی می گذارد، نظام اقتصادی در اسلام است.

مطلب دوم - نظام سرمایه داری (نظام احتکار و طبقاتی)

نظام اقتصاد سرمایه داری، نظامی است که بر مبنای جهان بینی دئیسم (خدا شناسی طبیعی) لیبرالیسم اقتصادی (اصالت فرد و آزادی های فردی) و مباح دانستن بهره و ربا شکل گرفته است. این نوع نظام بازار آزاد را زمینه مناسب برای فراهم سازی سود بیشتر می داند بازار را تعیین کننده ای قیمت ها و نرخ

1 - قاسم، یوسف قاسم، التعامل التجاري فی میزان الشريعة، ناشر: دار النهضة العربية، - سال نشر: ۲۰۰۷م.ص ۴۷.

2 - مرجع سابق، ج 1 ص 47

بهره و دستمزد می‌دانند. و ضمن تاکید بر همسویی منافع فرد و اجتماع، مکانسیم بازار را در برقراری تعادل اقتصادی کافی دانسته و هر نوع مداخله دولت را محکوم میکند.¹

نظام سرمایه داری مشتمل بر سه اصل اساسی است:

1- مالکیت شخصی

اصل اول این است که هر فرد در این نظام اختیار آن را دارد که هر مقدار از اشیاء و امکانات تولید را که خواسته باشد، در مالکیت شخصی خود نگه دارد. در نظام سوسیالیستی هر فرد اگر چه اشیایی را که برای استفاده شخصی باشند، میتواند در ملکیت داشته باشد، اما امکانات تولید چون زمین یا کارخانه را عموماً نمیتوانند در ملکیت شخصی خود داشته باشند. ولی در نظام سرمایه داری هر فرد، هر نوع اشیایی را که خواسته باشد خواه برای استفاده شخصی باشند یا امکانات تولید، میتواند در ملکیت شخصی خود نگهدارد.

2- عامل منافع شخصی

اصل دوم این است که عاملی که در عمل تولید نقش دارد، عامل کسب منافع شخصی هر فرد به شمار می‌رود.

3- عدم دخالت دولت در امور اقتصادی

اصل سوم نظام سرمایه داری این است که دولت نه حق دخالت در امور تجاری بازرگانان را و نه حق ایجاد موانع در امور اقتصادی آنها را دارد و نه تجار و تولید کنندگان و صاحبان سرمایه موظف به عمل بر شرایط و قیود اضافی دولت هستند. عموماً برای این اصل اصطلاح "Laissez faire" بکار برده میشود. این کلمه در اصل فرانسوی است یعنی حساسیت عدم دخالت دولت معنی آن بگذار هر چه میخواهد بکند است. یعنی به دولت گفته میشود آنهایی که مشغول تدابیر امور اقتصادی هستند به هر طریقی که خواسته باشند، عمل کنند. در امور آنها دخالت نکن و دولت حق ندارد به مردم بگوید این کار را بکنید و آن کار را نکنید و این حق را نیز ندارد که چگونگی تجارت را برای مردم تعیین کند. سومین اصل نظام سرمایه داری در واقع فلسفه اساسی و زیربنایی آن است. اگر چه بعدها نه تنها در خود ممالک تحت پوشش این نظام نیز اجرای این اصل محدود شد و بر قانون عدم دخالت دولت عمل نشد. بلکه در ممالک تحت پوشش نظام سرمایه داری دخالت های بیشماری از طرف دولت در امور تجاری تولید و قانون ملکیت اعمال گردید. امروز در تمدن جهان چنین کشوری یافت نمیشود که دولتش در امور اقتصادی و تجاری مردم

1- تقی، محمد علی عثمانی، اقتصاد اسلامی، ج1، ص ۲۶

دخالت نکند ولی فلسفه بنیادین اقتصاد و سرمایه داری همین بود که دولت دخالت نکند بلکه مهار بازرگانان را کاملاً آزاد بگذارد.¹

نظام سرمایه داری جهت تحقق اهداف مادی روی مبدا آزادی مطلق استوار بوده است. این هدف بطور آشکار در فعالیت های اقتصادی پدیدار گردیده و شیفتگان این نظام باور دارند که ظواهر اقتصادی مبنی بر نظام طبیعی بوده که قوانین ثابت در آن محقق گردیده و مصلحت یا منافع عامه نیز محقق خواهد گردید بدون اینکه میان شان تعارضی به وجود بیاید، ایشان در این راستا چنین شعار میدهند: (بگذار کار کند بگذار بگذرد) و یکتن از پیروان نظام سرمایه داری که آدم سمت نام دارد گفته است که باید وظایف دولت مانند دفاع، عدلیه، امنیت و فواید عامه محدود باشد.²

مفکوره که نظام سرمایه داری بر آن استوار است، طور فشرده و مختصر چنین پیشکش میگردد:
الف: فرد یگانه مالک ثروت خود بوده و کس دیگری در آن حق ندارد او هر قسمی که خواسته باشد در آن تصرف کرده میتواند و حق دارد که وسایل تولید را خاص برای خود احتکار کند، و حق دارد که وسایل مذکور را تنها در راهی به کار اندازد که مفادش راجع به شخص وی میشود اگر چه به ضرر دیگران تمام گردد.³

ب: اگر ما به این نظام از نگاه اقتصادی نه از لحاظ اخلاقی نظر بیاندازیم می بینیم که در توزیع ثروت بین افراد توازن را برهم زده، وسایل تولید را منحصر به طبقه میسازد که دارای زیرکی و هوشیاری زیاد بوده باشد و در نتیجه از همه وسایل تنعم، اشرافیت و خوش گذرانی بهره مند گردد و این وضع جامعه را به دو دست تقسیم میکند.

اول: طبقه ثروتمندان یعنی اغنیاء: تمام موارد وسایل تولید را در دست دارد و طبق خواهشات خود در آن تصرف میکند و هر چیز را به فرض نتیجه و انکشاف ثروت شخصی اش به دوران می اندازد. مصلحت عمومی مردم متضرر میشود که در این ردیف سود خواران، رشوه خواران، سرمایه داران، فئودالان، احتکار کننده گان هستند.

دوم: طبقه فقرا و مساکین: این طبقه بزرگترین تکلیف خدمت را به امر و هدایت شخص سرمایه دار متحمل میشوند تا پایین ترین وسیله زندگی برایشان مهیا گردد.

1- کوهستانی، محمد انور کوهستانی، نظام اقتصادی، سال طبع ۱۳۹۶، هجری شمسی. ج ۱، ص ۱۲۹.

2- بیسونی، سعید ابوالفتح محمد بیسونی: الحریه الاقتصادیه. ص ۳۲.

3- مصری، رفیق یونس مصری: اصول الاقتصاد الاسلامی. ص ۱۵۱ - ۱۸۳.

سوم: در نظام سرمایه داری روح عطوفت، مهربانی، همدردی و دیگر اوصاف اخلاقی از بین می‌رود. در این نظام در وجود مردم رغبت شدیدی در جمع و اندوختن مال پیدا می‌کند و مال را غیر از راه های تولیدی در دیگر جای به مصرف نمی‌رساند.

سپس شرکت های بیمه، شرکت های سهامی، جمعیت های تعاونی، بانک ها، ذخیره اموال احتیاطی در این نظام ثروت اندوزی مهم نیست که از طریق تجارت مشروع حلال باشد و یا از طریق سود و شیوه و احتکار ممنوع، هرگاه در این نظام سود جواز نداشته باشد، رو به فنا می‌رود.¹

مطلب سوم - نظام کمونیسم (سیستم انحصاری احتکاری دولتی)

در این سیستم، جامعه اقتصادی در حد نهایی خود صنعتی است و در آن فقط یک طبقه اجتماعی یعنی طبقه کارگر فعالیت می‌کند و از این رو از نظر مارکس در چنین جامعه ی امکان ایجاد تضاد طبقاتی وجود ندارد. در نظام کمونیستی دولت به عنوان آلت دست سرمایه داران از بین می‌رود. در جامعه کمونیستی همچنین مظاهر دیگر سرمایه داری مانند پول و مالیات از بین رفته و اصل هرکس به اندازه استعدادش و به هر کس مطابق با کارش که شعار سوسیالیسم است اصل به هرکس به اندازه نیازش تبدیل می‌شود، طبقه واحدی بوجود می‌یابد و حکومت که در نظام سوسیالیستی حافظ منافع طبقه کارگر بود ضرورت ندارد چون در جامعه فقط یک طبقه کارگر وجود دارد.

مفکوره این نظام معکوس سرمایه داری است. در این مکتب و نظام تمام وسایل تولید باید مربوط اجتماع بوده و هیچ کس به صفت فرد حق ندارد که مالک مواردی تولیدی بوده و یا در آن مطابق رغبت و خواسته هایش تصرف کند و از آن طمع یا لذت ببرد.

در این نظام چیزی که برای افراد داده می‌شود عبارت از مزدی است در مقابل خدمتی که به نفع اجتماع انجام داده اند و اجتماع در برابر آن وظیفه، نیازمندی های زندگی شان را فراهم می‌سازد. نظام اقتصادی کمونیسم به شیوه تنظیم شده است که با اسلوب نظام سرمایه داری تفاوت اساسی دارد درین نظام ملکیت شخصی طوری قطعی و مطلقاً وجود ندارد.²

مطلب چهارم - نظام اقتصادی اسلام

اسلام دو پیوند (مستقیم و غیر مستقیم) با اقتصاد دارد: پیوند مستقیم از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی در باره مالکیت، معاملات، مالیات مجازات های مالی در زمینه ثروت و دارایی و ... دارد. اما پیوند غیر مستقیم از طریق اخلاق است اسلام مردم را توصیه مینماید به امانت داری، عفت،

1 - ابوالاعلی المودودی، نظریة الاسلام السیاسة للمودودی، ص ۵۷.

1 - مرجع سابق، ص ۵۸.

عدالت و احساس و بالعکس منع دزدی، خیانت، احتکار ربا خواری. اینها در نیمه ثروت است و با قسمتی از قلمرو این مفاهیم دارایی و ثروت است.

در نظام اقتصاد اسلامی کسب سود اقتصادی مشروط به انجام کار است، برخلاف نظام اقتصاد سرمایه داری که صرفاً انتقال مالکیت میتواند مجوز کسب سود باشد، کاری که انجام میگیرد باید کار مفید و ضروری باشد و کار اقتصادی مفید ایجاد حق میکند. لذا کارهای دلالی و واسطه‌گری از نظر اسلام مذمت گردیده است مثل تقلی رقبان. از نظر اسلام خریدار اگر چند بار قرارداد صاحب کالا میشود ولی قبل از تحویل نمی‌تواند آن را به قیمت بالاتر بفروشد. به بیان دیگر صرف انتقال ملکیت بدون کار نمیتواند موجب سود جویی شود.¹

اسلام میان دو نظام سرمایه داری و کمونیسم، دارای نظام معتدل، توازن و وسطی است که اصول و یاری آن حقوق فطری اشخاص را طوری حفظ میکند که در توزیع ثروت کدام اختلال و بی‌توانی را به وجود نیاورد. این نظام یک طرف حق ملکیت شخصی را که حق طبیعی و مسلم اشخاص با حق تصرف در اموال شان میدهد و از طرف دیگر همه این حقوق و تصرفات را به قیود اخلاقی داخلی و قیود قانونی خارجی مقید میسازد. درین نظام، وسایل ثروت در بین افراد مختلف در دوران و تبادلله بوده تا هر کس حصه و نصیب مشروع خود را از آن تصاحب کند.

برای تحقق این امر، اسلام نظام اقتصادی خود را بر اصول و مبادی تبه‌کاری استوار ننموده که از اسلوب و روش نظام سرمایه داری و کمونیسم با اعتبار روح، مبدا و برنامه عملی تفاوت کلی و اساسی دارد. در این نظام، شخص ثروت ملی را برای شخص خود انحصار کرده نمی‌تواند و هر معامله و داد و ستد مثل رشوه، سودخواری، فروش اموال حرام، احتکار اموال و غیره امراض اقتصادی و اجتماعی که ملت و جامعه را بیمار و متضرر میسازد، حرام بوده و در این نظام جا ندارد. زیرا در این نظام رابطه مستحکم بین مصلحت فرد و مصلحت اجتماع از جمله واجبات است. نظر به فرموده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) عن ابی سعید سعد بن سنان الخدری رضی الله عنه: ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام".² ترجمه: در اسلام ضرر رسانیدن به خود و به دیگران جواز ندارد. (مالکیت اسلامی و نظام اقتصادی اسلام دارای ویژه‌گی‌های مخصوص به خود است، مالکان در این نظام به عنوان وکیلان خدا (جل جلاله) در میان بشر مسوولیت سنگین رسیده‌گی را بر عهده دارند. سرمایه دار

2- عشاوی، یاقوت العشاوی، الخطوط الکبری للنظام الاقتصادی فی الاسلام، ناشر: مکتبه المنار، کویت، سال نشر: 2004م، ج1، ص29
1- قزوینی، سنن ابن ماجه، ج1 ص283، شماره حدیث 250، این حدیث را شیخ البانی صحیح لغیره خوانده است، (صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه ج2، ص884)

مسلمان آزاد نیست تا از هر راهی کسب مال کند، آن را به هر گونه اسراف نماید و به دلخواه خود احتکار کند. محدوده عمل او در مدار قانون اقتصادی اسلام است، و گرنه حاکم اسلامی اموال او را به عنوان ثروت نامشروع باز خواهد گرفت. این یک حقیقت مسلم است که از نظر اسلام حل تمام مشکلات و پیچیده گی ها در زنده گی انسان ها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل خاصی حل نمیشود و اقتصاد فقط انسان ها را خوشبخت نمیسازد، بلکه مشکلات را در کل یک نظام اسلامی باید حل کند و از معنویت و اخلاق دینی غافل نبود، که کلید همه درد هاست. 1

مطلب پنجم - نفی احتکار در اقتصاد اسلامی

تردیدی نیست که دنیای امروز، دنیای اقتصادی بوده و مسئله اقتصاد به عنوان یکی از مهمترین مسایل زندگی بشری مطرح است، اسلام عزیز نیز نگرش خاصی به آن داشته و آن را مورد تایید قرار داده است. اسلام با پیوند اخلاقی و اقتصادی در صدد رشد و تکامل مادی و معنوی انسان هاست. در نظام اقتصادی اسلامی توجه به منعم و رزاق بودن خداوند بی نیاز و یکتا، زندگی داشتن با آن را شیرین ساخته و در این نظام دلیلی برای حرص طمع، رقابت بیجا و برنامه های سوء وجود ندارد، مسلمانان با رعایت قوانین و توصیه های اسلامی می توانند در همه عرصه های اقتصادی و تجاری به داد و ستد در داخل و خارج مرز ها سر افراز و مستقل با رعایت حفظ سرفراز و مستقل با رعایت حفظ مارکیت شخصی و ملی ادامه دهند. همان طور که احتکار یک پدیده شوم و یکی از امراض اقتصادی و اجتماعی و از مفاسد اجتماعی موجود در جامعه ما است، بالای زندگی مردم تاثیر سوء دارد، همچنان احتکار از نظر اسلام به لحاظ اینکه قدرت خرید مردم را کاهش میدهد، حرام شمرده شده است. احتکار از مسایلی است که مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین مربوط است و جلوگیری از این از وظایف زمامدار مسلمان است. احتکار کننده از سوی حکومت با مومنان عادل اجباری میشود تا مواد احتکار شده را به بازار عرضه کند و آن را بفروش رساند و از مهم ترین پای بندی های داد و ستد در بینش اسلامی پرهیز از احتکار است، چون احتکار سابقه ترین بلای اقتصادی در جامعه است. در این امر بزرگ خلفای راشیدین با محتکران برخورد جدی می نمودند و در صورت اصلاح نشدن آن ها را تنبیه می کردند، اجناس احتکار شده را کشف و ضبط می نمودند. در مکتب اقتصادی اسلام بعضی از شیوه های کسب درآمد، مانند احتکار، رشوه، معاملات ربوی، فروش اموال حرام، بی عدالتی و بی انصافی در داد و ستد ممنوع و حرام شده است. زیرا این دسته از

2 - حریری ، محمد یوسف ، اسلام و نظام اقتصادی، ج1، ص ۲۳۸.

مکاسب محرمه ممکن در بسیاری از قرار داد های اقتصادی بروز کند، نظام اسلامی با هدف تامین امنیت اقتصادی هر گونه فریب کاری و خیانت را در امور اقتصادی و به ویژه در معاملات ممنوع کرده است. 1.

مطلب ششم - نفی احتکار در معاملات

مبارزه علیه محتکرین و احتکار در معاملات و داد و ستد:

خداوند جل جلاله انسان ها را طوری خلق نموده است که به یکدیگر نیاز دارند هیچ انسان نمی تواند تمام مایحتاج خود را به تنهایی تامین کند و گاهی کسی چیزی دارد که دیگران آن را ندارد. چون انسان در طبیعت یک موجود اجتماعی است و بخاطر بدست آوردن ضروریات زندگی مجبور است در اجتماع زندگی کند تا توسط معاملات با دیگران حوایج زندگی خویش را مرفوع سازد. خداوند جل جلاله انسان ها را الهام بخشیده تا نسبت به تبادل فراوردهای خود از طریق خرید و فروش و سایر معاملات اقدام نمایند تا نظام جامعه و زندگی به هم نخورد و کاروان زندگی به خیر و برکت به حرکت ادامه دهد. اما اسلام عزیز به عنوان دین الهی راه های حلال و حرام معاملات را مشخص و احکام آن را مفصلا تشریح نموده تا مومن حقیقی طرف معامله و داد و ستد و چگونگی بدست آوردن سرمایه حلال را از آموزه های دین اعم از فرامین الله (جل جلاله) و سنت نبوی و متون کتب فقه آموخته و با استفاده از راه حلال و مشروع حوایج روزمره خویش را مرفوع نموده و از راه غیر مشروع اجتناب ورزد زمانی که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مبعوث گردیدند در بین عرب ها انواع مختلف داد و ستد وجود داشت. حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه وسلم) قسمتی از این معاملات را که با دین حنیف اسلام سازگار نبود و باعث بدبختی در جامعه میشد و پایه آن بر معصیت، فریب، ظلم، فقیر کشی و بی اعتمادی به یکی از دو طرف معامله بود، ممنوع نمود. اعتماد و دیانت داری در معاملات نیز از تعالیم اصولی و بنیادی اسلام است. قرآن شریف و احادیث رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) روشن و واضح می گرداند، مسلمان اصیل همان کسی است که در معاملات و کار و بار خود راستکار و دیانت دار باشد و در عهد و وعده خود وفادار بوده، دعوای دروغین ننماید، گواهی به دروغ ندهد و از تمام عایدات و درآمد های حرام مانند سود، رشوه، احتکار خود را دور نگه دارد. خداوند (جل جلاله) بخاطر کسب نعمت اخروی، اسبابی آفریده که از آن به فرایض واجبات، حلال تعبیر می کنیم. برای جزای اخروی هم اسبابی نهفته است که از آن به فصل حرام تعبیر میشود. از این جاست که حرام قرار دادن و حلال قرار دادن که بر آن ثواب عقاب مرتکب می شود، صرف کار خداوند (جل جلاله) است. 2.

1 - اسامه، الاحتکار فی میزان الشریعه الاسلامیه، ج 1، ص 52.

1 - مجموعه از نویسندگان، محمد عزیز و دکتور محمد عبدالله ابوسنینه: مبادئ الاقتصاد، ج 1، ص 323.

و هیچ کسی حق آنرا ندارد که به رای خودش بگوید، این کار حلال است و این کار حرام. بخاطر وضاحت موضوع قابل بحث بهتر است در مورد کسب و در آمد حلال و حرام در پرتو دین مبین اسلام اشاراتی داشته باشیم.

مطلب هفتم - کسب حرام و مذمت آن از نظر دین مبین اسلام

هر مالی که توسط درآمد ناجایز بدست آید حرام و ناپاک خواهد بود رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درباره کسی که آن را در خوراک و پوشاک خود استعمال کند، فرموده است که نه نماز های او قبول میشود و نه دعاهاش. حتی که اگر به وسیله آن کاری نیک و خیر کند آن هم نزد خداوند (جل جلاله) قابل قبول نیست و این شخص در آخرت از رحمت خدا محروم خواهد بود و در حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) روایت شده است: **الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَ قِيلَ عَلَى الْمَاءِ**. ترجمه: بادت با خوردن حرام، همچون بنا کردن ساختمان بر روی ریگ یا آب است که هر لحظه ممکن است نابود شود. و همچنان رسول الله می فرماید: هر کسی مال حرام کسب کرده و آن را صدقه کند او قبول نخواهد شد و هر قدری که از آن اموال حرام مصرف کند در آن برکتی نخواهد بود و اگر آن را به میراث گذاشته، و بمیرد، بداند که الله (جل جلاله) بدی را با بدی از بین نمی برد، بلکه بدی را با نیکی از بین می برد، هیچ ناپاکی دیگر را از بین نمی برد و پاک نمیسازد¹. حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در مورد حرص بر دنیا میفرماید: (رب اشعث أغبر مشردفی الاسفار مطعمه حرام و ملبسه حرام و غذی بالحرام یرفع بدیه فیقول یا رب یا رب فانی سیجاب لذلک).² بنده غبار آلود با موهای جوئیده در حالی که طعام او حرام و لباس اش حرام، تغذیه میکند از حرام، بلند مینماید دستان خود را و می گوید یا رب یا رب از کجا قبول شود دعای او. به روایت ابن عباس (رضی الله عنه) رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید الله جل جلاله را فرشته است بر بالای بیت المقدس که هر شب ندا میکند: کسی که حرام بخورد فرایض و نوافل او قبول درگاه الله جل جلاله نمیشود.³

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: اگر کسی پیراهنی را به ده درهم خرید و از جمله یک درهم آن مال حرام باشد نماز های او به درگاه الله جل جلاله قبول نخواهد شد تا هنگامیکه پیراهن مذکور در تن او باشد و نیز میفرماید: (کل لحم نبت من حرام فالنار اولی به).⁴ هر گوشتی که با حرام تغذیه و پرورش یافته باشد در تحت آتش جهنم بر او سزاوار است از همه شدیدتر که انسان مواخذه میشود. در صورتی که

1 - بحارالانوار، ج 81، ص 258

3 - ابن کثیر، الحافظ ابی اسماعیل القریشی؛ البدایه و النهایه، ج 2، ص 175.

1 - طبری، جامع البیان فی تاویل القرآن، ج 2، ص 241.

2 - مرجع سابق، ج 2، ص 242.

در طلب روزی بی پروا باشد که چگونه بدست آورد و نسبت به حلال و حرام بی اعتنایی نماید. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرمایند: (من لم یبال من این اکتساب المال لم یبال الله من این ادخله النار) اگر منحیث یک مسلمان در دل هایمان زره ایمان باشد بعد از خواندن و شنیدن فرموده های الله جل جلاله و رسول بر حق او (صلی الله علیه وسلم) باید قطعا عزم کنیم در صورتی که مجبور شویم و به تنگ دستی و رنج فراوان در دنیا بسر ببریم، ولی هرگز نخواهیم کوشید که از راه غیر مشروع و حرام پول و ثروت بدست آوریم و فقط بر درآمد عواید حلال قناعت کنیم. پس بدانیم که به انجام کار کسی گرفتن رشوه حرام است و ذخیره نمودن اموال بازار را که سبب تغذیه فقرا و مساکین است در حقیقت گرفتن نان و حبس ساختن آنوقه و مایحتاج یک بنده خداوند جل جلاله به تعبیری کشتن و قتل اوست. دروازه های قهر و غضب الهی را هم بر روی خود از طریق سود، رشوه و احتکار باز نه نماییم و هم جانب مقابل را در معصیت الله جل جلاله رهنمود نکنیم. زیرا خوراک و پوشاکی که انسان می پوشد و استفاده میکند به منزله بذری است که در زمین ریخته میشود، پس اگر آن خوراک پاکیزه و حلال باشد اثرش در قلب که منزله سلطان بدن است، ظاهر صفا می داشته باشد. در این صورت از اعضاء و جوارح جز خیر در زندگی تراوش نمی کند، اما اگر خوراک پلید و حرام باشد قلب را مکرر میسازد، در این صورت قساوت و ظلمت دل را فرا می گیرد و امید خیری به او نخواهد بود. پند و اندرز در آن اثر نمی کند، همان گونه که غذای فاسد و مسموم جسم انسان را بیمار می کند، غذای حرام نیز روح انسان را فاسد میکند، طوری که در بالا به حدیث شریف رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) اشاره شد، گاهی ما انسان ها تمام سرمایه ارزشمند عمر خود را صرف جمع آوری مال می نماییم، بدون توجه به حلال بودن، حرام بودن، شبهه ناک بودن آن فقط در فکر پر کردن حساب بانکی هستیم، آن همه زر اندوزی ها بجایش می ماند و دنیا را با کوله باری های گناه ترک می کنیم. 1

مطلب هشتم - کسب حلال و فضیلت آن از دیدگاه شریعت

یکی از ارزش های اخلاقی که فرد و جامعه اسلامی خود را ملزم به مراعات آن میدانند، پابندی به حدود حلال و حرام است، هر چند که دایره حلال و حرام دایره وسیعی است اما به دلیل آنکه نفس آدمی به کم قناعت نمی نماید و از مال و ثروت سیر نمیشوند، بناء حدود خداوند متعال را زیر پا می نهد. تولید کنندگان ما با اموری مانند حلال و حرام کاملا بیگانه اند، سود های مادی که از راه تولید بدست شان می آید اهداف و آیده آنان را تشکیل میدهد و برای شان مهم نیست که کالاهای تولیدی شان مفید است یا

1 - احمد، نهایة المحتاج، ج ۵، ص ۱۵۵.

مضر، حتی این پرسش برای آنان قابل مطرح شدن نمی باشد، زیرا آنان میان اقتصاد و اخلاق یا تولید و ارزشهای اخلاقی هیچگونه ارتباطی قایل نیستند.

اما نگرش انسان مسلمان با نگرش آنان کاملا متفاوت است، انسان مسلمان اجازه ندارد چیزهای را در زمین کشت کند که استعمال شان حرام است. مانند کشت کوکنار و...

همچنان انسان مسلمان اجازه ندارد که چیزهای را که خوردن، نوشیدن، جویدن، و مکیدن و بوییدن و ترزیق آن زیانبار است تهیه نماید، برای مثال میتوان از تنباکو نام برد که بوسیله دانش و تجربه زیان آن به اثبات رسیده و همه هیئتهای علمی و طبی جهان در مورد زیان آن هشدار داده اند.¹

همچنین کشت و پرورش درخت انگور اگر به منظور تهیه شراب مورد استفاده قرار گیرد مانند وضع باغداری در کشور الجزایر در ایام استعمار فرانسه، این نوع باغداری انگور حرام و ناجایز میباشد. ساختن بت و مجسمه های حرام، ظروف طلا و نقره، هدایا و تحفه های از طلا و دیگر ابزار اشرافیگری همه حرام و ناروا هستند.

در روایت صحیحی آمده است: *ومن سن فی الإسلام سنة سيئة كان عليه وزر من عمل بها من بعده لا ينقص ذلك من أوزارهم شيئا: (هر کسی راه و رسم نادرستی را پیش روی مردم قرار دهد، گناه آن و گناه همه کسانی که پس از او به آن عمل مینمایند بدون آنکه چیزی از گناه آنان کم شود بر اوست.*² اما تهیه کالاها و اجناس مانند لباس کوتاه زنانه که زنان در منزل و همراه با همسر و محارم خود و گاهی برخی از آنان در خارج از منزل در حضور مردان بیگانه آن را بر تن مینمایند، حرام نیست، هر چند لازمه ورع و احتیاط آن است که انسان مسلمان از تهیه نمودن و خرید و فروش آنها پرهیز نماید.

همچنان تولیداتی که سبب فساد عقیده، فکر و ارزشهای اخلاقی میشوند و مسلمانان را از هویت شان بیگانه میسازند حرام و ناروا میباشند. برای مثال از نقش تخریبی تولیدات هنری و فرهنگی از قبیل فیلم های سینمایی، سریال های تلویزیونی و غیره میتوان نام برد که تهیه کنندگان آنها معیار های اخلاقی و ایمانی را مراعات نمی نمایند، اثرات منفی این تولیدات نسبت به اثرات منفی شرابسازی و مواد مخدر بیشتر است، زیرا آن مواد بروی جسم انسان تاثیر منفی خود را میگذارد و تولیدات فرهنگی بروی اندیشه و روان انسانها اثرات مخرب و تباهن خود را بر جای می گذارد، خطر و زیان مواد الکولی و مواد مخدر ظاهری است و با آن مقابله میشود، اما زیان تولیدات فرهنگی زینهای پوشیده و ساری است.³

2- فتاوی معاصر و احکام تدخین، ج1، ص ۱۹۰

3- طبرانی، الجامع الصغیر ج5 ص 630

1- کوهستانی، نظام اقتصادی، ج1، ص ۴۷

رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند : (عبادة عشره اجزاء تسعه منها فی طلب حلال) 1 عبادت ده جز دارد که نه جزء آن در طلب کردن رزق حلال آمده است. و در حدیثی به روایت ابن مسعود (رضی الله عنه) از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) روایت شده است : (طلب الحلال فریضه علی کل مسلم). 2. طلب روزی حلال فریضه است بعد از فرایض مقررہ دین (طلب کسب حلال مثل طلب علم فرض است). در حدیثی دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) روایت شده است که میفرمایند: (من سعی علی عاله من حله فهو کالمجاهد فی سبیل الله (جل جلاله) و من طلب الدنيا حلالا فی غفاف کان فی درجه الشهداء) در روایت دیگر می فرماید: (من اکل احلال اربعین یوما نور الله قلبه و اجرى ینا بیع الحکمه من قلبه علی لسانه) و در حدیث دیگری آن حضرت (صلی الله علیه وسلم) فضیلت کسب رزق و روزی توسط دست و بازو را چنین بیان میفرمایند: هیچ کسی روزی بهتر خود را از این طریق نیاورده است که خود با دست و بازوی خود کار کند و پیغمبر خدا داود علیه السلام با دست خود کار میکرد و روزی خود را بدست می آورد و نیز می فرماید : (تاجری که با دیانت داری و راست کاری تجارت میکند در قیامت با انبیاء و صدیقین و شهدا خواهد بود). 3.

بناء خرید و فروش زمانیکه طبق حدود خداوند متعال و اهداف شریعت اسلامی باشد حلال و زمانیکه در عملیه تبادل سود ناحق(ربا) و گران فروشی (احتکار) داخل گردید آن را به دایره حلال بیرون ساخته و حرام میگردد. 4.

مطلب نهم - پاداش و اهمیت تجارت حلال

در جوامع انسانی با پیشرفت های روز افزون تکنالوژی و افزایش نیازمندی ها و فراهم شدن امکانات حمل و نقل، تجارت اهمیت خاصی یافته است. متون فقه اسلامی به دلیل اهمیت و گستردگی مسایل تجارتي از زوایای مختلف به بررسی آن پرداخته است زیرا از طرف تجارت شغل رایج مردم سرزمین حجاز و جایگاه تشریح احکام اسلامی بوده است از طرف دیگر رابط تجارت با تولید و نقش آن در رشد تولید و دست یابی به اهداف دیگر اقتصادی نیاز سیاست گذاری صحیح قوانین و مقررات جامع است، در آیین مقدس اسلام ارزش و اهمیت کار، تلاش و تجارت در زمینه اقتصاد، زنده گی فردی و اجتماعی کمتر از پرداختن به مسایل معنوی و تزکیه نفس نیست. خداوند (جل جلاله) که جهان طبیعت را در اختیار بشر قرار داده است، میفرماید: خداوند جل جلاله همان ذاتی است که دریا را به سود و فایده شما رام ساخته

2- ترمذی، سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۷۸.

3- زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3 ص 1892

4- ابن کثیر؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۱۷۵.

1- مصری، اصول الاقتصاد الاسلامی، ج 1 ص ۷۸،

است تا کشتی ها در آن به فرمان اش روان شوند تا از فضل اش طلب (روزی) نمایید و باشد که سپاس داشته باشد.

امروز کشورها تشنه فعالیت های اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه گذاران مطمئن است. این همه به فضای نیازمند است که در آن سرمایه گذار و صنعت گر و عناصر فعال تجاری از صحت و سلامت ارتباط حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اما اگر دست مغرضان، اختلاس گران رشوه خواران و سوء استفاده کننده گان از امکانات حکومتی قطع نشود، تجار ملی، کسبه کاران، و سرمایه گذاران احساس نا امنی و نا امیدی میکنند.¹

پسندیده نیست برای یک تاجر مسلمان که شغل داد و ستد و تجارت او را آنقدر بدنیا مشغول سازد که فردای محشر را فراموش نماید و سبب خسران و زیان و ضایع شدن عمر عزیزش گردد. انسان عاقل بالای نفس خود مهربان و مشفق میباشد، دلسوزی و شفقت بالای نفس تعهد و پای بندی به دین و آخرت است و باید چنان باشد که مال و اولاد و تجارت، وی را از عذاب الهی مطمئن سازد که گویا از محشر و آخرت ترسی نداشته باشد.

حضرت معاذ بن جبل (رضی الله عنه) در وصیت مبارک شان چنین می فرماید: نصیب و بهره دنیوی برای تو لازم و ضروری می باشد و هتمن برایت رسیدنی است اما حصه و قسمت بهره آخرت را آرزو داشته باش، باید بهره آخرت را امیدوار بود و بطور دوامدار و مستمر برنامه بهره و نصیب را چنان در دنیا تنظیم کن که از بهره محشر بی نصیب نگردی خداوند (جل جلاله) می فرماید: (و لا تنس نصیبک من الدنیا).²

در یاد دنیا حصه و بهره آخرت را فراموش نکن که دنیا مزرعه آخرت است در دنیا باید دنبال کار های نیک و حسنات باشی. یک تاجر مسلمان بر مشفق بودن بر نفس خود نسبت به دین و روز رستاخیز نکات آتی را مراعات نماید، انشاءالله کامیابی و فوز دنیوی و اخروی نصیب اش میگردد.

1- حسن نیت و عقیده راسخ در ابتدای تجارت که با نیت نیک و با پاکی و عفت و استغنای نفس و با استعانت از پروردگار عالم و با نیت اینکه، آنچه را به خود می پسندد. به عدل و احسان تجارت و داد ستد خود را پی گیری کند چون آغاز و انجام هر کار به نیت مرتبط است بناء وقتی که نیت بهتر و به رضای الهی باشد در کار و داد و ستد تجارت برکت و سعادت دنیوی و اخروی تاجر میگردد.

2- محمد، فقه الاقتصاد السوق، ج1، ص 51

1- مرجع سابق، ص 53.

2- در داد و ستد و تجارت چنان نیت داشته باشید که تجارت فرض کفایه است و هر کسب و معاش که حلال باشد و بخاطر امرار حیات خود و خانواده اش کمک به فقرا و مساکین باشد، اجر و ثواب را کمایی می نماید.

3- اینکه بازار دنیوی را از بازار اخروی دور میسازد و تجارت چنان نباشد که مانع ذکر خداوند (جل جلاله)، اقامه نماز و دادن زکات گردد. خداوند (جل جلاله) در قرآن کریم می فرماید: (رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ)

ترجمه: مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیرو رو می شود می هراسند. تاجران مومن و مسلمان حین دخول در بازار با ذکر و دعا داخل میشوند و به نام خدا داد و ستد را آغاز مینمایند.

نظر به فرموده حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) انسان باید اول در انجام روز خود را به ذکر الله و دعا های مخصوص بگذارند و غافل از نماز جماعت نباشد، اذان محمدی (صلی الله علیه وسلم) را سبک نه انگارند، وقتی صدای اذان بلند میشوند گوش فرا دهند.

4- در اثنای داد و ستد و تجارت در بازار و فابریکه مشغول به تسبیح، تهلیل و تکبیر خدا (لا شریک له له الملك و له الحمد یحی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر، کتب الله (جل جلاله) له الف الف حسنه). 1. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: کسی که داخل بازار شد پس گفت: نیست هیچ معبودی جز الله (جل جلاله) ، یکتا است و شریک ندارد، برای اوست پادشاهی و برای اوست حمد و ستایش، زنده میکند و می میراند و الله ذاتی است که زنده دائمی است، هرگز نمی میرد، بدست او تعالی است خیر و او بر همه چیز تواناست، پس نوشته میکند الله (جل جلاله) برایش هزار هزار نیکی و حسنه). حضرت عمر (رضی الله عنه) وقتی داخل بازار می گردید، می فرمودند: (اللهم انی اعوذبک من الکفر و الفسوق و من شر ما احطت به السوق ، اللهم انی اعوذبک من یمین فاجرہ و صفقه خاسره). 2.

5- تاجر بر بازاریابی و تجارت بیشتر حریص و طماع نباشد، بیشترین وقت خود را در بازار و داد و ستد سپری نکند. حضرت عبدالله بن عمرو و بن العاص (رضی الله عنه) میفرماید: نباش اولین

1 - محمد افضل خان ، نشر المرجان ، ج ۵ ، ص ۶۷.

2 - ابن کثیر؛ البدایة و النہایة ، ج ۲ ، ص ۱۷۴.

کس داخل شونده در بازار و آخرین فرد که بازار را ترک کند. این گفته بدان معنا است که همه کار و بارت این پیشه نباشد، بلکه کار های دیگری همه است که باید به آن رسیده گی کرد.

6- در داخل بازار و داد و ستد تجارتي از اشيای تجاری حرام و شبهه ناک پرهیز کنید. تجارت اشيای حرام را نکنید، در جاهای حرام و فسق بازار، نشست و برخاست نکنید، از خوردن طعام و اشيای و غذاهای حرام پرهیز کنید، در هر حال از حرام و اشيای ناپاک پرهیزید زیرا خوراکی که انسان می خورد مانند بذر است که در زمین ریخته میشود و بعدا سبز میشود، وقتی اشيای حرام خورده و تجارت شود، قلب را مکدر میسازد.

7- در اثنای معامله با مشتری مراقب اعمال خود باشید که در محشر محاسبه میشود، زیرا تاجر صادق و امین روز حشر همراه انبیاء صدیقین و شهدا محشور میشود در معامله حسن خلق و شفقت و مهربانی و صداقت را فراموش نکنید.

امام غزالی میفرماید:

رسول الله گرامی ما فرموده: کسی که خرید و فروش مینماید باید از پنج خصلت دوری گزیند و گر نه خرید و فروش نکند:

1- از خوردن ربا (سود)

2- قسم خوردن.

3- مخفی نگهداشتن عیب جنس فروش.

4- عیب گرفتن ناحق هنگام خرید.

5- تعریف نمودن هنگام فروش.

چون تجارت یکی از ارکان مهم در زنده گی انسان است که شکل اولیه آن با داد و گرفت کالا به کالا صورت می گرفت، باید در تجارت صداقت و ایمان داری را معیار قرار داد. در دین بزرگ و مقدس اسلام کسب و کار و تجارت بر پنج قسم تقسیم شده است:

1- تجارت و کسب فرض یا واجب: شخصی به حدی تامین مخارج خود و زندگی همسر و اشخاص

واجب النفقه باشد، تجارت میکند و نیز تجارتي که موجب بقای نظام جامعه را فراهم میکند و ترک

آن خطر اقتصادی و ضحطی را به مسلمین پدید آورد.

1- غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۷۷۵

2- ابن کثیر؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۱۷۴.

- 2- تجارت و کسب سنت: تجارتي است که به منظور وسعت بخشیدن به زنده گی اهل و عيال و نفع رسانیدن به مسلمانان انجام گیرد.
- 3- تجارت مکروه: که مبادرت به آن مهر و شفقت و عواطف انسانی را تضعیف کرده و در بعضی موارد نیز شقاوت را در دل انسان تقویت میبخشد. مثل فروش کفن، ذبح حیوانات.
- 4- تجارت و کسب حرام: خرید و فروش چیز های نجس و پلید ممنوعه از دیدگاه شریعت که شخص و جامعه را متضرر میسازد. مانند: خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکولی، ربا، فروش کست های برهنه و ضد انسانی و ضد عفت مسلمین.
- تجارت از طریق سینما و انبار کردن اموال و امتعه مردم در حال قحطی که بعدا در حالت قیمتی بفروش رساند و نیز معاملاتی که باعث سقوط یا تضعیف نمودن مسلمانان و دولت اسلامی میگردد.¹

مبحث دوم

نمونه های از احتکار در افغانستان

مطلب اول - احتکار گاز

گاز مایع یکی از مهمترین مواد اساسی در افغانستان است، که از حرارت و نور آن استفاده میشود. بالا رفتن بیش از حد نرخ این کالا برای عامه مردم سخت است و به همین دلیل با وجود اینکه در افغانستان اقتصاد لیبرال حکمفرما است، این حالت خاص ایجاب میکند که در توازن نرخ گاز حکومت دخالت کند. در بررسی این موضوع گفتگویی داریم با استاد مسعود، استاد اقتصاد در دانشگاه کابل، استاد مسعود بعد از شرح اینکه، اگر چه در قانون اساسی آمده است که اقتصاد افغانستان بر اساس بازار آزاد است، ولی در ماده بعدی قانون اساسی ذکر شده است که دولت میتواند در مواردی که لازم باشد در امور اقتصادی مداخله کند. از سوی دیگر، آقای استاد مسعود از این ابراز تأثر میکند که یک زمانی افغانستان تولیدات داخلی فراوان گاز داشت که حتی بودجه دولت هم تا حدی توسط آن تامین میشد، ولی امروز افغانستان یک کیلو گاز هم تولید نمیکند.

3 - مرجع سابق، ج 1، ص 175.

پس از بلند رفتن نرخ گاز و مواد سوخت در شهر کابل شورای وزیران افغانستان تصمیم گرفت تا با افرادی که گاز را احتکار می کنند و یا هم با قیمت بلند بفروش می رسانند برخورد جدی صورت گیرد. مقامات وزارت تجارت و صنایع افغانستان می گویند، هیئت متشکل از نماینده های وزارت های تجارت، مالیه، اقتصاد، و لوی څارنوالی موظف شده تا نرخ گاز را در شهر کابل کنترل نمایند. فرید الله شیرزی رییس مواد نفتی و گاز مایع وزارت تجارت و صنایع در صحبت با رادیو آزادی گفت، این وزارت جواز چندین شرکت را بخاطر احتکار و بلند بردن نرخ گاز خواهد گرفت:

" ما به ملت خود وعده میدهم که ما را یک روز وقت بدهند که ما تمام شرکت ها را کنترل کنیم و دکانین که قبلاً گاز قیمت خریده بود برای آنها بگویم که به شصت افغانی گاز را بفروشند هر کسی که باشد جواز اش را می گیریم آنها را به ادارات عدلی و قضایی معرفی می کنیم و رییس جمهور نیز در این مورد هدایت صادر کرد و اداره لوی څارنوالی اظهار داشته هر کسیکه قیمت فروشی می کند شدیداً مجازات می شوند. " این در حالیست که اتاق تجارت و صنایع و اتحادیه های وارد کننده گاز به روز دوشنبه تعهد کردند که با در نظر داشت وضعیت بد اقتصادی در کشور آنها حاضر هستند که برای مدت زمانی گاز را بدون بدست آوردن مفاد بفروش برسانند. 1

مطلب دوم - احتکار مواد غذایی

احتکار از نمونه پدیده هایی به شمار می رود که ظهور و بروز آن در هر اقتصادی مسبب پیامدها و تبعات تلخ و زیان باری خواهد بود. در دهه ها و سده های گذشته، احتکار عمدتاً مشمول ارزاق و مواد غذایی می شد، به تعبیری احتکار به انبار کردن مواد غذایی به امید و انتظار سود و بهره ای تلقی می شد، پدیده ای که در روایات اسلامی به شدت نکوهیده شده است.

به عنوان نمونه در همین خصوص، حضرت علی (رضی الله عنه) می فرمایند: احتکار رذیلت (پستی) است و احتکار خصلت فاجران است و در جایی دیگر حضرت محتکر را اهل معصیت و گناهکار می نامند. رسول الله مُکْرَم اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) نیز عنوان ملعون را در خصوص محتکران به کار می برند.

چه چیز باعث افزایش قیمت ها در ماه رمضان می شود؟

ماه رمضان که می آید مردم از یک سو برای تذکیر نفس آمادگی می گیرند و از سوی هم برای تامین مواد غذایی، یکی دو هفته که به این ماه می ماند همه مواد خود به خود گران تر می شوند. از مواد خوراکی گرفته تا لباس و کفش. اما دلیل این افزایش قیمت چیست؟

شماری از مردم افغانستان می گویند که تاجران این کشور با درک نیازمندی مردم از یک ماه قبل از ماه رمضان اجناس را کمتر به بازار عرضه می کنند تا قیمت ها افزایش یابد و یا اینکه خودشان بدون در نظر داشت توانایی مردم و قوانین تجارتي نرخ ها را بالا می برند. مسوولان اتاق تجارت خرید بیش از اندازه مردم را دلیل افزایش قیمت ها می خوانند.

حمید که در ولایت هرات خوراکه فروشی دارد می گوید دلیل این افزایش قیمت ماه رمضان نیست، بلکه بی انصافی و زراندوزی تاجران را دلیلش عنوان می کند. او می گوید: "این کار ما دوکان داران کوچک نیست که قیمت ها افزایش پیدا می کند. تارجان عمده فروش احتکار می کنند و خون مردم را می مکند. در یکی دو هفته گذشته به شدت مواد خوراکی و سوخت گران تر شده اند" چنانچه حمید می گوید اجناسی همچون، آرد، برنج، شکر، روغن و مواد سوخت از همه اجناس دیگر افزایش قیمت چشمگیری داشته اند. او اضافه می کند که به گونه مثال یک بوجی شکر از ۱۶۰۰ افغانی به ۲۲۰۰ افغانی افزایش یافته و یک کیلو گاز مایع از ۳۲ افغانی به ۴۰ افغانی قیمت تر شده است.

اما علی ذکی، مدیر عمومی خدمات انکشاف تجارت در اتاق تجارت و صنایع افغانستان دلیل دیگری را نیز برای این افزایش قیمت عنوان می کند. او می پذیرد که برخی از تاجران به شکل غیر قانونی مواد را قبل از ماه رمضان ذخیره می کنند، اما علاوه می کند که هجوم سرسام آور مردم برای خرید مواد غذایی در هفته های قبل از آغاز این ماه نیز دلیل محکمی بر افزایش قیمت ها است. او می افزاید: "افزایش قیمت ها در ماه رمضان در افغانستان معمول است. اتاق تجارت و صنایع همه ساله اقداماتی را برای کنترل قیمت ها روی دست دارد. ما کمسبونی را برای کنترل قیمت ها ایجاد می کنیم، کنفرانس های مطبوعاتی برگزار می کنیم و از تاجران تقاضا می کنیم که متوجه قیمت ها باشند. تاجران به ما اطمینان داده اند که امسال افزایش قیمت صورت نخواهد گرفت. 1

مطلب سوم: راه های مقابله با احتکار

با شناخت علل و عوامل ایجاد احتکار به خوبی میتوان راه های مقابله با آن را به مرحله اجرا گذاشت، تا ضمن برقراری یک نظام اقتصادی کار آمد و جلوگیری از تمرکز ثروت و انباشت سرمایه در دست عده

ای معدود، علیه سود جویی های اقتصادی، اقدام کرد. در این مرحله اقدامات دولت چه از جهت نظارت و مبارزه و چه از جهت تبلیغ نقش موثری را ایفا میکند.¹

1- اولین راه، مبارزه دولت با تورم است که باعث کاهش حجم پول در گردش شده و قیمت ها را در بازار آزاد پایین می آورد و در حد قیمت رسمی نگاه داشته و پدیده احتکار را به این طریق از بین میبرد.

2- برقراری سیستم توزیع کارآمد و نظارت بر آن از مهم ترین راه های مبارزه با احتکاری است که ناشی از کاهش تولید و نا هماهنگی توزیع و نیز سوءاستفاده محکرمین از موقعیت خاص جامعه است. در صورتی که یک سیستم دقیق توام با کنترل در امر توزیع از مواد اولیه تا کالای نهایی ایجاد گردد، محکرمین قادر به تهیه و احتکار کالاهای ضروری نخواهند بود.

3- در نهایت نظارت و کنترل دولت نقش تعیین کننده ای را در امر مبارزه با احتکار ایفاء مینماید. اقدامات دولت در این بخش از اتخاذ سیاست های مالی مناسب و نرخ گذاری و تثبیت قیمت ها و مبارزه با شایعات و جنگ روانی و ایجاد اطمینان در مردم نسبت به تقلیل خرید و مصرف و بالاخره اقدام علیه محکرمین را شامل میشود.

قیمت گذاری و جانشینی کالا نیز از راه های مقابله با پدیده احتکار است که از ظرافت خاصی برخوردار است. با توجه به بداهت مفهوم قیمت گذاری در باب جانشینی کالا، میتوان گفت: دولت به منظور از بین بردن زمینه های احتکار میتواند به افزایش تعداد کالا های جانشین دست زند. روی آوردن مردم به کالاهای جانشین موجب میگردد که عمل احتکار سود آور نبوده و زمینه های آن نیز از بین برود.

4- نزدیک کردن در آمد مصرف کنندگان و تشویق در جهت صرفه جویی و اطمینان از تثبیت قیمت ها را میتوان از عوامل کاهش احتکار عنوان نمود.²

2 - عیسی، الاحتکار دراسه فقهیه مقارنه، ج1، ص، ۴۳۸

1 - مرجع سابق، ج1، ص، ۴۳۹

مبحث سوم

سیر احتکار در قوانین افغانستان

در افغانستان پیش از آشنایی مردم با قانون و حکومت قانونی افکار عمومی تحتی تاثیر احکام شرع انور قرار دارند، اسلام همیشه احتکار را محکوم و منفور می شناخت تا آنجا که حکام و ولات با استفاده از این کراهت و انزجار عمومی در مواردی که فروشندگان ارزاق از قبیل نانویان و قصابان به گرانفروشی و احتکار دست می یازیدند آنها را به عقوبات سخت مجازات می کردند؛ چنانکه در تاریخ افغانستان بسیار دریده شده است که حکام نانویان محتکر را زنده به تنور می انداختند یا قصابان را شقه می کردند. ولی پس از بعد استقلال افغانستان در سال (۱۲۹۸) اولین بار که در قوانین مملکتی از احتکار یاد و برای آن مجازات منظور گردیده است در قانون مصوب ۲۹ حوت ماه (1303) درباره احتکار کالای انحصاری دولت است که ماده ۱۰ آن چنین مقرر داشته است:

هرکس کالای انحصاری دولت را (بغیر از طریق قاچاق که تابع قوانین مخصوص است) تحصیل و احتکار نماید به این نحو که کالای انحصاری را زاید بر مصرف خود و کسانش از تولید کنندگان و سایر اشخاص تحصیل نماید و بدین وسیله از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید؛ به حبس جنحه ای از دو ماه تا یک سال و به تادیه غرامت از هزار تا ده هزار افغانی و یا به یک یک از این دو مجازات محکوم و به علاوه مال مورد احتکار به نفع شرکت یا بنگاه و اداره مربوطه ضبط می شود. به همین مجازات محکوم می شود هر عامل فروش رسمی و فروشندگان مجاز که اجناس انحصار را زیاده بر نرخ مقرر از طرف شرکت یا اداره و بنگاهی که عمل انحصار آن مال را عهده دار است به فروش رساند. 1 چنانکه از این ماده مستفاد است:

اولاً؛ تعریف احتکار از نظر قانونگذار تحصیل کالای مورد نظر زاید بر احتیاج شخصی و خارج کردن آن از دسترس دولت و مصرف کنندگان است.

ثانیاً؛ احتکار منحصر به ارزاق عمومی و قوت مردم یا کالاهای اربعه و سنت مذکور در کتب فقهی فقهای اهل سنت نیست؛ بلکه ملاک در این مورد غبطه و مصالح عمومی است که تشخیص آن با قانونگذار است و در این قانون کالاهای انحصاریه که ارتباطی به قوت مردم ندارد؛ از قبیل دخانیات و تریاک؛ قابل احتکار شناخته شده است.

ثالثاً؛ مال مورد احتکار باید ضبط گردد (شاید به این اعتبار که مال حاصل از جرم است).

رابعا؛ قانونگذار ارتباط مستقیم بین احتکار و گرانفروشی قائل است و به همین جهت در ذیل ماده مجازات احتکار را بر گرانفروشی بار کرده است.

مطلب اول - مواد قانونی:

برای اولین بار که در مجموعه قوانین جزایی افغانستان، احتکار جرم شناخته شده و برای مرتکب یا مرتکبین آن مجازات تعیین گردیده در قانون بودجه سال (1317) کشور راجع به احتکار کالای انحصاری دولت، مصوت ۲۹/۱۲/۱۳۱۶ است.

در ماده ۱۰ این قانون آمده است: "هر کس کالای انحصاری دولت را تحصیل و احتکار نماید به این نحو که کالای انحصاری را زائد بر مصرف خود و کسانش از تولید کنندگان و یا سایر اشخاص تحصیل نمایند و بدین وسیله از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید به حبس محکوم و به علاوه مال مورد احتکار به نفع شرکت یا بنگاه و اداره مربوطه ضبط می شود. به همین مجازات محکوم می شود هر عامل فروش رسمی و فروشندگان مجاز که اجناس انحصار را زیاده بر نرخ مقرر از طرف شرکت یا اداره و بنگاهی که عمل انحصار آن مال را عهده دار است، به فروش رساند". به استناد ماده یک قانون جلوگیری از احتکار مصوب (1320) و ماده ۱۰ قانون بوجه (1320) احتکار زمانی بزه محسوب می شود که کسی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان کند.

در این قانون هم به طوری که ملاحظه می شود احتکار منحصر به کالای خاصی نیست بلکه شامل کلیه کالاهای مورد احتیاج می شود. 1 ولی مجازات معینه نسبت به قانون قبلی خفیفتر است و تشخیص کالای مورد احتیاج نیز به عهده دولت گذاشته شده است.

پس از آن در سال (1344) که آغاز خشکسالی در افغانستان بود به علت احساس خطر احتکار و گرانفروشی در تاریخ ۲۵ میزان ماه (1344) مجلس به دولت اختیار داد که کالاهای مورد احتیاج را تعیین و برای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی؛ مقرراتی وضع کند.

این قانون متخلفین از مقررات دولت را قابل مجازات نقدی ۵ تا ۲۰ درصد قیمت مال احتکار شده دانسته است.

سپس در سال (1365) و در دهه ۶۰ شمسی با آغاز جنگ مجاهدین با حکومت وقت افغانستان به رهبری ببرک کارمل در سال (1365) و دکتر نجیب الله در سال (1368) قوانین ضد احتکار به علت آغاز جنگ

1 - وزارت عدلیه، قانون احتکار افغانستان، ماده:

داخلی مورد تصویب قرار گرفت که مجازات سنگین حبس تا ۱۰ سال برای محکوم کننده در نظر گرفته شده بود.

در سال (1374) با آغاز حکومت مجاهدین به رهبری ربانی قانون جدیدی به تصویب رسید که اقدام به لیست اقلامی که شامل قانون ضد احتکار می شود نمود و مجازات تا ۵ سال حبس مقرر نمود علاوه بر مصادره کردن اموال مورد احتکار و در سال (1378) در زمان حکومت طالبان در افغانستان قانون ضد احتکار به تصویب رسید که تنها تفاوت آن در مقایسه با قوانین قبلی عدم ذکر مجازات معین برای محکوم کننده بود که در ماده ۱۸ آن مجازات احتکار کننده را به تعزیر شرعی مطابق فقه و نظر قاضی محول کرده بود.

مطلب دوم - عناصر تشکیل دهنده جرم احتکار:

الف - عنصر قانونی جرم احتکار:

پس از ورود ارتش شوروی به خاک افغانستان و پذیرش ایدیولوژی سوسیالیستی توسط دولت وقت به ریاست نور محمد ترکی و شروع جهاد بر علیه آن کشور و رواج بازار احتکار و کمبود و نایابی برخی از اجناس و تهیه آن از بازار سیاه باعث گردید که قانونگذاران در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵، قانون تشدید مجازات محکومان را به تصویب رسانند.

در تاریخ ۱۹ / ۹ / ۶۷ در زمان حکومت دکتر نجیب الله و دوره آشتی ملی با مجاهدین که البته مورد پذیرش مجاهدین قرار نگرفت، قانون "ضد احتکار" تصویب گردید که در بند ۱ ماده ۱ آن اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود آنها، جرم محسوب شده و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود.

ب - عنصر مادی جرم احتکار:

قانون گذار افغانستان در فصل مواد عمومی قانون مجازات عمومی (1355) چنین اشعار می دارد که البته قابل اعمال به کلیه جرایم است:

عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون به نحوی که عمل منجر به نتیجه مجرمانه گردیده باشد و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد.

عمل مرتکب، فعل مثبت مادي خارجي است که به صورت جمع و نگهداري ارزاق مورد نیاز و ضروري به قصد افزایش قیمت و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزي و ساير تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها تجلي می‌یابد.

بدین ترتیب زمانی احتکار جرم است که موجب دگرگونی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه گردد و موجب تضییق و دشواری عامه مردم گردد، وگرنه در مورد فراواني که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب اتلاف مال شود، نه تنها جرم نیست بلکه از جهاتي منطبق با موازین عقلائي است. 1. موضوع جرم احتکار ارزاق یا ساير نیازمندیهاي عموم افراد جامعه است.

مقتن در ماده دوم قائل به تفکیک شده و ارزاق مورد نیاز و ضروري عامه مردم را شامل گندم، جو، کشمش، خرما، روغن حیواني و نباتي، چای، شکر، پیاز، سیب زمینی، نمک، چوب برای سوخت، ذغال، انواع صابون و نفت و گاز و تیل دانسته و افرادی را که اقدام به جمع و نگهداري آنها به قصد افزایش قیمت نمایند محکوم می‌شناسد. که البته ماده دوم آن این فهرست قابل تغییر است که توسط رسانه های عمومی اعلام میشود.

در ماده دوم قانون ضد احتکار مصوب (1368) خریداری مواد و اموال منقول، بلیط وسایل نقلیه از ادارات، موسسات عام المنفعه عمومی و شرکت های تعاونی و سازمان های اجتماعی و فروش آن به مقصد این قانون که شامل کالاهای دیگری غیر از پنج مورد مذکور را که مورد احتیاج ضروري عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و امساک نماید، در حکم محکوم محسوب و از این حیث به مجازات محکوم خواهند شد. در نتیجه ارزاق مورد نیاز ضروري عامه هر نوع کالائي است که افراد جامعه به آن ضرورت دارند. مطابق ماده دوازدهم این قانون مقدار ذخیره قانونی مواد فوق برای اتباع کشور به قرار ذیل است:

1- گندم ، آرد و برنج در سال فی نفر ۲۴۰ کیلو

2- انواع روغن فی نفر ۱۴ کیلو گرم

3- شکر فی نفر ۲۰ کیلو گرم

4- چای فی نفر ۲ کیلو گرم

5- پیاز فی نفر ۱۸ کیلو گرم

6- سیب زمینی فی نفر ۲۴ کیلو

1 - وزارت عدلیه، قانون احتکار افغانستان ، ماده:

که به نظر می رسد ذکر مقدار مواد موضوع جرم عملاً بی فایده و غیر قابل اجرا و دخالت در امور خصوصی مردم در جامعه کنونی افغانستان می باشد. 1

همچنین مطابق ماده سیزدهم قانون مغازه داران و افراد عمده فروش اولاً باید محل انبار های خود را به ثبت برسانند و ثانیاً اقدام به عرضه اجناس نمایند که در غیر این صورت و خالی بودن فروشگاه و وجود جنس در انبار احتکار محسوب می شود.

همچنین برای نانوایان ذخیره آرد برای بیشتر از ۸ روز احتکار شمرده میشود و مورد تعقیب قرار می گیرند.

ج - عنصر معنوی جرم احتکار:

قانون گذاران افغانستان در ذیل مبحث عنصر معنوی فرمولی برای تعیین عنصر معنوی برای همه جرایم از جمله جرم احتکار معرفی کرده است:

قصد مجرمانه عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلیکه جرم را به وجود می آورد به نحوی که منجر به وقوع نتیجه مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگر شود که قصد مجرمانه گاهی ساده است و گاهی با اصرار قبلی است.

جرم احتکار از جمله جرائم قصدی است و برای اینکه احتکار جرم تلقی شود نه تنها می بایست سوء نیت عام مرتکب که دلالت به ارتکاب عمل جمع آوری و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم به منظور نفع شخصی و به قصد افزایش قیمت است تحقق یابد، بلکه می بایست سوء نیت خاص او که همانا ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها به جهت اخلاص در امر مایحتاج عمومی جامعه است نیز محقق شود.

مطلب سوم - شروع به جرم احتکار:

ضمناً قانونگذار در قانون مجازات افغانستان مصوب (1355) جهت شدت عمل بیشتر در خصوص هر جرم شامل جرم احتکار، مجازات شروع به جرم را نیز پیش بینی و در ماده 15 قانون مجازات افغانستان مصوب (1355) مقرر می دارد:

در صورتی که جرم (احتکار) مجازات جنحه ای داشته باشد مجازات آن از نصف حد اکثر جزایی که در قانون برای اصل جرم پیش بینی گردیده است تجاوز نکند.

پس مجازات جرم شروع به احتکار کردن احتکار حسب مورد نصف حد اکثر مجازات قانونی می باشد.

1 - مرجع سابق، ماده:

همچنین مقنن راه هر گونه ارفاق در خصوص این قبیل مجرمین را مسدود نموده و نه تنها هیچ يك از مجازات های مقرر در این قانون را قابل تعلیق ندانسته، بلکه مجازات و جزاهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم را قابل تخفیف یا تقلیل نمی شناسد.¹

1 - مرجع سابق: .

مبحث چهارم

مجازات محترک در قانون ضد احتکار افغانستان:

اصولاً در افغانستان مطابق قانون مجازات تنها ۳ نوع مجازات برای محترک وجود دارد حبس، اعدام و جزای نقدی. و مجازات حبس ابد در زراد خانه کیفری افغانستان و مجازات تبعید نیز وجود ندارد و حداکثر مجازات حبس ۲۰ سال است و مدت حبس مداوم از ۱۶ تا ۲۰ سال می باشد و مدت حبس طویل از ۵ سال تا ۱۵ سال می باشد و مدت حبس متوسط از یک تا ۵ سال می باشد و مدت حبس قصیر از ۲۴ ساعت تا یک سال است.

قانونگذاران افغانستان در ابتدا در مورد تعیین تکلیف در مورد جنس مورد احتکار چنین اشعار می دارند در ماده ۸ این قانون آمده مواد احتکار شده به پیشنهاد دادستانی و حکم محکمه به فروش می رسد و قیمت آن الی صدور حکم نهایی محکمه به شکل امانت در بانک نگهداری می گردد. اموال سریع الفساد بدون معطلی به حکم محکمه بفروش می رسد.

اگر اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی، ضبط جنس مورد احتکار و جریمه نقدی به مقدار ۱۰ درصد مال مورد احتکار و به حبس تا ۱۰ سال حسب مورد محکوم شده و در هر دو مورد محکمه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون بدست آمده است، حکم خواهد داد.

ضمناً محکمه می تواند به جریمه مالی و حبس، مرتکب را محکوم نماید. در مواردی که اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده یا کلان یا فراوان ارزاق یا نیازمندیهای عمومی نباشد مرتکب به دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموال که از طریق غیرقانونی به دست آمده است به عنوان نقدي محکوم خواهد شد.¹

اگر این اقدامات از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها یا تعاونیها و غیر اینها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالم و عامداً مباشرت یا شرکت یا به گونه ای دخالت داشته باشند، بر حسب اینکه اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ قانون ضد احتکار منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد.

قانون مجازات افغانستان در مواد ذیل به مجازات های این جرم می پردازد که به شرح ذیل است:

ماده دهم: شخصی که جرم احتکار را مرتکب شود قرار ذیل مجازات می گردد:

1 - مرجع سابق، ماده:

الف- اخذ ۱۰ درصد قیمت مال مورد احتکار توسط دولت:

در صورتیکه قیمت مال احتکار شده از پنجاه هزار الی یکصد هزار افغانی باشد مال احتکار شده از طرف حکومت به به نرخ معینه دولت بفروش رسانیده شده ده فیصد پول فروش به خزانه دولت تحویل و متباقی آن به مالک پرداخته شود.

مطابق ماده فوق در صورتیکه قیمت مال مورد احتکار از پنجاه هزار افغانی (واحد پول افغانستان) تا یکصد هزار افغانی باشد وزارت دادگستری افغانستان به عنوان مجری اجرای حکم، مال را می فروشد به قیمت قانونی که از طرف دولت تعیین شده و ۱۰ درصد آن را به خزانه دولت می ریزد و بقیه قیمت مال فروخته شده را به صاحب اصلی آن بر می گرداند. 1

ب- حبس از ۲۴ ساعت تا یک سال و مصادره ۵۰ درصد مال:

در صورتیکه قیمت مال احتکار شده از یکصد هزار الی پنجصد هزار افغانی باشد مرتکب علاوه بر مصادره پنجاه فیصد مال احتکار شده به حبس قصیر محکوم می گردد. 2

متباقی پنجاه فیصد مال احتکار شده به نرخ معینه دولت به فروش رسانیده شده و پول فروش آن به مالک پرداخته می شود.

مطابق ماده فوق در صورتیکه قیمت مال احتکار شده به اندازه ذکر شده برسد هم ۵۰ درصد مال مصادره میشود به نفع دولت و هم به حبس ۲۴ ساعت تا یک سال محکوم میشود و متباقی مال تقویم می شود و به صاحب مال برگردانده میشود.

ج- مصادره اموال و حبس تا ۱۰ سال:

در صورتیکه قیمت مال احتکار شده بیش از پنجصد هزار افغانی باشد مرتکب علاوه بر مصادره مال احتکار شده حسب احوال به حبس متوسط یا طویل الی ده سال محکوم می گردد.

مطابق بند فوق هر گاه میزان قیمت جنس احتکار شده به میزان فوق برسد کل مال مصادره می شود به نفع دولت و حسب احوال و رعایت شرایط و اوضاع و احوال مجرم به مجازات تا ۱۰ سال محکوم میشود.

مطلب اول - تشدید مجازات:

قانون در حالات و احوال خاصی اقدام به تشدید مجازات احتکار نموده است که درین ماده اشعار می دارد:

1 - مرجع سابق: ماده:

2 - مرجع سابق؛ ماده:

1- ارتکاب این جرم در صورت ارتکاب مکرر جرم و یا اقدام به ارتکار با تشکیل گروه و باند که در ماده یازدهم اشعار می دارد:

شخصیکه جرم مندرج فقرات (۲) و (۳) ماده دهم این قانون را بیش از یک مرتبه مرتکب شود یا جرم ارتکار توسط باند یا عده ای از اشخاص صورت گیرد علاوه بر مصادره مال ارتکار شده به یک ونیم چند حداکثر جزای مندرج فقره (۳) ماده دهم این قانون محکوم می گردد.

2- ارتکاب جرم ارتکار در زمان قحطی و خشکسالی مطابق ماده دوازدهم:

شخصیکه جرم ارتکار را در زمان قحطی و خشک سالی، جنگ یا حالت اضطرار به منظور صدمه رسانیدن به زندگی یا تباع کشور مرتکب شود علاوه بر مصادره مال ارتکار شده به حبس طویل ۵ الی ۱۰ سال محکوم می گردد.

3- ارتکاب جرم توسط فروشگاهها و انبار دارهای دولتی و یا با سوء استفاده از صلاحیت های شغلی خود مطابق ماده سیزدهم این قانون:

هرگاه مغازه دار، تحویل دار انبار دار، خزانه دار یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت و وظیفوی مرتکب جرم ارتکار گردد یا زمینه آنرا مساعد سازد علاوه بر مصادره مال ارتکار شده به حداکثر مجازات مندرج مواد این قانون محکوم می گردد. 1

مطلب دوم - محکمه صالح رسیدگی به جرم ارتکار:

پس از کودتای (1357) و تصویب قانون "حدود صلاحیت حارنوالی و محکمه های امنیت ملی افغانستان" مصوب ۱۳۶۲ / ۲ / ۱۱ رسیدگی به جرائم گرانفروشی و ارتکار ارزاق عمومی در صلاحیت محکمه های امنیت ملی قرار گرفت.

مطابق قانون ضد ارتکار رسیدگی به این جرم در محکمه تخصصی امنیت عمومی و بدون نوبت و به صورت سریع مورد رسیدگی قرار می گیرد که در مواد ذیل قانون گذار به آن پرداخته است. در ماده ماده چهاردم این قانون اشعار می دارد:

تحقیق: تعقیب و رسیدگی به جرم ارتکار مندرج این قانون از صلاحیت پلیس، دادستانی و محاکم امنیت عامه دیوان عالی کشور می باشد.

رسیدگی به جرم ارتکار مندرج فقره (۳) ماده دهم این قانون و همچنان در حالیکه مجرم متکرر باشد از صلاحیت دادستانی و محکمه اختصاصی امنیت ملی می باشد.

مطابق ماده پانزدهم رسیدگی بدون نوبت می باشد:

تحقیق، تعقیب و رسیدگی به قضا یای احتکار در مراحل تحقیق، تعقیب و محاکمه طور عاجل و بدون نوبت صورت می گیرد.

مطابق ماده ۱۷ هر کسی که اطلاعات موثق در مورد جرم احتکار که منجر به کشف جرم احتکار شود مورد پاداش توسط محکمه صادر کننده حکم قرا می گیرد که این قانون در ماده ۱۷ چنین مشعر می دارد: به شخصی که از جرم احتکار اطلاع موثق بدهد در صورتیکه موظف خدمات عامه باشد الی پنج فیصد از سهمیه دولت به ارتباط قیمت مال احتکار شده طور بخشش برایش داده می شود.

در صورتیکه اطلاع دهنده موظف خدمات عامه نباشد الی ده فیصد از سهمیه دولت به ارتباط قیمت مال احتکار شده طور بخشش برایش داده می شود.

سهمیه مکافات برای اشخاص مندرج این ماده و اعطای آن برای شخص توسط دادستانی تثبیت و به حکم محکمه مربوط صورت می گیرد. 1

مطلب سوم - انتشار حکم قطعی در جراید:

مطابق ماده شانزدهم این قانون:

حکم نهایی محکمه بعد از مدت معینه و مقررات آیین محکمه در مورد احتکار از طریق وسایل اطلاعات جمعی نشر می گردد و به اطلاع عموم مردم رسانیده میشود.

مطلب چهارم: نتایج جلوگیری از احتکار

صرف حرام انگاشتن احتکار در جامعه مسلمانان، موجب از بین رفتن مطلوبیت آن نخواهد گشت، حرام شمردن عمل احتکار بدون تصویب و پیاده کردن هر گونه ضابطه ی اجرائی بی ثمر است. بنا بر این به اندازه ی که تقوی و ایمان و اخلاق در یک جامعه گسترش و رسوخ یابد کردار های احتکار آمیز و سایر اعمال منکر از آن جامعه زایل خواهد گشت. البته در هر جامعه ای افراد بی ایمان و خود خواه نیز یافت میشوند، بنا بر این برای جلوگیری از احتکار کردن ضابطه ای ضروری است. ضمن اینکه توفیق اجرای این ضابطه در عمل، بستگی به اعتقاد مجریان و افراد دست اندر کار آن دارد. 2

نخستین تاثیر جلوگیری از عمل محتکرانه، عادی گشتن جریان توزیع کالا و از بین رفتن اختلالات و نارسائیهای دستگاه توزیع و بالا رفتن کارائی آن است، کالا فراوانتر گشته و خود بخود با بهای ارزانتر در دسترس مشتریان در موقع دلخواه ایشان قرار می گیرد کاهش قیمت کالا موجب تنزل قیمت کالاهای وابسته

1 - مرجع سابق، سابق:

2 - دررینی، بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۴۵۵

به آن نیز می شود کاهش هزینه خرید کالا همچنین درآمد مشتریان را بالا میبرد، ایشان را از تنگنایی که برای تهیه اقلام مورد نظر خود با آن مواجه بودند نجات میدهد در نتیجه رفاه و خرسندی خاطر مشتریان از دیدار می یابد.

بر علاوه کارائی توزیع و تولید کالا در کل نظام اقتصادی بهبود می یابد، چون به خاطر گرانی کالا های احتکار شده، مشتریان مجبور بودند از خرید کالا های غیر فوری چشم پوشی کرده و بخشی عمده ای از بودجه خود را صرف تهیه اجناس احتکار شده بنمایند، کالا های غیر فوری، ضرورتاً اجناس لوکس نیستند بلکه تعمیرات وسایل منزل یا ساختمان، تهیه کیفیت بهتر یا با دوامتر اجناس منزل، انفاق و کمک به نیازمندان از جمله کالا ها و یا خدمات غیر فوری شمرده می شوند مهمتر از همه صرفه جویی است که در مخارج تعلیم و تربیت و بهداشت به ناچار توسط خانواده ها در مواقع گرانی و احتکار صورت می گیرد.

یکی دیگر از نتایج جلوگیری از احتکار، تلف نشدن کالائی است که به امید بالا رفتن قیمت آن بیش از اندازه دوام آن، نگه داشته میشود پیاده کردن ضابطه منع احتکار موجب میشود علاوه بر نتایج فوق، دست واسطه ها از جریان توزیع کالا به تدریج قطع شده و سازمان ها و تعاونی های توزیع کار آمد جانشین آن گردند. چون کاهش قیمت کالا سود واسطه گری را می کاهد، به تدریج رقابت بین توزیع کنندگان افزایش می یابد تا کالا را با هزینه کمتر به مصرف کنندگان عرضه کنند. در این میان سازمان هائی که کارائی بیشتری برای انجام خدمت مزبور دارند از دیگر رقیبان پیشی می گیرند. جلوگیری از احتکار کالا موجب حسن انجام این خدمت میگردد.

یکی دیگر از فواید مهم مبارزه با اقدامات احتکار جویانه، جلوگیری از تورم قیمت ها و بی ثباتی آن ها است. گفته شد که کالا های ضروری بیشتر از کالا های غیر ضروری احتکار میشود لذا درصدد افزایش نرخ این قلم کالا ها در آغاز فرآیند احتکار، بیشتر از سایر کالا هاست. از طرفی، کالا های ضروری بیشتر از کالا های غیر ضروری در جریان تولید فرآورده های دیگر دخیل هستند. این ارتباط تولیدی موجب بالا رفتن بهای فرآورده های اخیر نیز میشود.

از آن جای که با متورم شدن نرخ کالا های ضروری، درصد بیشتری از بودجه خانوار بایستی صرف خرید آن ها بشود برای حفظ درآمد خویش، فروشندگان کالا های غیر ضروری نیز اقدام به بالا بردن نرخ فروش محصولات خود می نمایند بدین طریق اقدامات احتکاری موجب افزایش تورم کلیه نرخ ها میگردد. بدیهی است زیان ناشی از تورم مزبور عمدتاً بر خانواده های که دارای درآمد ثابت هستند تحمیل می گردد و بی اعتمادی و بدبینی و قهر و غلبه را در بین اقشار جامعه افزایش میدهد و این از عوارض مهم اجتماعی

ناشی از احتکار است لذا توزیع کالا های احتکار شده صرفاً مربوط به خریدار یا فروشنده نیست بلکه از مسایل مرتبط به جامعه میباشد.

در این موقع دخالت و نظارت و احیاناً در دست گرفتن جریان توزیع کالا توسط مقامات دولتی یا ذی صلاح برای حفظ مصلحت جامعه ضروری می گردد نحوه دخالت مقامات مسئول جامعه را هموطنان در مواردی مانند: مواد سوختی مثل بنزین و نفت یا مثل قند و شکر، روغن نباتی و برنج از طریق کوپن یا سهمیه بندی ملاحظه نمودند.¹

1 - دررینی، بحوث مقارنه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۴۵۸،

نتیجه گیری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ اجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرَّزْقِ (حمد خداوندی را که سیرت‌ها و صورت‌های پسندیده را برای ما برگزید و روزی‌های خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت) بدون تردید، انسانی که خداوند (جل جلاله) غرض هدایت و رهنمود وی کتب آسمانی و ارسال رسول اللهان را نعمت فرموده است، تمامی ابعاد زندگی او از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده و دارای مبدا و انجام و اهداف عالی می‌باشد و انسان ناگزیر است بخاطر فلاح رستگاری و پاسخ‌گویی فردای محشر، هر عمل و دستاورد خود را در انجام کارکرد نزد خود به نمایش گذاشته و نتیجه‌گیری و جمع‌بندی کند تا بداند چقدر به ثواب و تا چه حدی مستوجب عتاب شده است، تا یگانه آرمان و اهداف اخروی را که در انتظار دارد به وجه احسن تعقیب نموده و کمی و کاستی‌های خویش را در آینده پر و جبران نماید خواه اثر علمی باشد و یا عبادت مالی و بدنی و سایر اعمال خوب و بد. بدین ملحوظ خواستیم بخاطر وضاحت بیشتر موضوعات این پایان‌نامه ارشد، که در سه فصل ترتیب و ارائه مینمایم، مختصراً چنین جمع‌بندی نمایم:

1- دین مبین و مقدس اسلام یگانه دینی است که احکام و فرامین او به همه بشر بوده و جواب‌گوی همه نیازهای بشری می‌باشد و در پرتو این دین سعادت، نیک‌بختی، ترقی و تمدن بشریت نهفته است.

2- چون توسعه و پیشرفت دنیای امروز در محور اقتصادی می‌چرخد، مسایل اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین مسایل زندگی بشری مطرح است، چرخه زندگی انسان با اقتصاد در گردش می‌آید، اما مسلمان باید معتقد باشد که اقتصاد یک وسیله زندگی است بخاطر امرار حیات، عقیده و تقوا زیر بنای زندگی دنیوی و اخروی هر مسلمان است.

3- اسلام مخالف پول و ثروت و دارایی و ملکیت انسان‌ها نیست، اما در مورد نگرش خاص به آن داشته و آن را مورد تایید قرار داده و در تجارت و معاملات و داد و ستد راه‌های حلال و حرام را گذاشته است. از جمله رشوه، سود، خوردن مال یتیم و احتکار اموال را شدیداً محکوم و نکوهش مینماید زیرا تجارت و کسب و درآمد از طریق زور و حرام باعث بی‌اعتمادی و فروپاشی نظام داد و ستد گردیده، خلاف مصالح جامعه مسلمین می‌گردد.

4- احتکار نظر به فرموده های رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در صورتی که در حال قحطی و سبب ضرر و زیان و گران فروشی در بازار مسلمین گردد، مطلقاً حرام گردیده و محتکرین را به اشد مجازات اخروی و دنیوی وعده داده است.

5- احتکار مانند سایر گناهان کبیره در دین اسلام ممنوع و حرام بوده، فاعل آن ملعون، مریض و خطاکار و مستوجب آتش جهنم خوانده شده، گناهی است نابخشودنی تا هنگامی که دست از احتکار برندارد.

6- وظیفه و مسولیت قوای سه گانه دولت است که جلو خطاکاران و محتکران را بگیرد، مجرمین را به پنجه قانون بسپارد و از بازار کنترل صورت گیرد.

در امر ریشه کن ساختن عمل احتکار و دست کشیدن محتکرین مبارزه همگانی دولتی و مردمی ضروری پنداشته میشود تا در زمینه اقدامات جدی و عملی در هر زمان و مکان صورت گیرد.

پیشنهادات

پیشنهادات تحقیق از جمله مواردی هستند که در جهت رفع خلاهای یافت شده در بحث به عنوان بدیل بکار برده می شوند و محقق برای بیان نظر خود در مقابل مطالب بیان شده و به منظور ارائه راه حل به مشکلات موجود پیشنهادات ذیل را ارائه می دارد:

- 1- نظارت جدی دولت و نظارت عمومی بر عرضه فروش از تولید تا رسیدن به مصرف کننده.
- 2- تبلیغ و ترویج فرهنگ خرید و فروش اسلامی، و بحران ساز بودن احتکار و ضرر رساندن به دین و دنیا، آگاه سازی مردم به ضروریات زندگی و معیشت در مواقع بحرانی.
- 3- محرک لازم برای شروع نظارت دولت یا افراد ذی صلاح بر بازار .
- 4- موظف شدن فروشنده به فروش و در صورت احجاف در نرخ گذاری، فروش مستقیم توسط دولت، و در صورت عدم انجام، مجازات محکومین .
- 5- ترویج فرهنگ فروش بدون احتکار و شناسائی ارزاق عمومی توسط دولت و اولویت بندی در جامعه .
- 6- تولید کردن طبق اولویت مرحله اول و یا وارد کردن طعام یا ضروریات جایگزین به چرخه مصرف مردم .
- 7- شناسائی دلالتان و فروشندگان کلان بازار و انحصار طلبان اقتصادی .
- 8- نظارت و جلوگیری از انحصار طلبی از طریق اعمال قانون برای توزیع کالا .
- 9- حبس کالا و توزیع خود دولت به همراه جرائم و حبس و محرومیت از فروش .
- 10- دست واسطه ها از جریان توزیع کالا قطع و از تورم قیمتها و بی ثباتی آنها جلوگیری شود .

فهرست آیات قرآنی

شماره رساله	شماره آیت	ابتداء آیت	شماره
۳۳،۵۱	نساء آیه ۲۹	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا ...	1
۳۱،۳۴	توبه آیه ۳۴	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبُطْلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ...	2
۵۵،۳۲	حج آیه ۲۵	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ ...	3
۸۸	نور آیه ۳۷	رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ ...	4
۳۸	حشر آیه ۷	كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ...	5
۳۲	همزه آیه ۱	وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ	6
۳۲	همزه آیه ۲	الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ	7

فهرست آحادیث نبوی

شماره	شماره	موضوع	شماره
۴۳،۴۴، ۳۵،۹،۲۱	ابن عمر	الجالب المرزوق، والمحتكر الملعون...	
۳۵،۵۴	ابن عمر	من احتكر طعاما اربعين ليلة فقد بريي....	1
۳۵،۱۹،۲۲	ابن عمر	من احتكره على المسلمين طعاما ضربه الله بالجذام و الافلاس....	2
۲۰	ابن عمر	احتكار الطعام في الحمد الحاد فيه...	3
۴۷	ابن عمر	لا تلقوا السلع حتى يهبط الى السوق....	4
۸۵	ابوذر	من لم يبال من اين اكتسب المال لم يبال الله	5
۳۴	ابى امامه	نهى رسول الله صلى الله عليه و سلم ان يحتكر الطعام...	6

7	لا ضرر و لا ضرار فى الاسلام.....	ابى سعيد سعد بن سنان الخدرى	٨٢
8	من احتكر حكرة يريد أن يغلى يريد أن لغوى بها	ابى هريره	٣٥
9	من احتكر يه فهو خاطى...	امام مسلم	٣٤
10	من طبائع الغمار اتعاب النفوس....	على ابن ابى طالب	١١
11	من احتكر اربعين يوما ثم تصديق به لم تكن...	على ابن ابى طالب	٥٤
12	من احتكر الطعام اربعين يوما قسا قلبه...	على ابن ابى طالب	٥٤
13	من جلب طعاما فباعه بسعر...	على ابن ابى طالب	٥٤
14	انه احرق طعام المحتكر بالنار...	على بن ابى طالب	٥٤
15	كل رحم نبت من حرام فالنار اولى به....	كعب بن عجرة	٨٥
16	ان الله هو القابض الباسط السعر، و انى لا رجو ان القى الله عزوجل...	مالك بن انس	٥٧
17	و لا تنس نصيبك من الدنيا.....	معاذ بن جبل	٨٨
18	من دخل فى شىء من اسعار المسلمين ليغيه عليهم كان حقا....	مقل بن يسار	٥٥
19	لا يحتكر الا خاطى....	معمربن عبدالله	٣٢،١١،٤٣
20	و العمل على هذا اهل العلم كرهوا احتكار الطعام ورخص بعضهم فى الاحتكار....	معمربن عبدالله	٣١

فهرست اعلام

شماره	اسم	شماره صفحه
١	جوهرى	٥
٢	حصفكى	١٩،٤٤،٤٣،٤٢
٣	ابويوسف	٢٠، ٤٢،٤٣،٤٤،٤٦١٠٥

۲۰	کاسانی	۴
۴۴،۶۳،۶۴،۷۱،۶۴		
۲۰	امام باجی	۵
۱۰۳،۲۱	بهوتی	۶
،۳۳،۳۱	علامه طباطبایی	۷
،۳۲	ابن کثیر	۸
۳۳	امام قرطبی	۹
۳۳،۸۹	امام غزالی	۱۰
،۲۱،۴۵	ابن قدامه	۱۱
۳۸،۱۰۳،۴۳	امام نووی	۱۲
۲۵،۳۷	امام ابن قیم جوزی	۱۳
۳۹	امام محمد بن عبدالرحمن دمشقی	۱۴
۴۲	شعرانی	۱۵
۴۲،۱۰۴۱،۵	ابن تیمیه	۱۶
۴۴	ابن رفعه	۱۷
۴۴،۴۵	میر غینانی	۱۸
۴۴،۶۳،۶۴	موصلی	۱۹
۴۵،۶۵،۱۰۴	ابن حزم	۲۰
۴۴	ابن حجر الهیتمی	۲۱
۴۶	الابی	۲۲
۴۰	ابن الاخوة	۲۳
۶۲،۶۳،۶۴	بایرتی	۲۴
۶۶	شیخ طوسی	۲۵
۶۶	علامه حلی	۲۶
۶۹	اوزاعی	۲۷
۷۰	شیخ انصاری	۲۸

۱۰۴	ماوردی	۳۹
۱۰۴	شوکانی	۳۰
۴۴،۱۰۵	ابن عابدین	۳۱
،۱۰۵،۲۵	ابن خلدون	۳۲

فهرست مصادر و مراجع

- 1- قرآنكريم
- 2- ابن اثير جزري (شيباني)، مجدالدين بن محمد، جامع الاصول في الاحاديث الرسول، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، سال نشر: ١٤١٨ هجرى.
- 3- ابن اثير، الجزرى على بن ابى الكرم، اسد الغابه فى معرفه الصحابه، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت، سال نشر: ١٤١٥ م.
- 4- ابن حجر الكلبى، محمد بن احمد، القوانين الفقهيّة فى تلخيص مذهب المالكيّة والتنبيه على مذهب الشافعيّة والحنفيّة والحنبلية، محقق: محمد بن سيدى محمد باحث بموسوعة الفقهيّة و عضو هيئه الفتوي به وزارة اوقاف كويت.
- 5- ابن تيميه، ابوالعباس احمد، الحسبه فى الاسلام و وظيفه الحكومه الاسلاميه، ناشر: دارالكتب العلميه – بيروت، سال نشر: 1318 هـ ش.
- 6- ابن حزم
- 7- ابن عابدين، محمد امين بن عمر بن عبدالعزيز، رد المختار على الدر المختار، چاپ دوم، ناشر: دار الفكر- بيروت، سال نشر: ١٤١٢ هـ.
- 8- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروين گنابادى، ناشر: بنگاه نشر، سال نشر: ١٣٣٦ هـ.
- 9- ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم بن محمد، البحر الرائق شرح كنز الدقايق، ناشر: دارالكتاب الاسلامى – دمشق، سال نشر: 1999 م.
- 10- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الكافى فى فقه الامام احمد حنبل، ناشر: دارالكتب العلميه، سال نشر: ١٩٩٤ م.
- 11- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنى، ناشر: دارالمنار، بيروت، سال نشر: ١٣٦٧ هـ.
- 12- ابن منظور، جمال الدين ابوالفضل، لسان العرب، دارالاحياء التراث العربى، لبنان، ١٤٠٨ قمرى.
- 13- ابن الاخوة، محمد بن محمد بن احمد القرشى، معالم القربه فى احكام الحسبه، محقق: محمد محمود شعبان، ناشر: مكتبه الاعلام الاسلامى، سال نشر: ١٤٠٨ هـ.
- 14- ابن شطى، محمد جميل بن عمر البغدادى، مختصر طبقات الحنابله، ناشر: دارالكتاب العربى، بيروت، سال نشر: ١٤٠٦ هـ.
- 15- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، محقق: سامي بن محمد السلامة، ناشر: دارطبيه، سال نشر: ١٤٢٠ هـ.

- 16- ابن العربي، **عارضه الاحوذى بشرح سنن الترمذى**، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت – لبنان، سال نشر: 2001م.
- 17- ابن كثير، **الحافظ أبى اسماعيل القریشى، البداية والنهاية، محقق: على شيرى**، ناشر: دارالحياة التراث العربى، بيروت – لبنان، سال نشر: 2001م.
- 18- ابن قيم الجوزي، **محمد بن ابى بكر، الطرق الحكيمه فى السياسة الشرعية، محقق: نايف بن احمد الحمد**، ناشر: مجمع الفقه الاسلامى بجدة، سال نشر: 1428م.
- 19- ابن قيم الجوزى، **محمد بن ابى بكر، اعلام الموقعين عن رب العالمين، محقق: مشهور بن حسن آل سلمان أبو عبيدة**، سال نشر: 2008م.
- 20- ابن حجر عسقلانى، **احمد بن على، الدرر الكامنه، - حيدر آباد دكن، سال نشر: 1972م.**
- 21- ابن حجر عسقلانى، **احمد بن على، تلخيص الحبير، ناشر: مؤسسة قرطبة 1416هـ**، سال نشر: هـ
- 22- ابن حجر عسقلانى، **احمد بن على، فتح البارى بشرح الصحيح البخارى**، ناشر: دارالديان للتراث، -قاهره، سال نشر: 1999م.
- 23- ابن حجر الهيتمى، **احمد بن محمد، الفتاوى الكبرى الفقيهيه، ناشر: مكتبه الاسلاميه- سال نشر: 2001م.**
- 24- ابى نصر السبكي، **تاج الدين، طبقات الشافعيه الكبرى**، ناشر: داراحياء الكتب العربيه، سال نشر: 2002م.
- 25- ابو الاعلى المودودى، **نظرية الإسلام الساسية**، ناشر: اتحاد عام طلاب جمهورى مصر، سال نشر: 2010م.
- 26- ميدانى، **عبدالغنى الغنيمى الدمشقى، اللباب فى شرح الكتاب**، محقق: محمد محى الدين عبدالحميد، ناشر: مكتبه العلميه بيروت، سال نشر: 2010م.
- 27- مواق، **محمد بن يوسف بن ابى القاسم، التاج و الاكليل لمختصر خليل**، ناشر: دارالكتب العلميه ، سال نشر: 2001م.
- 28- سبكي، **تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي، طبقات الشافعيه الكبرى**، تحقيق: محمود محمد الطناحي، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، سال نشر: 1314هـ.
- 29- اسماعيل بغدادى، **ايضاح المكنون فى الذيل على الكشف الظنون عن اسامى الكتب والفنون**، ناشر: دارالحياة التراث العربى، بيروت – لبنان، سال نشر: 1920م.

- 30- باجى، ابوالوليد سليمان، **المنتقى شرح الموطأ**، ناشر: دارالكتاب العربى، بيروت، بدون تاريخ.
- 31- بخارى، محمد بن اسماعيل، **التاريخ الكبير**، محقق: هاشم الندوى، ناشر: دائره المعارف العثمانية، سال نشر: ٢٠٠٩م.
- 32- سيوطى، مصطفى بن سعد، **مطالب اولى النهى فى شرح غاية المنتهى**، ناشر: المكتب الاسلامى، سال نشر: ١٤١٥ هـ.
- 33- شوكانى، محمد بن على بن عبدالله، **نيل الاوطار**، تحقيق: عصام الدين الصبابى، چاپ اول، ناشر: دارالحديث، - مصر، سال نشر: ١٤١٤ هـ.
- 34- شوكانى، محمد بن على بن عبدالله، **الفتح القدير**، ناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت ١٤١٤ هـ.
- 35- غزالى، أبى حامد، **احياء علوم الدين**، ناشر: دارالكتاب العربى بيروت، بدون تاريخ.
- 36- طبرى، محمد بن جرير بن يزيد ، **جامع البيان فى تاويل القرآن**، ناشر: موسسه الرساله، سال نشر: ٢٠١٠م.
- 37- نووي، يحيى بن شرف، **تهذيب الاسماء واللغات**، ناشر: ادارة الطباعة المنيرية- قاهره، سال نشر: ٢٠٠٨م.
- 38- ذهبى، شمس الدين ابو عبدالله محمد بن احمد، **تذكره الحفاظ**، ناشر: دارالكتب العلمية، بدون تاريخ.
- 39- خطيب البغدادي، أبى بكر احمد بن عاى، **تاريخ بغداد**، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، ناشر: دارالكتب العلمية بيروت - لبنان، بدون تاريخ.
- 40- درينى، دكتور محمد فتحى، **بحوث مقارنه فى الفقه الاسلامى**، ناشر: موسسه الرسال- بيروت، بدون تاريخ.
- 41- مرغينانى، على بن ابى بكر بن عبدالجليل، **الهداية فى شرح البداية المبتدى**، محقق طلال يوسف، ناشر: دارالحياء التراث العربى، بيروت - لبنان، سال نشر: 1999م.
- 42- زيلعى، جمال الدين ابو محمد عبدالله بن يوسف، **نصب الرايه فى تخريج احاديث الهدايه**، محقق: محمد عوامه، ناشر: موسسه البيان للطباعة دادن سر- بيروت لبنان، سال نشر: ١٤١٨ هـ.
- 43- حصنى، تقى الدين أبى بكر، **دفع الشبهه من شبهه و تمرّد**، ناشر: مكتبه الازهرية للتراث ، فاخره- مصر، بدون تاريخ.
- 44- قرطبى، محمد بن احمد أبى بكر، **الجامع احكام القرآن الكريم**، محقق عبدالله عبدالمحسن التركى، ناشر: موسسه الرساله، سال نشر: ٢٠٠٦م.

- 45- موصلى، عبدالله الموصلى، الاختيار لتعليق المختار، ناشر: الاداره العامه للمعاهى الازهرىه، قاهره، سال نشر: ١٩٨٠.
- 46- زيلعى، فخرالدين، تبين الحقائق شرح كنز دقائق و بهامشه حاشية الشلبي، ناشر: مطبعه الاميريه الكبرى، بولاق - مصر، سال نشر: ١٣١٤هـ.
- 47- امدى، علامة على بن محمد، الاحكام فى اصول الاحكام، ناشر: مؤسسة الحلبي القاهره، ١٣٨٧قمرى.
- 48- حاكم، الحافظ ابى عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ناشر: مكتبه دارالكتب العلميه، بدون تاريخ.
- 49- سيد محمد الامين، اعيان الشيعة، محقق: حسن الامين، ناشر: موسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت، بدون تاريخ.
- 50- خطاب رعيني، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسي المغربي، المعروف بالخطاب الرعيني، مواهب الجليل فى شرح مختصر خليل، ناشر: دارالفكر، - بيروت، سال نشر: ١٩٩٢م.
- 51- ماجد، ابو رقيه، الاحتكار دراسة الفقيه مقارنه،
- 52- جبالى، محمد عبدالستار الجبالى، الاحتكار والتسعير،
- 53- عيسى، محمد حلمي عيسى، الاحتكار دراسة فقهية مقارنه،
- 54- بخارى، ابو عبدالله بن اسماعيل بن ابراهيم، الجامع المسند الصحيح المسند من امور رسول الله، ناشر: دار الكتب العلميه، بدون تاريخ.
- 55- ، بابرته، محمد بن محمد بن محمود، العناية شرح الهداية، ناشر: دارالفكر، سال نشر: 2001م.
- 56- بيهقى، احمد بن حسين، سنن بيهقى(السنن الكبرى) ناشر: دائره المعارف العثمانيه،- حيدر آباد هند،سال نشر: ١٣٥٢هـ.
- 57- بهوتى، منصور بن يونس، كشاف القناع على متن الاقناع، ناشر: دارالكتب العلميه، بدون تاريخ.
- 58- بابانى بغدادى، اسماعيل بن محمد، هديه العارفين، ناشر: دارالاحياء التراث العربى، بيروت - لبنان، سال نشر: 1999م.
- 59- بكر ابو زيد، علماء الحنابلة، ناشر: دار ابن الجورى، سال نشر: ٢٠٠٩م.

- 60- مجموعه از نویسندگان، پیرامون احتکار و گران فروشی، مجموعه بررسی های اقتصادی و اجتماعی، واحد اقتصادی اجتماعی حزب جمهوری اسلامی.
- 61- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، **سنن الترمذی**، ناشر: المطبعة المصریة بالازهر، اداره محمد محمد عبدالطیف، سال نشر: ۱۳۵۰هـ.
- 62- جعفری، لنگردوی، **ترمینولوژی حقوق**، ناشر گنج دانش، سال نشر: ۱۳۹۶هـ.
- 63- جوهری، اسماعیل بن حماد، **صاحح اللغة**، محقق عطار، احمد عبدالغفور، چاپ چهارم، ناشر: دارالعلم الملايين، بیروت، سال نشر: ۱۴۰۷هـ.
- 64- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **مستدرک حاکم**، ناشر: دائره المعارف نظامیه کائنه، هند سال نشر: 1340هـ.
- 65- حریری، محمد یوسف، اسلام و نظام اقتصادی، ناشر: امیری، سال نشر: ۱۳۶۲هـ.
- 66- نمازی، حسین نمازی، **نظام های اقتصادی**، ناشر: شرکت سهامی انتشار، سال نشر: ۱۳۸۷هـ.
- 67- طهرانی، حسین طهرانی، سید محمد حسین، **مهر تابان**، مشهد، نور ملکوت قرآن، چاپ هشتم، سال نشر: ۲۴۲۶هـ.
- 68- حصکفی، محمد علی بن محمد، **الدر المختار شرح تنویر الابصار و جامع البحار**، محقق عبدالمنعم خلیل ابراهیم، ناشر: دارالکتب العلمیه، سال نشر: ۱۴۲۳هـ.
- 69- جلال الدین سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **طبقات المفسرین**، محقق: علی محمد عمر، ناشر: مکتبه وهبه - قاهره، سال نشر: ۱۳۹۶هـ.
- 70- قاسم، یوسف قاسم، **التعامل التجاری فی میزان الشریعه**، ناشر: دارالنهضة العربیة، - سال نشر: ۲۰۰۷م.
- 71- حمدی، محمد مظلوم حمدی، **مبادئ اقتصاد التعلیل**.
- 72- محمد، یوسف کمال محمد، **فقه اقتصاد السوق**.
- 73- مشالی، عبدالله المشالی، **الحرية الاقتصادية و تدخل الدولة في النشاط الاقتصادي**.
- 74- عنایه، غازی عنایه: **ضوابط تنظیم الاقتصاد فی السوق الاسلامی**.
- 75- کوهستانی، محمد انور کوهستانی، **نظام اقتصادی**، سال طبع ۱۳۹۶، هجری شمسی.
- 76- بیسونی، سعید ابوالفتح محمد بیسونی: **الحرية الاقتصادية**.
- 77- مصری، رفیق یونس مصری: **اصول الاقتصاد الاسلامی**.

- 78- مجموعه از نویسندگان، محمد عزیز و دكتور محمد عبدالله ابوسنينه: مبادئ الاقتصاد.
- 79- رملى، شافعى، **نهايه المحتاج**، ناشر: مصطفى حلى، - قاهره، سال نشر: ۱۳۵۷هـ.
- 80- زرکلى، خير الدين زرکلى، **الاعلام**، ناشر: دار العلم للملايين، - بيروت سال نشر: ۱۹۸۰م.
- 81- خشنى، محمد بن احمد بن تميم التميمى المغازى الافريقى، **طبقات علماء الافريقيه**، ناشر: دارالكتاب اللبنانى، بيروت- لبنان، بدون تاريخ.
- 82- قاسم، زين الدين قاسم، **تاج التراجم فى طبقات الحنفية**، ناشر: نشرية افغانى، بدون تاريخ.
- 83- شيخ، ضياء الدين سبط الشيخ، **زندگى نامه استاد الفقهاء شيخ انصارى**، ناشر: كنگره جهانى بزرگداشت دويستمين تولد سالگرد شيخ انصارى دبیر خانه، بدون تاريخ.
- 84- شعرانى، عبدالوهاب بن احمد، **الميزان الكبرى**، ناشر: التقدم العلميه، مصر، سال نشر: ۱۳۲۱هـ.
- 85- شيخى زادة داماد، العلاء الحصكى، **الدر المنتقى على متن الملتقى بهامش مجمع الانهر**، محقق خليل عمران المنصور، ناشر: دارالكتب العلميه، سال نشر: 1419هـ.
- 86- خطيب بغدادى، ابوبكر، **تاريخ بغداد**، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، ناشر: دارالكتب العلميه بيروت - لبنان، سال نشر: 2004م.
- 87- صادقى اردستانى، احمد، **توازن ثروت در حكومت اسلامى**.
- 88- صفى پور، عبدالرحيم بن عبدالكريم، **منتهى الارب**، چاپ دوم، تهران، ۱۲۹۶هـ.
- 89- طباطبائى، سيد محمد حسين، **پررسى هاى اسلامى**، ناشر: موسسه بوستان كتاب - قم، سال نشر: ۱۳۸۸هـ.
- 90- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، **المبسوط فى الفقه الاماميه**، ناشر: دارالكتب الاسلامى، بيروت، سال نشر: 2001م.
- 91- طعيمه، صابر عبدالرحمن، **الاباضيه عقيدته مذهباً**، ناشر: دارالجيل، بيروت، سال نشر: ۱۴۰۵هـ.
- 92- قرشى، عبدالقادر، محمد بن نصر الله القرشى، **الجواهر اباضيه فى طبقات الحنفية**، ناشر: مير محمد كتب خانه - كراتشى، سال نشر: 2002م.
- 93- عيدروس، عبدالقادر بن عبدالله العيدورس، **النور السافر عن الاخبار القرن العاشر**، محقق: احمد حالى - اكرم البوشى، ناشر: دار صادر، سال نشر: ۲۰۰۱م.
- 94- تقى، عثمانى، محمد تقى، **اقتصاد اسلامى**، سال نشر: ۱۳۸۳هـ.

- 95- عتقى بزار، احمد بن عمرو بن عبدالخالق، **البحر الزخار**، محقق زين الله محفوظ الرحمن ، ناشر: دارالكتب العلمية، - بيروت- لبنان، سال نشر: 2001م
- 96- مودود، عبدالله ابن مودود، **الاختيار**، به كوشش محمود ابو دقيقه، قاهره، چاپ اول، سال نشر: 1370هـ.
- 97- قرنى، عبدالحفيظ فرغلى على القرنى، **آداب السوق فى الاسلام**.
- 98- حسن، علامه حلى، حسن، **الرجال**، ناشر: نجف، سال نشر: 1381هـ.
- 99- جمال: عبدالناصر، جمال، **موسوعه الفقه الاسلامى**، (المعروفه بموسوعه جمال عبدالناصر)، ناشر: المجلس الاعلى للشؤون الاسلاميه، قاهره، 1411 قمرى.
- 100- علامه حلى، حسن بن يوسف، تذكره الفقهاء، ناشر: المطبه المرتضويه.
- 101- عسقلانى، احمد بن حجر، **فتح البارى**، (بشرح صحيح البخارى)، ناشر: دارالديان للتراث،- قاهره، سال نشر: 1407 قمرى.
- 102- عميد، حسن، **فرهنگ عميد**.
- 103- فيروز آبادى، **القاموس المحيط**، بيروت دارالكتب العلميه، ناشر: دار القلم – بيروت، سال نشر: 1999م.
- 104- نيشابورى، مسلم بن حجاج بن مسلم، **صحيح مسلم** (بشرح النووى)، ناشر: دار احياء التراث العربى، لبنان، سال نشر: 1377هـ.
- 105- كاسانى، علاءالدين ابوبكر بن مسعود، **بدائع الصنائع فى ترتيب الشرايع**، ناشر: جماليه، - مصر، سال نشر: 1328هـ.
- 106- كحالة، عمر بن رضا محمد، **معجم المؤلفين**، ناشر: دارالحياء التراث العربى، سال نشر: 2004م.
- 107- زحيلي، دوكتور وهبه مصطفى، **الفقه الاسلامى و ادلته**، ناشر: دارالفكر سوريه- دمشق، سال نشر: 2008م.
- 108- داماد، مصطفى، **تحليل و بررسى احتكار از نظرگاه فقه اسلام**، ناشر: نشرية انديشه هاى نو در علوم اسلامى، سال نشر: 1362هـ.
- 109- محبى، محمد امين بن فضل الله بن محب الدين بن محمد المحبى، **خلاصة الاثر فى اعيان القرن الحادى عشر**، ناشر: المطبه الوهيبة، سال نشر: 1284هـ.

- 110- سليمان، مشهور بن حسن آل سليمان، الامام القرطبي شيخ ائمه التفسير، ناشر: دار القلم دمشق، سال نشر: 2008م.
- 111- عامري، محمد كمال الدين بن محمد الغزى العامري، النعت الاكمل لاصحاب الامام احمد بن حنبل، تحقيق محمد مطيع الحافظ - نزار اباطة، سال نشر: 1402هـ.
- 112- دمشقى، محمد بن عبدالرحمن دمشقى، رحمة الأمة في اختلاف الائمة، ناشر: دار الفكر، - بيروت، سال نشر 2008م.
- 113- مبارك، محمد المبارك، نظام الاسلام الاقتصاد، ناشر: بيروت دار الفكر ، - بيروت، سال نشر: 1980م.
- 114- صدر، كاظم، احتكار از دیدگاه فقه و اقتصاد، سال نشر: 1362هـ.
- 115- نجفى، حسن، جواهر الكلام، ناشر: المكتبة الاسلاميه،- بيروت، سال نشر: 1395هـ.
- 116- مهدي، شمس الدين محمد مهدي، الاحتكار في شريعة الاسلاميه،- بيروت، ناشر: الموسسه الدوليه، ناشر: 1998م.
- 117- طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي، ناشر: دارالكتب العربى، بيروت، سال نشر: 1400هـ.
- 118- منتظرى حسين على، احتكار و قيمت گذارى، مترجم: محمد گيلانى، كيهان، سال نشر: 1367هـ.
- 119- مالك بن انس، المدونه الكبرى، ناشر: وزارة الأوقاف السعودية مطبعة السعادة، سال نشر: 2014م.
- 120- ابن سعد، محمد ابن اسعد، الطبقات الكبرى، ناشر: دارصادر- بيروت، سال نشر: 2002م.
- 121- ذهبى، محمد ذهبى، سير اعلام النبلاء، ناشر: دار العلم- بيروت، سال نشر: 1405هـ.
- 122- الأدنه وي، أحمد بن محمد الأدنه وي ، طبقات المفسرين، تحقيق على محمد عمر- قاهره، مكتبه وهبه، سال نشر: 1404هـ.
- 123- ماوردى، ابوالحسن على بن محمد، الحاوى الكبير، محقق: شيخ على محمد، ناشر: دارالكتب العلميه، بيروت - لبنان، سال نشر: 2005م.
- 124- معمر، على يحيى ، الاباضيه فى موكب التاريخ، ناشر: مكتبه وهبه ، قاهره، سال نشر: 2002م.
- 125- انصارى، مرتضى، محمد امين انصارى، زندگانی و شخصیت شيخ انصارى، ناشر: فارس الحجاز ، سال نشر: 1384هـ.

- 126-مجموعه از نويسندگان، الموسوعه الفقهيه الكويتيه، وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، الكويت،
نشر دارالسلاسل الكويت، 1427
- 127-اعظمى، وليد الاعظمى، اعيان الزمان ويران خانه مان فى مقبرة الخيزران، ناشر: مكتبة الرقيم
بغداد ، سال نشر: ٢٠٠٨م.
- 128-نووى، يحيى بن شرف، تحرير الفاظ التنبيه، محقق: عبدالغنى الدقر، ناشر:دارالقلم، دمشق، سال
نشر: ١٤٠٨هـ.
- 129-نووى، يحيى بن شرف، روضة الطالبين و عمدة المفنين، ناشر: دارالفكر بيروت، سال نشر: ١٤٧٦هـ.
- 130-نظام، حسن بن منصور، الفتاوى العالمگیرية المعروف بالفتاوى الهنديه، ناشر: مطبعه الكبرى
الاميريه، يولاق- مصر، سال نشر: 1310هـ.
- 131-قرضاوى، دكتور يوسف، الحلال والحرام فى الاسلام، مترجم: ابوبكر حسن زاده، ناشر: احسان
سال نشر: 1394م.
- 132-قرضاوى، دكتور يوسف، فتاوى معاصر، مترجم: احمد نعمتى، ناشر: احسان، سال نشر: ١٣٨٩هـ.
- 133-قاضى زاده، احمد بن قودر، نتائج الافكار فى كشف الرموز و الاسرار، ناشر:دار الفكر، سال نشر:
2002م.
- 134-وزارت عدليه، قانون احتكار افغانستان ، وزارت عدليه ١٣٦٨هـ
- 135-عشماوى، ياقوت العشماوى، الخطوط الكبرى للنظام الاقتصادى فى الاسلام، ناشر: مكتبه المنار،
كويت، سال نشر: 2004م.
- Www.avapress.com -136
- Www.dw.com. -137

Abstract

The present thesis, which is entitled "Study of the rules of hoarding from the perspective of Islamic jurisprudence and the laws of Afghanistan," The jurisprudence and laws of Afghanistan are discussed.

In this study, there were three main questions that were obtained through the analysis of books and information in response to each of the following questions: In response to the first question, what is hoarding and what is done with the monopolist, the research findings showed that hoarding It means storing materials in the hope of selling them at a high price and with a monopoly person in accordance with the law and criminal jurisprudence.

In response to the second question, what is the ruling of Islam on hoarding and whether hoarding is a crime, showed that Islam has emphasized the sanctity of hoarding and considered it a crime.

In response to the third question, what is hoarding and what is hoarding, the findings show that most scientists' views are related to food, and this material varies from country to country.

The above findings have been obtained from the Holy Quran, prophetic hadiths, books of magazines and scientific articles, which are among the library researches from the methodology of research.

Key words: hoarding, hoarer, jurisprudence, law



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

A study of the rules of hoarding from the Perspective of Islamic jurisprudence and the Law of Afghanistan

A Master`s thesis

Student: Rabia Hadari

Supervisor: Dr.Najibullah “Saleh”

Year: 2019



Salami University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence &
Law



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
D/M of Academic Affairs

A study of the rules of hoarding from the perspective of Islamic jurisprudence and the laws of Afghanistan

A master's thesis

Student: Rabi'a "Haidar"

Supervisor: Dr. Najibullah "Saleh"

Year: 2019